

# هفته

سال چهاردهم - پنجشنبه / ۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ / ۲۱ آوریل ۲۰۲۲

۶۷۷

بها: ۲,۵ دلار

www.hafteh.ca

گفت‌وگوی هفته با هوشنگ توزیع

به بهانه اجرای تئاتر «شاعر نقره‌ای»:

بعد از ۴۳ سال هنوز احساس غریبی می‌کنم!



به زودی در مونترال و تورنتو: هوشنگ توزیع در نقش فریدون فرخزاد



کوثر عباسی



شهراد فردوسی



علی عزیزیان



ناکتا پهلوان

# آرش و شیرین شکور

کارشناسان رسمی املاک مکونی و تجاری شما  
در مونترال و حومه



پیش فروش یکی از زیباترین مجتمع های مسکونی جزیره

— Nuns' Island —



۳-۲-۱ خوابه

سیستم کنترل ورود و خروج



۳-۲-۱ سرویس بهداشتی

لابی نورگیر و چشم نواز



پارکینگ سروشیده

استراحتگاه اختصاصی



استخر روباز

باشگاه مجهز و مدرن

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های زیر تماس بگیرید

۵۱۴- ۷۳۰۳۹۰۹

۵۱۴- ۴۴۱۴۱۸۹





**دکتر شریف**  
**دکتر البزال**  
**دکتر دالیوال**  
**دکتر لیندا عطار**

Dr. Sharif  
 Dr. Albazzal  
 Dr. Dhaliwal  
 Dr. Linda Attar

**تخفیف ویژه برای**

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪  
 بیماران جدید ۱۰٪

**Montreal**

**(514) 731 1443**

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,  
 Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

**f** Clinique.Dentaire.Soleil

**www.cliniquedentairesoleil.com**

**info@cliniquedentairesoleil.com**

**Brossard**

**(450) 926 2622**

7801-2 Taschereau Blvd  
 Brossard QC, J4Y1A3

**info@cliniquedentaire  
 soleil-brossard.com**



**RE/MAX**  
**3000**

**Tranquill-T** بیمه منحصر به فرد

**هایک هارتونیان** MBA

مشاور و متخصص املاک مسکونی در استان کبک

**(514) 574 6162**



- مشاوره رایگان حضوری و تلفنی
- ارزیابی رایگان ملک شما
- تهیه وام با بهترین بهره و شرایط بانکی
- خرید، فروش، اجاره

• **پروسه رایگان برای خریداران**

**Hayk Hartounian** MBA Residential Real Estate Broker

Haykhartounian@yahoo.com

9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5



# طلا و جواهر یادگاری

## اولین طلافروشی ایرانی در مونترال

خرید، فروش، تعمیر و تعویض انواع طلا و جواهر  
انواع گردنبند، دستبند و گوشواره  
خرید و فروش بر اساس وزن و عیار

Unit C 301, 1 Westmount Sq, Westmount  
H3Z 2P9  
(514) 245-9159



YADEGARI\_JEWELRY



YADEGARJEWELRY



YADEGARJEWELRY.COM

Sutton



# آرزو گتمیری مشاور املاک

**AREZOU GATTMIRI**  
Courtier Immobilier Résidentiel

[agattmiri@sutton.com](mailto:agattmiri@sutton.com)

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

**Cell: (514) 561-3-561**

Groupe Sutton-Sur L'île  
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8  
Bureau: (514) 769-7010

Sutton



ارزیابی رایگان

**(514) 827-6364**

[fhemaatiyan@sutton.com](mailto:fhemaatiyan@sutton.com)

جنب اخوان و نیش دیجیتال و صرافی رویال 6160 Rue Sherbrooke west Montreal H4B 1L8

مشاور املاک مسکونی و تجاری

## فیروز همتیان

با تجربه ۲۰ سال در املاک و ۳۸ سال در سابقه کسب و کار در مونتreal

### گشایش یافت، دفتر امور املاک همتیان

- مشاور ارشد املاک در مونتreal و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وامهای مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیزینس



**Firouz Hemmatiyan**

Courtier Immobilier Agréé  
Certified Real Estate Broker



نمایش؛ گروه ترجمه هفته  
سهیل پارسا با «خانه‌ی برناردا آلبا» می‌آید

معصومه‌علی محمدی  
ویزای جدید برای ورود متخصصین ماهر به  
کانادا بدون پیشنهاد کار

داستان؛ کریم زینانی  
فضول فضوله، کاریش هم نمی‌شه کرد!

شاهین شهسواری  
گرفتاری ایرانیان دوتابعیتی به علت سربازی  
اجباری در سپاه پاسداران

تئاتر؛ سعید میرزایی  
رامین کریملو، بازیگر ایرانی-کانادایی که  
صحنه‌هایی تئاتر را تسخیر کرد

اشکان امیری  
کندی روند رسیدگی به پرونده‌های  
متقاضیان جدید مهاجرت به کانادا واقعا  
وحشتناک است

سینما؛ عارف محمدی  
در جستجوی جنسی دیگر از زندگی

شعر؛ خالد بایزیدی (دلیر)  
چامک‌هایی از خالد بایزیدی

عارف محمدی  
گفت‌وگویی هفته با هوشنگ توزیع به بهانه  
اجرای تئاتر «شاعر نقره‌ای»:  
بعد از ۴۳ سال هنوز احساس غریبی می‌کنم!  
اگر مردم به دیدن کارهای شما نیابند تئاتری  
اتفاق نیفتاده و فقط خودتان، خودتان را سرگرم  
کرده‌اید.

به‌زودی در تورنتو و مونترال: هوشنگ  
توزیع در نقش فریدون فرخزاد

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال چهاردهم - شماره ۶۷۷  
پنج‌شنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ / ۲۱ آوریل ۲۰۲۲  
پها: ۲/۵ دلار

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار / دانشجویی: ۶۰ دلار

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۲ میلادی:  
پنجشنبه ۶ ژانویه، پنجشنبه ۲۴ مارچ  
پنجشنبه ۷ جولای، پنجشنبه ۱۳ اکتبر

( 5 1 4 ) 8 3 4 - 7 2 5 4  
www.hafteh.ca  
info@hafteh.ca  
news@hafteh.ca  
ad@hafteh.ca  
ISSN 1918-4379 HafteH

Head Office:  
1980 Sherbrooke St. W.  
Suite: 900  
Montreal, Quebec, H3H 1E8

صورت آواز مرغ است آن گل‌ام  
غافل است از حال مرغان مردخام



آریانا، گزارش: نرگس هاشمی  
**باج گیری غیر مسوولانه آمریکا از افغانستان**  
 تحلیل گران افغان درباره ی ضبط دارایی های  
 افغانستان توسط آمریکا چه می گویند؟

آریانا، داستان: جمیله هاشمی  
 در گذر زمان

۵۶ جامعه

دانش: سعید میرزایی  
**وحید سرپوشان، دانش آموخته ی مک کیل،**  
**امید گروهی از بیماران صعب العلاج**

محیط زیست: شاهین شهسواری  
**توقف تولید زباله در مونترال تا سال ۲۰۳۰؟**

حقوق: گروه ترجمه هفته  
**طلاق ایرانی یا طلاق کانادایی؟ کدام یک**  
**راهگشاست؟**

۴۸ خانواده و سرگرمی

آشپزی: مهسا عباس پور  
**سالاد سیب زمینی**  
**سرگرمی؛ خاطره تحویل داری یکتا**  
**طنز و حکایت و سرگرمی**



سیاست: شاهین شهسواری  
**رسوایی در شهرداری ریچموند هیل**

سیاست: گروه ترجمه هفته  
**مخالفت اتاوا با مصادره اموال و املاک**  
**جمهوری اسلامی در کانادا**

اقتصاد: آرمین آریان پور  
**افزایش شدید نرخ بهره معیار در کانادا به**  
**یک درصد**  
 این تصمیم بانک مرکزی چه پیامدهایی خواهد  
 داشت؟

طرح هفته: سیروس یحیی آبادی  
**بانک مرکزی کانادا نرخ بهره را دوباره کرد**



گفت و گو: آرش محبی  
**گفت و گو با جسیکا جیونتا، از همکاران شورای**  
**مدیریت مدارس یورک**  
**«مربی راهنمای اختصاصی و رایگان برای**  
**تازه مهاجران**

گزارش: پگاه شریفی  
**نرگس اسکندری، پناهنده ایرانی در آلمان**  
**اولین شهردار زن کلان شهر فرانکفورت شد**

سردبیر: خسرو شمیرانی

سر دبیر آنلاین: آرش محبی

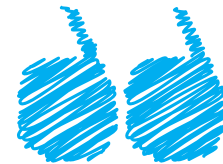
مدیر بازرگانی: محمد پرونده

طراح و صفحه آرا: آتلیه هفته  
 کاریکاتوربست: سیروس یحیی آبادی  
 عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته



# «شاعر نقره‌ای»، ادای دین به روح تنهای یک شاعر



(یا تقریباً نادیده) می‌گیرد؟ و این نادیده گرفتن چه تبعاتی دارد؟ ندیدن و نشنیدن این گروه نه چندان بزرگ نه فقط جفا به بهترین‌های جامعه، بلکه جفا به خود ما است، به تک‌تک‌مان و به همه‌مان، به جامعه‌مان. آنها می‌آیند، زندگی خود را نثار می‌کنند و با دستان بسته‌ی خود علف‌های هرز دشت بی‌فرهنگی ما را از خاک بیرون می‌کشند، و گل می‌کارند، و بسیاری از اوقات با قلب‌های شکسته و خون‌چکان بدرود حیات می‌گویند. نتیجه اینکه هنوز و همچنان نیز پس از این‌همه سال و این همه شعار و این همه جنایت، متحجرترین‌ها و عقب‌افتاده‌ترین‌ها که بوی جهل‌شان عالم را برداشته است معیارهای اخلاق را در جامعه تعریف می‌کنند. چه شهامت پذیرش داشته باشیم و چه نداشته باشیم و نپذیریم، واقعیت تلخ این است که در سرزمین ما همچنان دین‌فروشان از گوربرخاسته‌ی سده‌های جهل «هادی» و «مرجع» جامعه هستند. برای این تراژدی ما، «من» و «تو» مسئولیم.

به سهم خودم از هوشنگ توزیع و گروه همکاران او در نمایش «شاعر نقره‌ای» سپاسگزارم که این اثر را تولید کرده و با زحمت بسیار آن را به تورنتو و مونترال هم آورده‌اند.

تا روز ۲۹ آوریل در مونترال و روز ۳۰ آوریل در تورنتو چشم انتظار دیداری دوباره با زنده‌یاد فریدون فرخزاد در «شاعر نقره‌ای» هستیم.

هوشنگ توزیع که خودش یکی از هنرمندان تاثیرگذار در صحنه تئاتر و نمایش ایران است و خون دل فراوان برای فرهنگ و هنر خورده است، اکنون دست‌به‌کار شده تا بخشی از دین جامعه به این انسان بزرگ را به جا بیاورد: «شاعر نقره‌ای» محصول تلاش هوشنگ توزیع و همکاران اوست که بزودی در تورنتو و مونترال روی صحنه خواهد رفت.

«شاعر نقره‌ای» که به زندگی فریدون فرخزاد می‌پردازد یکی از معدود کارهایی است که درباره این انسان عاشق تولید شده است. هوشنگ توزیع در مصاحبه‌ای که با همکار گرامی، آقای عارف محمدی دارد به «هفته» می‌گوید: «متن صددرصد بر اساس تحقیقات من بوده است و هیچ چیز در این نمایش نیست که بر اساس واقعیت نباشد ولی نه بر اساس تمام اتفاقاتی که قدم‌به‌قدم افتاده باشد. این که او چهارشنبه به اینجا رفته است و یا در فلان تاریخ در سوئد کنسرت داشته و غیره را به آن شکل رعایت نکردم ولی بر اساس روح تنهای یک شاعر که در پوست خود نمی‌گنجید نمایش را نوشتم. تمام جملاتی که مادرش به فریدون می‌گوید دقیقاً همان‌هایی است که مادر من به من می‌گفت. خط داستان از تحقیقات زیادی است که انجام داده‌ام. تقریباً کمتر مستندی بوده که من ندیده باشم مگر شایعات. تمام این‌ها را در نظر گرفتیم.»

راستی چرا جامعه‌ی ما درمندترین و درستکارترین‌ها و هنرمندترین‌هایش را نادیده

تعهد و عشق‌اش به انسان، و به انسان ایرانی و شرقی بی‌مثال بود و او نیز همچون تمامی عاشقان در طول تاریخ جانش را پای عشق و تعهدش گذاشت. از فریدون فرخزاد می‌گویم که بی‌تردید یکی از معدود روشنفکران این دوران است و بسیار جلوتر از زمان خودش. فریدون فرخزاد به طرز وحشیانه‌ای به قتل رسید اما با تمام توحشی که در این جنایت بود تراژدی اصلی را باید جای دیگری جست. آنجا که فریاد پر درد انسان‌هایی همچون او، در زمان حیات به گوش «من» و «تو» نمی‌رسد و پس از مرگشان نیز آنها را به بوته فراموشی می‌سپاریم.

فریدون فرخزاد که با شعر و هنرش در برابر ظلم حاکم و جهل جامعه می‌ایستاد، هرگز زندگی و لبخند را فراموش نکرد. یوهانس بوبروفسکی، شاعر شهیر آلمان درباره فریدون فرخزاد می‌گوید: «این شاعران ایرانی به ما نشان داده‌اند که در دنیای مملو از وحشت جنگ، هنوز می‌توان زیست.»



# اخبار گزارش‌ها



## رسوایی در وزارت بهداشت کبک: لینکی که کاربران را به یک سایت پورن‌هاب هدایت می‌کرد



آن هستیم. تحقیق در این باره در جریان است. حساب وزارت بهداشت کبک در توئیتر بیش از یکصد هزار مشترک دارد. انتشار لینک اشتباهی توسط وزارت بهداشت کبک از چشم کاربران پنهان نماند و خیلی زود واکنش‌های متعدد غالباً تمسخرآمیز و نیشداری برانگیخت.

یکی از کاربران پس از بازکردن لینک اشتباهی وزارت بهداشت کبک در توئیتر نوشت: «شاید شما فکر کنید که روز بدی را سپری می‌کنید اما قطعاً یک نفر در وزارت بهداشت کبک روز بدتری را تجربه می‌کند.»

یک کاربر دیگر نوشت: «مقامات وزارت بهداشت به دنبال علل این اشتباه و جلوگیری از تکرار آن هستند. مسلماً اگر کارمندان در محل کار پورن تماشا نکنند، این اتفاق نمی‌افتد.»

چند کاربر دیگر هم با کارمندی که مرتکب چنین اشتباهی شده است، عمیقاً ابراز همدردی کردند.

کرد، لینک اشتباهی بود که کاربران را به یک سایت پورن هدایت می‌کرد. لینک منتشرشده مربوط به یک ویدئوی فتیش پای زنان متعلق به پر بازدیدترین سایت تصاویر و فیلم‌های سکسی یعنی پورن‌هاب بود که شعبه شرکت MindGeek مستقر در مونترال است.

برخی از کاربران که بلافاصله این گاف وزارت بهداشت کبک را در شبکه‌های اجتماعی بازتاب دادند، گفتند که بیشتر از نیم ساعت طول نکشید تا مسئولان وزارت بهداشت این اشتباه را اصلاح کنند.

وزارت بهداشت کبک بعد از ظهر پنجشنبه با انتشار توئیتی به اشتباه خود اذعان و اعلام کرد این خطا به علت «یک وضعیت خارج از کنترل» اتفاق افتاده است.

روبر ماراندا، سخنگوی این وزارت خانه تاکید کرد: «ما از این اتفاق متأسفیم و به دنبال علل

انتشار یک توئیٹ توسط وزارت بهداشت و خدمات اجتماعی کبک رسوایی به بار آورد. توئیٹی که این وزارت خانه روز پنجشنبه منتشر کرد و البته ۳۰ دقیقه بعد اصلاح شد، حاوی لینکی بود که کاربران را به یک سایت پورن می‌برد.

وزارت بهداشت کبک روز پنجشنبه نیز همانند روزهای گذشته قصد داشت نرخ روزانه موارد ابتلا و مرگ و میر ناشی از کووید ۱۹ و همچنین تعداد بیماران کرونایی بستری شده در بیمارستان‌ها را در شبکه‌های اجتماعی خود منتشر کند. این وزارت خانه در صفحه توئیتر خود پیوندی را قرار داد که معمولاً به وبسایت این وزارت خانه منتهی می‌شد و تازه‌ترین آمار کووید ۱۹ را در استان کبک ارائه می‌کرد. اما لینکی که وزارت بهداشت کبک آن روز منتشر

## سنت‌های فراموش شده مونترال در عید پاک، فرصتی برای دلبری کردن زنان

تبدیل شد. در این میان البته برخی از زنان نیز استفاده از کلاه را دوست داشتند و صرفاً به خاطر حس خوبی که این پوشش به آنها می‌داد، از آن استفاده می‌کردند.

فروشگاه بزرگ و شیک «برادران دوپویی» در سال ۱۸۶۸ در مونترال افتتاح و ژانویه سال ۱۹۷۸ نیز تعطیل شد. چهار دهه پیش وقتی این فروشگاه شیک که پس از حدود ۱۱۰ سال حکمرانی در بازار پوشاک مونترال، به شکلی غیرمنتظره تعطیل شد، شوک بزرگی به حدود ۶۰۰ نفر که در آن مشغول کار بودند، وارد کرد.

با این حال «دوپویی فرر» در یک مورد متمایز از دیگر برندهای مونترال بود: زبان این مرکز تجاری منحصرافرانسه بود. بنابراین مشتریان آن نیز عمدتاً از جامعه بورژوازی کانادایی-فرانسوی بودند و کارکنان آن نیز به جز چند مورد استثناً، فرانسوی زبان و کاتولیک بودند. دوپویی فرر در واقع نماد بارزی از موفقیت اقتصادی کانادایی-فرانسوی در دوره‌ای بود که اقتصاد و تجارت مونترال تحت سلطه انگلیسی زبان‌ها قرار داشت.

زیبایی که غالباً لبه‌های پهنی داشتند و با پر، گل یا روبان‌های رنگارنگ تزیین شده بودند، زیبایی خود را در چشم دیگران دوچندان کنند و برای شوهران یا معشوقه‌هایشان بیشتر دلبری کنند. فراموش نکنیم که در آن زمان هنوز قوانین و مقرراتی حاکم بود که زنان اجازه نداشتند بدون پوشاندن سر خود از خانه خارج شوند. این محدودیت که قطعاً همان زمان نیز اکثر زن‌ها از آن ناراضی بودند، موجب شده بود تا عید پاک به فرصتی مناسب برای جلوه‌گری و بهانه‌جویی برای عشوه‌گری هر چه بیشتر زنان تبدیل شود. در این فایل آرشیوی که مربوط به برنامه ۷۷ در تاریخ ششم آوریل ۱۹۶۱ است، دوربین‌های مخفی زنان مونترالی را نشان می‌دهد که با شوق و ذوق و وسواس زیاد کلاه‌هایی را که می‌خواهند از فروشگاه «برادران فرر» مونترال خریداری کنند، تست می‌کنند.

استفاده از کلاه برای زنان به عنوان یک الزام اجتماعی به تدریج در همان دهه ۱۹۶۰ لغو شد و به یک سبک پوشش در مناسبت‌های ویژه



خرید کلاه شاپو زنانه در فروشگاه «برادران فرر» ششم آوریل ۱۹۶۱

بیاید برای آشنایی با بخشی از سنت‌های مونترال در گذشته‌های دور به ایام عید پاک در سال‌های ۱۹۶۰ برگردیم، زمانی که مشتریان فروشگاه بزرگ و شیک آن روزگار یعنی «برادران دوپویی» Dupuis Frères با دقت زیاد و وسواس عجیب و غریبی کلاه‌های زیبای مورد نظر خود را برای جشن عید پاک انتخاب می‌کردند. تصاویری جالبی که از آن زمان به یادگار مانده، نشان‌دهنده سنت زیبایی است که امروز دیگر اثری از آن دیده نمی‌شود.

آداب، رسوم و سنت‌های ویژه عید پاک در دهه ۱۹۶۰ بسیار زیاد بود اما در میان همه آن سنت‌ها، خرید کلاه ویژه عید پاک یک فرصت استثنایی برای زنان بود تا با استفاده از کلاه‌های

## بادهای شدید خانه ده‌ها هزار کبکی را در خاموشی فروبرد



برطرف کنند. قطعی برق ناشی از وزش بادهای شدید جمعه شب بیشتر در مناطق غرب و جنوب کبک گزارش شده است. طبق اعلام هیدرو-کبک بادهای شدید شب گذشته برق حدود ۱۵ هزار مشتری این شرکت در اوتاوه، ۱۲ هزار و ۵۰۰ خانه در لانودیئر، ۴ هزار خانه در لاول و ۳۵۰۰ خانه در استری را قطع کرد. مشتریان هیدرو-کبک می‌توانند با مراجعه به سایت Web Info-pannes از خسارات به بار آمده و روند مرمت خرابی‌ها کسب اطلاع کنند.

اعلام این مطلب افزود بادهای شدید خسارات زیادی به شبکه توزیع برق وارد کرده و سقوط درختان در چند دهه‌ها موجب قطع شدن سیم‌های برق شده است. طبق اعلام محیط زیست کانادا، سرعت بادهای جمعه شب به ۷۴ کیلومتر بر ساعت می‌رسید. سخنگوی هیدروکبک خطاب به شهروندان اعلام کرد تیم‌های امداد به سرعت در مناطق حادثه دیده حضور یافته‌اند و در حال ارزیابی میزان خسارت‌ها هستند. کارکنان هیدرو-کبک همه تلاش خود را به کار می‌گیرند تا هر چه زودتر خرابی‌های به بار آمده را

شب گذشته وزش بادهای شدید نزدیک به ۱۱۵ هزار مشتری شرکت هیدرو-کبک را در نقاط مختلف استان به ویژه مونترال، لورانید و مونترژی از برق محروم کرد. تا حدود ساعت ۶ صبح امروز هنوز ۵۲ هزار و ۳۰۶ مشتری هیدروکبک در نقاط مختلف از جمله مونترال برق نداشتند. شرکت هیدرو-کبک در صفحه توییتر خود با

## برای اولین بار در تاریخ مونترال، پلیس شهر تحت فرمان یک زن قرار می‌گیرد



به گفته والری پلانت، انتخاب سوفی روی به ریاست موقت پلیس مونترال با استقبال کلیه بازیگران و شخصیت‌های این بخش روبرو شده است.

مونترال، می‌گوید شاید این مسئله بر ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و اراده خانم روی برای حل و فصل مشکلات اساسی شهر از قبیل خشونت‌های مسلحانه تأثیر منفی بگذارد. آقای دروشه تصریح کرد برای یک رئیس موقت بسیار مشکل است که بخواهد دست به اقدامات اساسی و ساختاری بزند چرا که از روی احترام به رئیس آینده هم که شده، به خود اجازه نخواهد داد که همه چیز را دگرگون کند. در حال حاضر در خصوص برخی معضلات موجود در جامعه مونترال به ویژه نژادپرستی، تیراندازی، حملات مسلحانه و مشکلات دیگری از این قبیل نگرانی‌های جدی وجود دارد اما شاید خانم سوفی روی اراده و انگیزه لازم را برای حمله به این مشکلات نداشته باشد. با این حال من معتقدم که اگر فردی بتواند برای مرتفع کردن این چالش‌ها و دیگر چالش‌های فعلی مونترال کار موثری انجام دهد، قطعاً همین خانم سوفی روی است.

شهردار مونترال یادآوری کرد که خانم سوفی روی اولین زنی خواهد بود که سکان رهبری اداره پلیس مونترال را برعهده خواهد گرفت. خانم روی قطعاً به پشتوانه شناخت عمیق خود از شرایط پلیس مونترال و تجربه گرانمایی که در مدت خدمت در پلیس مونترال اندوخته است، از پس مأموریتی که برعهده او گذاشته شده است، به خوبی برخواهد آمد. برای این که خانم سوفی روی فعالیت خود را رسماً در سمت جدید آغاز کند لازم است که وزیر امنیت عمومی کبک انتصاب او را تایید کند. اما شهرداری مونترال روند انتخاب جانشین دایمی سیلون کارون رئیس فعلی پلیس مونترال را که ۲۲ آوریل آینده سمت خود را برای همیشه ترک خواهد کرد، ادامه خواهد داد. در تاریخ فعالیت پلیس مونترال کمتر اتفاق افتاده است که یک رئیس موقت در پایان دوره انتقالی، به عنوان رئیس دایمی پلیس شهر منصوب شود. آندره دوروشه، بازرس بازنشسته اداره پلیس

والری پلانت، شهردار مونترال، امروز چهارشنبه تایید کرد که در پی بازنشسته شدن سیلون کارون، مدیریت موقت اداره پلیس شهر مونترال به خانم سوفی روی واگذار خواهد شد. خانم پلانت که در کنفرانس هفتگی کمیته اجرایی شهرداری مونترال سخن می‌گفت، خاطر نشان کرد: «خانم سوفی روی که از ۳۴ سال پیش در اداره پلیس مونترال خدمت می‌کند، با توجه به تجربه طولانی خود در لباس پلیس و آشنایی با شرایط و مشکلات شهر، قطعاً فرد بسیار مناسبی برای هدایت پلیس است.» خانم سوفی روی در حال حاضر معاون مدیر تحقیقات جنایی اداره پلیس مونترال است.



## مریم نایب‌یزدی، از فعالیت حقوق بشری تا دریافت مدال از فرماندار کل کانادا

گروه خبر هفته

در سال ۲۰۱۳، فرماندار کل کانادا مدال شصتمین سالگرد سلطنت ملکه الیزابت دوم را به پاس قدردانی از دستاوردهای یزدی در زمینه حقوق بشر به وی اعطا کرد. به گزارش وبسایت «Geneva Summit»، نایب‌یزدی، همچنین، کارزارهای متعددی را برای آزادی زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی راه‌اندازی کرده است که از آنها می‌توان به کارزار جهانی برای سعید ملک‌پور، مقیم دائم کانادا، اشاره کرد. گفتنی است، در چند سال اخیر، مریم نایب‌یزدی پروژه‌هایی را با گروه‌ها و سازمان‌های مختلف حقوق بشری، مانند سازمان ملل متحد، عفو بین‌الملل و سنای کانادا، همکاری کرده است. منبع: وبسایت‌های بنیاد حقوق بشر (Human Rights Foundation) و Geneva Summit

پس از سرکوب اعتراضات در پی انتخابات ۱۳۸۸، مریم نایب‌یزدی خود را وقف ترویج آزادی و دموکراسی در ایران کرد و در راستای افزایش آگاهی بین‌المللی در مورد سرکوب و نقض حقوق بشر در ایران کوشید و Persian2English را در سال ۲۰۰۹ راه‌انداخت که به منبع مهمی برای اخبار روز ایران تبدیل شد. این پروژه مورد توجه و حمایت دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و سیاستمداران در سراسر جهان قرار گرفت و رسانه‌هایی مانند سی‌ان‌ان، سی‌بی‌سی، سی‌تی‌وی، گاردین و ... به گزارش‌های آن استناد کرده‌اند. در سال ۲۰۱۱، مرکز اسناد و تحقیقات حقوق بشر که بخشی از کتابخانه‌های دانشگاه کلمبیاست Persian2English را در بایگانی وب حقوق بشر خود گنجاند.

مریم نایب‌یزدی، فعال حقوق بشر ایرانی-کانادایی و سردبیر وبسایت «Persian2English» است که نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی را به آگاهی مخاطبان جهانی می‌رساند. مریم نایب‌یزدی در مشهد زاده شده و در سال ۱۹۸۹ برای ادامه تحصیل به تورنتو مهاجرت کرده است. او پس از دانش آموختگی از دانشگاه یورک، در یک شرکت رسانه‌ای نوپا مشغول به کار شد. در سال ۲۰۰۸، نایب‌یزدی به عنوان سردبیر مجله‌ی جشنواره‌ی تیرگان، جشنواره‌ی در بزرگداشت فرهنگ ایرانی در تورنتو، برگزیده شد و همچنین مجله‌ی اینترنتی به نام فریاد راه‌انداخت که به دنبال ایجاد ارتباط بین ایرانیان درون مرز و برون مرز بود.

## مایکل لطیفی، از مهاجرت و تحصیل در مکزیک تا موفقیت در کسب‌وکار



کرد. او درباره دلایلش برای این سرمایه‌گذاری گفته بود: «من مدتی است به مارک مک‌لارن و کسب‌کار این شرکت علاقه‌مند شده‌ام. مک‌لارن در صنعت خودرو، اتومبیل‌رانی و فن‌آوری، شرکت منحصر به فردی است و آینده درخشانی دارد و به همین دلیل است که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنم.» او سپس از تیم فرمول یک مسابقات اتومبیل‌رانی با نام ویلیامز ریسینگ حمایت کرد و این تیم را از ورشکستگی نجات داد. این همان تیمی است که پسرش، نیکلاس لطیفی، راننده مسابقات فرمول یک هم در آن حضور دارد. همچنین گفته می‌شود که مایکل لطیفی در امور خیریه هم دستی دارد و منابع مالی زیادی را صرف امور بشردوستانه کرده است.

فودز» تاسیس کرد. این شرکت، رفته رفته بزرگ‌تر شد تا اینکه حالا به یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی مایکل لطیفی تبدیل شده است. آغاز فعالیت تجاری مایکل لطیفی به سال ۱۹۸۰ برمی‌گردد. او که ابتدا کارش را با یک تجارت کوچک آغاز کرد، حالا مالک شرکت «سوفینا فودز» در انتاریو است که در حوزه صنایع غذایی، یکی از غول‌های کانادا و یک رقیب جدی برای همه مدعیان صنایع غذایی در انتاریو به حساب می‌آید. همچنین او مالک دو برند بزرگ با عنوان Lilydale و Santa Maria Foods ULC است. او شرکت اول را در سال ۲۰۱۰ با قیمت ۱۳۰ میلیون دلار کانادا خرید و دو سال بعد هم شرکت غذایی دوم را خرید. مایکل لطیفی، سپس تصمیم گرفت که در گروه مک‌لارن سرمایه‌گذاری کند و حدود ۲۷۰ میلیون دلار در این شرکت خودروسازی سرمایه‌گذاری

مایکل لطیفی به عنوان تاجر و سرمایه‌گذار و یکی از ثروتمندترین ایرانیان خارج از کشور شناخته می‌شود که مالک موسسات و شرکت‌های بزرگی در جهان است. همچنین او پدر نیکلاس لطیفی، راننده فرمول یک است که ماجرای تصادف غیرعمدی‌اش در پیست مسابقه که مانع از قهرمانی «همیلتون» افسانه‌ای شد، سروصدای زیادی در رسانه‌ها به پا کرد. به گزارش هفته، مایکل (مهرداد) لطیفی در سال ۱۹۶۲ در ایران به دنیا آمد و در سن ۱۵ سالگی به کانادا مهاجرت کرد. لطیفی موفق شد که در مقطع کارشناسی، MBA از دانشگاه مک‌گیل کانادا فارغ‌التحصیل شود. بعد از پایان تحصیلات، تصمیم گرفت که وارد عرصه تجارت شود. او به صنعت فرآوری مواد غذایی روی آورد و شرکت فرآوری مواد غذایی خود را در تورنتو به اسم «سوفینا

همسرش در تجارت محصولات لبنی فعال هستند و یک تجارت بسیار موفق را اداره می‌کنند. مایکل لطیفی در یک خانواده شش نفره بزرگ شده است و دو خواهر (با نام‌های افشین و افسانه) و یک برادر (به اسم مکس) دارد. خود مایکل هم چهار فرزند به نام‌های نیکلاس، مایکل، سوف و متیو دارد. در بین فرزندان، نیکلاس از همه مشهورتر است و در مسابقات فرمول یک رانندگی حضور دارد. منابع: وبسایت‌های sportitnow، بی‌بی‌سی، و یکی پدیا و شبکه‌های اجتماعی

### آشنایی با خانواده مایکل لطیفی

محمد باقر لطیفی و فاطمه لطیفی، پدر و مادر مایکل لطیفی هستند که در ایران به دنیا آمده‌اند و آنجا زندگی کرده‌اند. خود مایکل می‌گوید که وقتی ایده مهاجرت به کانادا در دوران نوجوانی به سرش زد، والدینش از تصمیم او استقبال کردند و به او کمک کردند تا تصمیمش را عملی کند. همسر مایکل لطیفی، مارلینا لطیفی از یک خانواده تاجر است که آنها نیز یک تجارت موفق دارند. در شرایطی که مایکل عمده تمرکز تجاری‌اش در حوزه صنایع غذایی فرآوری شده است، خانواده



## نشست انجمن همدلان و جای خالی سعید پرهیزگار، بتول ایروانی، ناصر قوامی‌پور و ناصر اویسی



خود در دو سال گذشته صحبت کردند. صحبت از تنهایی‌ها، فرازونشیب‌ها و همینطور شکوفایی‌ها در مهارت‌هایی که آموختند گفته شد. علیرضا فروتن در پایان نوشته است: «مجموعه همدلان از ابراهیم نوروزی و علی سلیمی و دوستان دیگر سپاسگزار است که در تدارکات پذیرایی برنامه نقش داشتند. همچنین از بانوان پروانه فرزاد، فریبا یگانه و آقایان مهربابا یوسفی و ضیا سپاسگزاری می‌کنند.»

برنامه بعدی انجمن همدلان روز چهارشنبه ۱۱ ماه می ساعت ۱۹ برپا خواهد بود. شما برای آگاهی از برنامه‌های این انجمن می‌توانید با شماره تلفن ۵۱۴۳۲۵۳۰۱۲ سارا پرهیزگار و ۵۱۴۲۹۰۲۲۱۱ علیرضا فروتن تماس بگیرید.

سپس مهندس ابراهیم نوروزی درباره تجربه ۴۰ سال زندگی خود در مونترال صحبت کرد. مهندس ابراهیم نوروزی که در شیمی تغذیه تخصص دارد به عنوان چهره‌ای فعال در زمینه همیاری‌های داوطلبانه شناخته می‌شود. او به دلیل انجام فعالیت‌های داوطلبانه و تاثیرگذاری در سازمان‌های گوناگون به دریافت نشان افتخار از فرماندار کانادا نایل شده است.

در ادامه این نشست خانم سارا پرهیزگار ضمن سپاسگزاری از بزرگداشت یاد همسرش، سرهنگ پرهیزگار، و سایر همدلان، سخنانی در راستای همدلی و همیاری ایراد و بخش‌هایی از برنامه‌های آینده همدلان را اعلام کرد.

در ادامه این برنامه حاضران از حال و هوا و احساسات

نخستین نشست انجمن همدلان بعد از دو سال برگزار شد. این نشست هفته گذشته در مونترال برگزار شد.

بنا به ای‌میل رسیده از آقای علیرضا فروتن در این برنامه ابتدا آقای علی سلیمی، متخصص هیپنوتیزم، به حضاران خوش آمد گفت و از سرهنگ سعید پرهیزگار، بتول ایروانی، ناصرپورقوامی و ناصر اویسی یاد کرد طی دو سال گذشته از دنیا رفتند و یاران همدل خود را تنها گذاشتند. او در ادامه از تأثیری که این زنده‌یادان در پیرامون خود گذاشته‌اند صحبت کرد و تأکید کرد که جای آنها همواره در قلب دوستانشان باقیست گفت. آقای سلیمی در پایان شعری را که سروده‌ی خودش بود برای حضاران خواند.



## تلفیق موسیقی شرق و غرب در آثار آفرین منصوری، آهنگساز ایرانی-کانادایی

تیرگان و دهها موسسه موسیقیایی مشهور در جهان، اجرا داشته است. عضویت در کمیته تنوع، برابری و شمولیت در اپرای کانادا و عضویت در شورای ملی اتحادیه آهنگسازان کانادا هم از دیگر سوابق آفرین منصوری در حوزه موسیقی است. او در سال ۲۰۱۶، سازمان cultureland یا همان سرزمین فرهنگ را برای تولید اپراهایی با عناصر غیرغربی، تاسیس کرد. مفاهیم عرفانی شرقی و ترکیب آن با اپرا در آثار آفرین منصوری مشهود است. همچنین آفرین در سال ۲۰۱۸، اپرای «ممنوعه» را تولید کرد که به شدت مورد استقبال محافل هنری کانادا قرار گرفت، زیرا اپرا را با موسیقی شرقی ترکیب کرده بود.

آفرین درباره سبک کارهایش گفته بود: «سبک من پلی ست که سعی در برقراری ارتباط بین فرهنگ و هویت ایرانیم با فرهنگ غربی و خانه دومم کانادا دارد. دوست دارم با استفاده از گام‌ها، نواهای ایرانی و کلام برگرفته از ادبیات غنی ایرانی و آمیختن آنها با سنن موسیقی غربی، آثار تلفیقی جدیدی بیافرینم که برای هر دو شنونده ایرانی و غیر ایرانی، قابل فهم و درک باشد.»

آفرین منصوری به عنوان بنیانگذار و مدیر موسسه Music Nest شناخته می‌شود که در روشی نوین می‌خواهد با سبک داستان گویی به آموزش موسیقی بپردازد. از آفرین منصوری به عنوان یکی از بااستعدادترین موزیسین‌های آمریکای شمالی یاد می‌شود که می‌تواند موسیقی شرق را با موسیقی غربی در هم آمیزد و ترکیبی معجزه‌وار بیافریند.

شد. تحقیقات مقطع دکترای آفرین در مورد اپرا برای کودکان و اثر آن بر رشد مهارت‌های فکری کودکان بوده است. در این تحقیقات، او یک راهنمای گام به گام برای مربیانی تولید کرده است که می‌خواهند از خوانندگان نوجوان و آماتور در کارهایشان بهره ببرند.

آفرین منصوری در جوار بزرگان موسیقی معاصر کانادایی مثل پیترهچ، لیندا کاتلین اسمیت، گلن بوهر، کریستوس هاتزیس و الکساندر راپوپورت، به آموختن موسیقی پرداخت و اولین اثر مستقل موسیقیایی او به اسم «تصاویر» هم در سال ۲۰۱۱ منتشر شد.

### نگاهی به دستاوردهای هنری «آفرین منصوری»

آفرین منصوری در دو دهه اخیر، کلکسیونی از افتخارات و جوایز موسیقی را درو کرده و با آهنگسازان مطرح کانادا و جهان همکاری داشته است. دریافت صد و پنجاهمین مدال یادبود و بلودیل برای اجرای اپرای ممنوعه در تورنتو، جایزه Fellowship دانشگاه تورنتو در سال ۲۰۱۰ و برنده جایزه آهنگسازی پیانو در دانشگاه تورنتو در سال ۲۰۰۹، فقط گوشه‌ای از افتخارات و جوایز او در حوزه موسیقی است.

او در نقاط مختلف جهان، آثارش را به اجرا درآورده و با سازمان‌های مختلفی مانند اپرای سیاتل، کمپانی اپرای کانادا، دانشگاه کوئینز، جشنواره

آفرین منصوری، موسیقیدان ایرانی کانادایی از آن گروه افراد است که از رشته‌ی مهندسی و ریاضیات دل‌کنده و خودش را وقف دنیای موسیقی کرده است. او حالا به عنوان خواننده سوپرانو، محقق موسیقی، تهیه‌کننده و یک آهنگساز شناخته شده در جامعه موسیقیدانان کانادایی به حساب می‌آید و آثار او جوایز متعددی را دریافت کرده است.

به گزارش هفته، آفرین منصوری در سال ۱۹۷۴ در ایران به دنیا آمد. موسیقی را به طور جدی از سن هشت سالگی و با ساز پیانو شروع کرد. اگرچه او در ایران، رشته علوم کامپیوتر و ریاضی کاربردی را به طور آکادمیک آموخت، اما در همان دوران دانشگاه هم موسیقی و تدریس را رها نکرد.

او سپس در سال ۲۰۰۲ به کانادا مهاجرت کرد. همین اتفاق، جرقه‌ای شد که در دانشگاه بتواند رشته محبوبش، موسیقی را به شکل آکادمیک بخواند. خودش درباره انگیزه‌هایش از مهاجرت و تحصیل در رشته موسیقی می‌گوید: «همیشه آرزو داشتم مرگم پایان نباشد و بتوانم از خودم هر چند ناقابل، چیزی نه مادی، بلکه معنوی باقی‌گذارم. برای من مهاجرت یادآور تمثیل زندگی بعد از مرگ بود، یک شروع جدید.»

او تحصیل در رشته موسیقی در مقطع کارشناسی را در دانشگاه Wilfrid Laurier در واترلو کانادا گذراند. سپس مدرک کارشناسی ارشد موسیقی را در دانشگاه تورنتو دریافت کرد. بعد هم موفق به اخذ مدرک دکتری موسیقی در دانشگاه یورک تورنتو

## سحر صمدایی

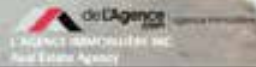
مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک درآمدزا



Sahar Samadaei

Courtier immobilier résidentiel  
sahar.samadaei@gmail.com  
Tel: 514.625.2525



## مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ  
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker  
meslami@sutton.com

514 967 5743

## مانیا نیازی

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ

- فارغ التحصیل از دانشگاه هنر لندن - انگلستان
- خرید، فروش، اجاره و سرمایه گذاری در املاک
- ارزیابی و مشاوره رایگان برای خرید و فروش
- دارای تیم طراحی و استیجینگ مجازی



## Manya Niazi

Courtier immobilier résidentiel  
Residential Real Estate Broker



ALTITUDE

(514) 222 - 2293

manya@royalpage.ca

1215 Rue Notre-Dame Ouest  
Montréal, Québec H3C 0B1



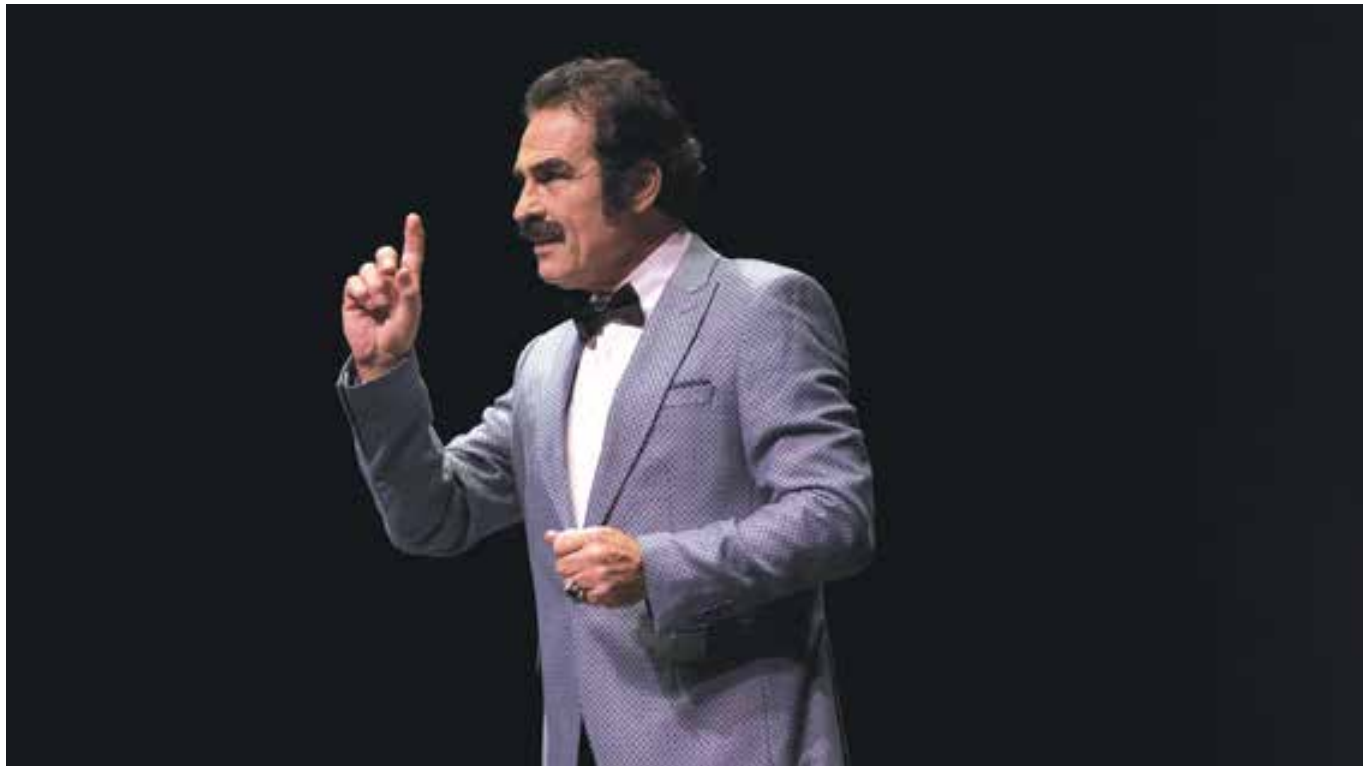
# گفت‌وگوی هفته با هوشنگ توزیع به بهانه اجرای تئاتر «شاعر نقره‌ای»: بعد از ۴۳ سال هنوز احساس غریبی می‌کنم!

هوشنگ توزیع یکی از چهره‌های پیش‌کسوت و نام‌های شناخته‌شده صحنه تئاتر ایران است. او هم‌زمان با تحولات سال ۱۳۵۷ به آمریکا مهاجرت کرد و در غرب آمریکا به کار روی صحنه ادامه داد. به تازگی هوشنگ توزیع نمایشی را کار کرده است که در آن به زندگی زنده‌یاد فریدون فرخزاد، شاعر، شومن و خواننده ایرانی می‌پردازد. این نمایش در روزهای ۲۹ و ۳۰ آوریل ۲۰۲۲ در مونترال و تورنتوی کانادا روی صحنه خواهد رفت. در نمایش «شاعر نقره‌ای» در کنار هوشنگ توزیع، ناکتا پهلوان، علی عزیزیان، شهراد فردوتی و کوثر عباسی نقش‌آفرینی می‌کنند. برنامه سفر این شخصیت هنری به مونترال و تورنتو بهانه‌ای شد تا با او به گفت‌وگو بنشینیم. هوشنگ توزیع در این گفت‌وگوی صمیمانه به کار، هنر و زوایایی از زندگی شخصی‌اش می‌پردازد. بعلاوه او به این سوال پاسخ می‌دهد که چرا در این تازه‌ترین اثر خود به فریدون فرخزاد پرداخته است.

پرونده هفته







هوشنگ توزیع در نقش فریدون فرخزاد در «شاعر نقره‌ای»

## اجازه بدهید به این سوال شروع کنیم که: هوشنگ توزیع از کجا کار هنری خود را آغاز کرد؟

آغاز فعالیت‌های هنری‌ام سال‌های تقریباً ۴۹ یا ۱۳۵۰ در تهران و با کارگاه نمایش بود. در آنجا با هنرمندان خوبی مثل اسماعیل خلیج که یکی از بهترین نمایشنامه‌نویسان و سرپرست گروه نمایش بود و عباس نعل‌بندیان آشنا شدم. ما در ایران نمایشنامه‌نویس‌های خوب دیگری مثل بهرام بیضایی و اکبر رادی را هم داشتیم. من دو نمایشنامه کار کردم یکی با عباس نعل‌بندیان به نام «صندلی را کنار پنجره بگذاریم و بنشینیم و به شب دراز و سرد بیابان نگاه کنیم». دیگری هم بنام «صبح را کنج این خانه مجوی» که مرحوم رضا ژیان، اکبر رحمتی و شهناز ساعدی در آن بازی می‌کردند. دو سال قبل از انقلاب، از کارگاه نمایش بیرون آمدم و مستقل فعالیت می‌کردم. یک سریال تلویزیونی کار کردم به نام «افسانه‌های

کهن ایرانی» به کارگردانی خانم ملک جهان خزاعی که از طراحان خوب صحنه و از انگلستان آمده بود. پخش این سریال مصادف شد با مقطع انقلاب و فقط هفت و یا هشت قسمت آن در هیاهوی انقلاب پخش شد. سال‌ها بود که قصد داشتم برای تحصیل در رشته سینما به دانشگاه نیویورک بروم و برای ادامه کار به ایران برگردم اما معافیت سربازی نداشتم. تا اینکه با وقوع انقلاب و بحران‌های پیش‌آمده راهی نیویورک شدم. در آنجا متوجه شدم که برای تحصیل ابتدا باید زبان انگلیسی را تقویت کنم و برای گذراندن زندگی هم باید کار کنم. خیلی کارها در آن زمان انجام می‌دادم. ظرف‌شویی، پیشخدمتی... اما نتوانستم هزینه تحصیل در مدرسه سینمایی را تأمین کنم. به کارگاه‌های نمایشی نیویورک و در مقطعی هم به آکتورز استودیو رفتم. متأسفانه چون زبان انگلیسی‌ام ضعیف بود آنجا هم دوام نیاوردم. برای مدت

کوتاهی به لس‌آنجلس رفتم اما متوجه شدم آنجا نمی‌توانم زندگی کنم. پس مجدداً به نیویورک برگشتم. قرار بود نمایشنامه‌ای بنام «کتاب‌های تبتی مرگ» بر روی صحنه برود که من هم برای تست بازیگری به آن‌ها مراجعه کردم. کارگردان آن یک ایرانی بود بنام آشور بنی‌پال بود و خانم دیگری به نام سوسن دیهیم با ایشان همکاری داشتند که در حال حاضر در نیویورک هستند و صدای فوق‌العاده‌ای دارند. خانم سوسن و همسرش چارلز آهنگ‌سازی می‌کردند و آهنگ فیلم آسمان سرپناه (برنارد برتولوچی) را هم آن‌ها نوشتند. بالاخره این نمایش را در لامامای نیویورک در سال ۱۹۸۲ اجرا کردیم. بعد از آن دو سه نمایشنامه دیگر نیز بازی کردم تا این که پرویز صیاد پیشنهاد بازی در فیلم سینمایی فرستاده را مطرح کرد. در این فیلم که به‌عنوان اولین فیلم سینمایی ایرانی در خارج از ایران فوق‌العاده مورد توجه قرار گرفت بازی کردم



شهراد فردوتی و ناکتا پهلوان در صحنه‌ای از «شاعر نقره‌ای»

نیابرد. بعد از آن «بوی خوش عشق» را نوشته و کارگردانی کردم که شهره و داریوش ایران‌نژاد در آن بازی کردند. حدس ما این بود که بیش از ده شب روی صحنه نمی‌ماند. اما ۵۰۰ شب اجرا شد و گروه ما پایه محکمتری پیدا کرد و تا به امروز گروه ما شانزده نمایشنامه بر روی صحنه برده است. گروه به این شکل مردمی شد و پا گرفت. ما چهار سال به طور متداوم و بدون فاصله این نمایش را اجرا کردیم. بعد از آن «سهم ما از خانه پدری» را نوشته و کارگردانی کردم که باز هم با بازی شهره و مائده طهماسبی همسر فرهاد آئیش که هر دو در ایران فعالیت دارند همراه بود. مائده طهماسبی در فیلم‌های مارمولک و دایره در ایران بازی کرد. بعد از سهم ما از خانه پدری نمایشنامه‌ای نوشتم به نام در جستجوی امیرارسلان که کاری برشتی (شیوه برتولت برشت) و سمبولیک بود. هر چه پول درآورده بودیم روی آن گذاشتیم و خانه‌مان هم به حراج رفت و ضرر وحشتناکی کردیم. پس از آن نمایشنامه‌ای نوشتم به نام خوشبختی.

**با توجه به اینکه تئاتر را از کارهای کلاسیک و آوانگارد در ایران شروع کردی چطور شد زمانی که وارد آمریکا**

نمایشنامه‌های دیگری کار می‌کردم و در ضمن تجربه تهیه‌کنندگی هم نداشتم. به همین علت کلاً چند اجرا بیشتر نتوانستیم انجام دهیم. حتی به اروپا هم رفتیم و در آنجا آقای عبدالله بوتیمار به جای رضا ژیان بازی کردند. اما پس از چند اجرا برگشتیم و شهره هم رسماً به گروه پیوست.

### آشنایی شما با شهره آغداشلو از کجا شروع شد؟

شهره را از ایران می‌شناختم. هر دو در کارگاه نمایش بودیم اما در دو گروه مختلف. اما در مقطعی هر دوی ما در یک نمایشنامه‌ای کار کردیم به نام «شبیخون» که نقش زن و شوهر را بازی می‌کردیم. نمایش را سیروس ابراهیم زاده به عنوان کارگردان مهمان در کارگاه نمایش نوشته و کارگردانی کرده بود. سال‌ها بعد در آمریکا با هم روبرو شدیم و از او دعوت کردم به گروه تئاتری ما بپیوندند و پذیرفت. بعدها با هم ازدواج کردیم و چندین نمایش این گروه را شهره با من همکاری کرد. وقتی دخترمان «تارا» داشت به دنیا می‌آمد، من نمایشنامه‌ای کار کردم به نام گمشده در باد که کم‌دی سرد و تلخی بود و طبق معمول چون حمایت‌کننده نداشتم بیش از دو اجرا دوام

و کار من هم خوشبختانه موردتوجه قرار گرفت. برای شب افتتاحیه فیلم به لس‌آنجلس رفتم که مصادف با یک اقامت طولانی شد. در آنجا یک گروه تئاتری راه انداختم به نام کارگاه نمایش ۰۷۹ این اسم را به احترام کارگاه نمایش تهران که در سال ۱۹۷۹ تعطیل شد گذاشتم.

اولین کسانی که به این تئاتر پیوستند داریوش ایران‌نژاد و خانم آذر فخر یکی از بازیگران خوب ما در سانفرانسیسکو بودند. نمایشنامه‌ای کار کردیم به نام «همه پسران ایران خانم» که یک کم‌دی درام بود و خیلی موردتوجه قرار گرفت. اما تئاتر به‌عنوان یک هنر مهجور تحت‌تأثیر جریان‌ات غالب کاباره‌ها و خواننده‌ها بود و به همین خاطر ما بیش از چند اجرای محدود نداشتم. دومین کار گروه شکل بهتری گرفت. نمایشنامه‌ای نوشتم بنام «کافه اکبر آقا نوستالژی بفروش می‌رسد». این نمایش مصادف شد با ورود شهره آغداشلو که از لندن به لس‌آنجلس آمده بود.

از ایشان خواهش کردم به گروه ملحق شود. بعد نمایشنامه را با بازی شهره، مرحوم رضا ژیان، حسن خیاط‌باشی، محسن مرزبان و بهروز جلیلی به روی صحنه بردیم. البته گروه هنوز به طور مستقل جا نیفتاده بود. خودم هم برای

شده بود. ما در کارگاه نمایش با حقوق دولتی کار می‌کردیم اما در آمریکا باید که مردم به تماشای کارهای شما علاقه نشان دهند وگرنه محو خواهید شد. اگر مردم به دیدن کارهای شما نیابند تئاتری اتفاق نیفتاده و فقط خودتان، خودتان را سرگرم کرده اید. و برای من شخصا واژه مردم همانقدر مقدس است که واژه تئاتر. قبلا گفته شده که تئاترهای هوشنگ توزیع تئاترهایی است بین کارهای مردم پسند و روشنفکرانه. تئاترهای من فقط به مردم تعلق دارد و بس. اما در میان این مردم روشنفکرها هم هستند. از ابراهیم گلستان بگیرد تا عباس جوانمرد و بهرام بیضایی که بیش از یکبار به دیدن نمایشنامه های من آمده اند. خود شما کارهای مرا در تورنتو دیده اید. پس باید فرقی گذاشت بین تئاترهای عامه پسند و مردمی. من اعتراف میکنم که این افتخاری برای من است که کارهای مرا راننده تاکسی ها، عموها و خاله ها به دیدن تئاترهای من می آیند. برخی نقدهایی که بر روی تئاترهای ما نوشته شده است در تاریخ تئاتر خارج از کشور نمونه نداشتند. از بوی خوش عشق بگیرد تا شاعر نقره ای. در باره شاعر نقره ای دست کم بیست نقد از بیست نام شناخته شده به چاپ رسیده است که در کتاب شاعر نقره ای درج شده است.

**با سبک خاصی که در نوشتن و اجرای نمایشنامه‌های طنز و کمدی دارید در طول این ۴۰ سال رکورددار اجرا و استقبال تماشاگر در تئاتر غربت بودید و مسلماً این برتری توقع تماشاگر و خودت را برای انجام کارهای بعدی بالا می‌برد برای مثال در چند نمایشنامه‌ای که بعد از «بوی خوش عشق» کار کردید که خیلی هم موفق بود «از ماهواره با عشق» هم رکورد عجیبی در اجرا و فروش داشت و یک تور جهانی هم برای ایرانیان در کشورهای مختلف دنیا تدارک دیدید. می‌خواستم بپرسم چطور شد که بعد از «سوپرایز پارتی یا آچمز» که خود من هم دیدمش و دوستش داشتم با یک وقفه چندساله به سراغ فریدون فرخزاد و شاعر نقره‌ای رفتید؟**

من بعد از سوپرایز پارتی که خودت میدانی نمایش موفق و خوش‌ساختی بود به یکبار از تئاتر و از جماعت خودمان دلزده شدم، از اینکه چرا باید



علی عزیزیان در صحنه‌ای از «شاعر نقره‌ای»

گروه دیگری هم به نام تئاتر کوچه بود که من در آن گروه بودم. مدیر این گروه عباس نعلبندیان بود و نویسنده و کارگردان آن اسماعیل خلیج و تقریباً تمامی کارهای این گروه بسیار مردمی و پر فروش و محبوب خاص و عام بود و همه جور تماشاگر به دیدن آن می‌آمد. من با گروه آرپی آوانسیان همکاری کردم و با یکی از نمایش های آن به فستیوال های خارجی رفتم. با گروه تجربی همکاری کردم و در نمایش ادودیپ اثر سوفوکل بازی کردم و چند سال با آن گروه تحصیل تئاتر کردم. در یک مقطع با رابرت ویلسون طراح و کارگردان آمریکایی در نمایشی بازی کردم که در جشن و هنر شیراز اجرا شد و هفت شبان هر روز بدون قطع به روی صحنه رفت. همه اینها اصطلاحاً کارهای آوانگارد و یا کلاسیک محسوب میشوند. از طرفی بیشترین کارهای من در گروه تئاتر کوچه مثل: حالت چپوره مش رحیم، گلدونه خانم، جمعه کشی، شبات، قمر در عقرب گرچه بسیار مردم پسند بودند اما در نوع خودشان آوانگارد هم محسوب میشدند. من وقتی به آمریکا آمدم و شروع به کار کردم، دقیقاً همانی بودم که در ایران بودم. من به این اندیشه که انسان باید فرزند زمان خودش باشد باور دارم و زمان عوض

**شده سبک کارهایت را از لحاظ موضوعی و اجرایی تغییر دادی؟ در واقع چرا کارهایت شکل عامه‌پسندتری به خود گرفته است؟ واضح تر بگویم مثلاً به جای استفاده از متون ادبی مثل چخوف یا برشت یا سوفکل که قبل تر در کارهایت داشتی، به نوشته‌های خودت در نقد مسائل اجتماعی به شکل کمدی و طنز رو آوردی. آیا آن نوع از کارهایت که برای مخاطب خاص است را قبلاً در غربت تجربه کردی که به این نتیجه رسیدی یا دلیل دیگری داشته که بخواهی با مخاطب عام بیشتر ارتباط بگیری؟**

در کارگاه نمایش تهران که من فعالیت جدی ام را شروع کردم چندین گروه وجود داشت. گروه بازیگران شهر که آرپی آوانسیان مسئول آن بود و کارهایش واقعا در حد جهانی بود و به فستیوال های مختلف در دنیا میرفت. گروه دیگر گروه اهریمن نام داشت که مسئول آن آشور بنی پال بود که کارهای بسیار آوانگارد میکرد. گروه دیگری بود که بیشتر کارهای ترجمه شده و فرنگی میکرد و مسئول آن آقای ایرج انور بود.



صحنه‌ای از نمایش «شاعر نقره‌ای»

یک نفر همه عمرش را بگذارد و روی کارهایش هم زحمت بکشد اما کوچک‌ترین پشتیبانی نداشته باشد! نه اداره فرهنگی هست، نه اداره جشن و هنری وجود دارد، نه سرمایه‌داران ایرانی حمایتی می‌کنند، نه گروه‌های فرهنگی وجود دارند که اگر هم دارند کمکی نمی‌کنند بلکه فقط کمک می‌گیرند، مجانی هم استفاده می‌کنند.

وقتی به آمریکا آمدم در کنار کار تئاتر در سینما نیز شروع به فعالیت کردم. در همان موقع من چیزی حدود ۱۵ اپیزود تلویزیونی یا فیلم سینمایی کار کردم که اسمی همه آن‌ها موجود است ولی هیچ‌کدام از آن‌ها مرا راضی نمی‌کرد. مثلاً فرض کنید به شاعر نسبتاً خوبی بگویند تو فقط بیا بگو دو دو تا چهار تا، دو چهار تا هشت تا یا بگو آسمان زیباست، آسمان آبی‌ست و خداحافظ! آن کارهای تلویزیونی یا سینمایی در آمریکا نقش‌های کوتاه و بی‌معنایی بود که من را ارضا نمی‌کرد و گفتم دیگر نیستم و به تئاتر برگشتم و عمرم را روی تئاتر گذاشتم. ولی تمام این کارها را من به تنهایی و مستقل انجام می‌دادم.

بعد از سوپرایز پارتی مدتی کار نکردم. حالم بد بود، هنوز هم بد است شاید هم هرگز دیگر خوب نشوم بنابراین نظرم به یک تراژدی جلب شد که در مورد یک کم‌دین است؛ فریدون فرخزاد در واقع یک کم‌دین بود، روی صحنه جوک می‌گفت و مردم را از خنده روده‌بر می‌کرد، حرف‌هایی می‌زد و لجشان را درمی‌آورد، پیام و هدف داشت، همه این کارها را می‌کرد؛ بنابراین من خودم را به او نزدیک می‌دیدم و تصمیم گرفتم بر اساس زندگی فرخزاد نمایشنامه‌ای بنویسم و حاصل آن شد شاعر نقره‌ای.

**می‌خواهم بدانم در واقع انگیزه‌هایی که باعث شد به سمت این موضوع بروید چه بود؟ چون تا جایی که می‌دانم قبلش نقش فریدون فرخزاد را در یک فیلم به کارگردانی بابک شکریان در آمریکا تست زده بودید، آیا این مقدمه‌ای بود برای اینکه به آن موضوع بیشتر فکر کنید؟ اصلاً آن فیلم چه شد و آیا به سرانجامی رسید؟** بله حتماً که مقدمه‌ای بود؛ در واقع مقدمه دوم بود. قبل از آن هم در نمایش «ملاقات در سلطنت آباد» به من پیشنهاد نقش شاه جوان در زمان مصدق را داده بودند که من شوکه شدم و گفتم یعنی چه! خلاصه کنجکاو شدم که ببینم از پشش

کارگردان هم در همان شش هفت دقیقه نشان داد با استعداد است و می‌تواند چنین اثری را به انجام برساند. در واقع یک گروه آلمانی بودند که کارشان هم خیلی خوب بود.

۱۲ سال گذشت و من دیگر نمی‌خواستم کار تئاتر انجام دهم. بعد گفتم که اگر بخواهم کاری انجام بدهم نمایش «وان من شو» انجام می‌دهم. چند تا طرح به نظرم رسید که یکی از آن‌ها فریدون فرخزاد بود. با چند تا از دوستان که صحبت کردم از من حمایت کردند و مرا تشویق کردند که این کار را انجام دهم و نهایتاً این نمایش به روی صحنه رفت.

### با فریدون فرخزاد آشنایی قبلی داشتی؟

من شخصاً با فرخزاد آشنایی نداشتم. چند بار از کنار هم رد شدیم. او مرا می‌شناخت و چندباری هم توسط یکی از دوستان پیام فرستاده بود که من نمایشنامه‌ای بنویسم که من و شهره آغداشلو بازی کنیم و او هم نقش پسر را بازی کند و با توجه به این که ده سال از من بزرگ‌تر بود برایم تعجب‌آور بود که بر چه اساسی به فکر این نقش افتاده. به هر حال ارتباط و دوستی با ایشان

برمی‌آیم یا نه! چون هیچ شباهتی بین من و شاه جوان وجود نداشت! نمی‌دانم چه چیزی باعث شد که من آن کار را انجام دادم و خیلی موفق هم از آب درآمد. حالا یا به دلیل انرژی که در آن کاراکتر وجود داشت و یا نوستالژی که مردم نسبت به آن داشتند یا بازی من یا تلفیقی از هر دو، به هر حال بسیار موفق از کار درآمد.

سال‌ها بعد بابک شکریان به من پیشنهاد کرد نقش فریدون فرخزاد را بازی کنم ولی من هیچ شباهتی در خودم با ایشان نمی‌دیدم! نه بلد بودم آواز بخوانم و نه می‌توانستم برقصم! ولی از طرفی می‌دانستم بازیگر باید بتواند همه کار بکند. آنجا هم در ابتدا مخالفت کردم ولی باز قبول کردم! ما رفتیم و در آلمان یک فیلم کوتاه ساختیم، البته بدون دستمزد که البته نتیجه آن خیلی خوب درآمد. به چند نفری که نشان دادم گفتند بعد از «فرستاده» چنین فیلم خوبی از تو در سینما ندیده بودیم و من تشویق شدم. اما متأسفانه جامعه مسخ شده ایرانی در خارج از کشور هیچ‌کدامشان کمکی نکردند که این فیلم ساخته شود.

### از نظر مالی؟

بله فقط از نظر مالی، چون سناریو وجود داشت و



صحنه‌ای از نمایش «شاعر نقره‌ای»

که در فیلم فرستاده بازی کردم اشاره کنم. داوود مسلمی شخصیتی مذهبی بود که به خانم‌ها اصلاً نگاه نمی‌کرد، مشروب نمی‌خورد، سیگار نمی‌کشید و هات‌داگ نمی‌خورد. از وقتی که مشخص شد که قرار است این نقش را بازی کنم دو ماه تمام واقعاً همه کارهایی که می‌کرد را انجام می‌دادم. می‌خواهم بهتون عرض کنم که این‌ها روش‌هایی است که بعضی از بازیگرها که اصطلاحاً به متد اکتور آشنایی دارند انجام می‌دهند. راهی که آن‌ها می‌رفتند را من هم رفتم. هم در ارتباط با نقش محمدرضا شاه پهلوی و هم در مورد فریدون فرخزاد. موقع اجراهای شاعر نقره‌ای وقتی نمایش تمام می‌شد و من قرار بود به‌عنوان هوشنگ توزیع با تماشاگرها حرف بزنم بارها شنیدم که گفتند هنوز فریدون فرخزاد هستی و نتوانستی از آن نقش بیرون بیایی و بعد که می‌آمدیم بیرون و می‌رفتیم غذا می‌خوردیم تا بریم هتل یه سری حرکات دست و عادات او در من وجود داشت که خودم هم متوجه می‌شدم ولی کاری نمی‌توانستم بکنم. تا اینکه رسیدیم به پاندمیک و وقفه‌ای در اجرای شاعر نقره‌ای که توانستم روی یک نمایشنامه دیگری کار کنم و حالا عادات آن نقش جدید روی من مانده است! بله نهایتاً درست

که بر اساس واقعیت نباشد ولی نه بر اساس تمام اتفاقاتی که قدم‌به‌قدم اتفاق افتاده باشد. این‌که او چهارشنبه به اینجا رفته است و یا در فلان تاریخ در سوئد کنسرت داشته و غیره را به آن شکل رعایت نکردم ولی بر اساس روح تنهای یک شاعر که در پوست خود نمی‌گنجید نمایش را نوشتم. تمام جملاتی که مادرش به فریدون می‌گوید دقیقاً همان‌هایی است که مادر من به من می‌گفت. خط داستان از تحقیقات زیادی است که انجام داده‌ام. تقریباً کمتر مستندی بوده که من ندیده باشم مگر شایعات. تمام این‌ها را در نظر گرفتم.

**تجربه نشان داده که معمولاً وقتی بازیگری در قالب نقش یک شخصیت حقیقی فرو می‌رود چه در سینما و چه در تئاتر گاهی تا مدت‌ها رها شدن از آن نقش برایش سخت می‌شود. با توجه به اینکه شما از لحاظ گریم صورت، بیان و اجرا، در نقش فرخزاد خیلی موفق بودید می‌خواهم بدانم تجربه شما با این موضوع و با این نقش چطور بوده؟**  
خیلی درست می‌گی. برای نمونه باید به نقشی

نداشتم و بعد از اینکه که آن اتفاق فجیع برایش افتاد مشاهده کردم که کسی حرفی نزد حتی تمام کسانی که تو گروه موسیقی به او مدیون بودند. این بی‌انصافی دلم را به درد آورد. شما حتی اگر بخواهی به‌عنوان یک نویسنده کم‌دی بنویسی تا از جایی دلت به درد نیامده باشد نمی‌توانی یک اثر کم‌دی خلق کنی. همه چیز تصنعی می‌شود. با فرخزاد در مواردی هم‌ذات‌پنداری می‌کردم. عشقی که به ایران داشت که واقعا مثال‌زدنی بود، عشقی که به مادرش داشت و کسی که همه را می‌خنداند و گاهی در گوشه‌ای مثل بچه‌ها گریه می‌کرد.

**نمایش‌نامه شاعر نقره‌ای طبیعتاً براساس یکسری مستندات و تحقیقات انجام شده است یک مختصر توضیحی اگر لطف کنید بدهید که تا چه حدی بر پایه مستندات و تا چه حدی دخل و تصرف خودتان در پردازش شخصیت و داستان زندگی شخصی فرخزاد نوشته شده است.**

ابتدا این که متن صددرصد بر اساس تحقیقات من بوده است و هیچ‌چیز در این نمایش نیست

می‌گویید.

وقتی که یک فیلمی اکران عمومی می‌شود، دیگر کار تمام شده و تغییرات صورت نمی‌گیرد ولی تاثیر این‌طور نیست. تاثیر زنده و پویا است. هر شب اجرا در تئاتر ممکن است با شب قبل متفاوت باشد حالا به لحاظ اجرایی و یا غیره. می‌خواهم بدانم در این مدتی که به‌خاطر پاندمیک وقفه‌ای در اجرای «شاعر نقره‌ای» به وجود آمد در اجراهایی که تا امروز داشتی چقدر تغییرات انجام دادی؟ در محتوا، در اجرا. مثلاً نکاتی شنیدید که احساس کنید باید یک تغییراتی در متن صورت بدهید؟

من معتقدم چیزی را که شما در یک زمانی می‌نویسید، شناسنامه آن متن در آن زمان شماس. ما هیچ چیز محتوایی را در این کار تغییر ندادیم. تنها چیزی که تغییر کرده ریتم نمایش است. همه میزانش‌ها همان‌طور مانده؛ بنابراین به همان متن نهایی وفادار بودم. ولی ریتم تغییر کرده و به‌نظم خیلی بهتر شده است و همان‌طور که شما اشاره کردید تئاتر مثل سینما نیست و زنده است. چون زنده است رشد می‌کند.

میان صحبت‌هایمان اشاره‌ای هم به سینما و فعالیت‌های سینمایی‌ات کردی که برای من خیلی مهم است. در واقع من از نسلی هستم که هوشنگ توزیع را با فیلم مسافران هتل آستاریو و فرستاده می‌شناسند. من بعد از دیدن این فیلم‌ها احساس کردم که یک استعداد و توانایی‌های درخشانی در این بازیگر هست که بنا به دلایلی در خارج از ایران آن‌طور که شایسته‌اش بوده هنوز حضور پررنگی از او ندیدیم (این را یکی دو بار هم در مطبوعات نوشته‌ام). اگرچه شما نقش‌هایی در فیلم‌ها و سریال‌های هالیوودی هم داشتید ولی به‌شخصه معتقدم آنچه که درخور این بازیگر باشد برای حضور پررنگ‌ترش هنوز اتفاق نیفتاده است. در این مورد با چه چالش‌هایی روبه‌رو بودید؟

با خیلی چالش‌ها! بزرگ‌ترین چالشم این است که

من در کشور مادر زندگی نمی‌کردم؛ در کشوری که زبان من است یا من زبان آن را دارم. نه تنها در کشور مادر نبودم بلکه در کشوری بودم که با کشور مادر من همیشه در جنگ بوده است؛ یعنی به‌محض اینکه به آمریکا آمدم انقلاب شد، بعد از انقلاب گروگان‌گیری، بعد از آن هم جنگ تا به امروز؛ بنابراین، این دو کشور همیشه متخاصم بودند. شاید اگر من از شش هفت‌سالگی به اینجا می‌آمدم داستان فرق می‌کرد. الآن تا دهان باز می‌کنم همه متوجه می‌شوند خاورمیانه‌ای هستم. پس زبان یکی از مهم‌ترین چالش‌های من است و دوم اینکه وقتی من به اینجا آمدم به خاطر انقلابی که شده بود آن‌قدر پایه‌های اقتصادی ضعیفی داشتم که از همان ابتدا باید شروع به کار می‌کردم به قول سعدی کار گل باید می‌کردم و کردم و خیلی هم خوشحالم که کردم و به همان کارها هم افتخار می‌کنم که اگر انجامش نمی‌دادم الآن اینجا ننشسته بودم. ولی از آنجایی که راهی به جامعه آمریکایی نداشتم شروع به فعالیت در زبان فارسی و تئاتر کردم، همان چیزی که بلد بودم و عاشقش بودم. وقتی شما هر روز دارید فارسی حرف می‌زنید، فارسی فکر می‌کنید و فارسی می‌نویسید، تحصیل هم که نمی‌کنید، این زبان جایی برای رشد ندارد ولی از عشقی که به زبان فارسی دارم چنین تصمیمی گرفتم.

بنابراین همه اینها چالش‌های من بود و از طرفی اگر فقط یک بازیگر بودم همان نقش‌های کوچکی که بازی کردم را ادامه می‌دادم چون در همه آن‌ها نقش‌ها از من راضی بودند و تعریف هم می‌کردند، ولی نقش‌ها به‌قدری کوچک و بی‌مقدار بود که مرا راضی نمی‌کرد. همیشه فکر می‌کردم آرتیستی هستم که خودم باید برای خودم بنویسم یا حداقل اگر نقشی در سینما بازی می‌کنم هم‌طراز با فرستاده یا حداقل در سطح هتل آستوریا باشد! و این امکانات برای من وجود نداشت بنابراین به تئاتر ایرانی چسبیدم.

ای‌کاش همان موقع بعد از فیلم فرستاده که برای زمان خودش فیلم بسیار خوبی بود و بعد از مهمانان هتل آستوریا که آن هم فیلم بدی نبود فیلم ساخته می‌شد و من می‌توانستم وارد جامعه آمریکایی بشوم. حداقل ایرانی‌ها می‌توانستند ادامه بدهند که ندادند. در واقع این شانس از من گرفته شد. بله تمام این چالش‌ها وجود داشت و همیشه برای من مثل یک آرزو باقی ماند که فقط آن کاری را که در فیلم فرستاده و هتل آستاریو کرده بودم ادامه دهم و چیزی از من باقی بماند.

**ولی به هر حال تئاتر را آن‌طور که دوست داری ادامه می‌دهی؟**

بله بله. من در کار تئاتر مانده‌ام تا بلکه تک درختی باشم. چون در تئاتر می‌تونی تک‌درخت باشی ولی در سینما این امکان را نداری. در تئاتر می‌تونی همه کارهایش را خودت انجام بدهی حتی با سرمایه کم و مطمئن باشی که این کارها درست انجام بشود. تو از غربت گفتی و واقعاً ما غریب هستیم. بعضی‌ها می‌گویند که من مهاجر هستم و به خواست خود آمده‌ام ولی من می‌گویم که من غریب هستم. من هنوز بعد از ۴۳ سال احساس غریبی می‌کنم واقعاً.

**۲۹ آوریل در مونترال و ۳۰ آوریل در تورنتو «شاعر نقره‌ای» به روی صحنه می‌رود. با توجه به اینکه قبلاً کارهایت در این دو شهر روی صحنه رفته است تجربه‌ات از اجرا در این شهرها چطور بوده است؟**

در مونترال کمتر بودیم دو یا سه بار و آن هم خیلی وقت پیش بود. ولی در تورنتو اجراها و تجربیات زیادی داشته‌ایم. به نظر من تورنتو بعد از لس‌آنجلس بیشترین اجراها را به روی صحنه می‌آورد و فوق‌العاده است. من همیشه تجربیات خوبی در تورنتو داشتم به جز یک‌بار که تقریباً همه چیز آن اشتباه بود از تاریخ گرفته تا سالنی که انتخاب شده بود. بعد از لس‌آنجلس بیشترین تماشاگر در تورنتو به نمایش‌های من آمده‌اند. ما یک اجرا از شاعر نقره‌ای در فستیوال تیرگان داشتیم که در یک سالن ۸۰۰ نفره برگزار شد و خوشبختانه سولد آوت شده بود و از تماشاگران بازخورد بسیار خوبی گرفتیم و عکس‌العمل آنان فوق‌العاده بود و من خیلی لذت بردم. شاعر نقره‌ای نمایشنامه‌ای است که دلم می‌خواد همه ایرانی‌ها ببینند و این تبلیغ برای نمایش نیست. همه باید بدانند که ما حقیقتاً تمتع مالی از این کار نمی‌بریم. افراد گروه‌مان زیاد است و نمی‌توانیم همه‌جا اجرا کنیم. می‌خواهم به شما بگویم این کار تجارت نیست یک کار فرهنگی از دل برآمده است. یک نمایش متفاوت برای من است و آرزو می‌کنم که همه ایرانی‌ها بتوانند شاعر نقره‌ای را ببینند.

**جناب هوشنگ توزیع از شما بی‌نهایت سپاسگزاریم.**

**Sutton**

Kazem Partow Tehrani  
Real Estate Broker



## کازم تهرانی

مشاور رسمی املاک در کبک

خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری

هزینه محضر، ۱۵۰۰ دلار هدیه ما، برای خریدارن ملک

■ پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال

■ مشاوره برای املاک در آمدزا

■ ارزیابی رایگان منزل شما

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک  
به همراه یک تیم حرفه ای

**514 - 971-7407**

عبدالله صفوی  
مشاور مالی  
بیمه و سرمایه گذاری

مشاوره رایگان

امروز تماس بگیرید:

**(514) 467-8491**



بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری های خاص و...

پس انداز تحصیلی

برنامه ریزی بازنشستگی و...

بیمه مسافرتی و سوپرویزا

**ABDOLLAH SAFAVI**

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

[www.safavifinancial.com](http://www.safavifinancial.com)

scan me for  
free ebook!



Residential Real Estate Broker

شهره شهبان

مشاور املاک در کلان شهر مونترال

◆ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی

◆ مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری

◆ ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق

◆ مختلف مونترال جهت خرید

◆ هزینه محضر هدیه من به خریداران



**514 - 290 - 2210**

[shahrianrealtor@gmail.com](mailto:shahrianrealtor@gmail.com)

مصاحبه

مقاله

مهاجرت



**Montreal:**

Office: 514-289-9011 / 514-289-9044

WhatsApp: 514-778-9011

Address: 1117 Ste. Catherine West,  
511 #, Montreal, Qc. H3B 1H9

**Tehran:**

Office: 021-2288-1684

Mobile: 0937-489-6676

WWW.ICPIMMIGRATION.COM

info@icpimmigration.com

icpimmigrationtocanada

icpimmigrationtocanada

@ICPimmigrationTOCANADA



عضو رسمی  
شورای مشاوران  
مهاجرت به کانادا

**معصومه علیمحمدی - مشاور رسمی مهاجرت**

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط  
به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا موقت کانادا برای کلیه  
برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق: سرمایه  
گذاری، استارت آپ، تخصصی، کارآفرینی، خویشاوندی،  
دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک،  
تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.

جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی با دفتر  
ما در مونترال تماس حاصل فرمایید.



معصومه علی محمدی

# ویزای جدید برای ورود متخصصین ماهر به کانادا بدون پیشنهاد کار



در این گزارش همچنین اشاره می‌کند که بدین ترتیب دولت می‌تواند با ایجاد مسیری برای کارگران ماهر فناوری که به ابتکار خودشان به کانادا برای کارایی وارد می‌شوند را بستری برای تأمین نیروی کار موردنیاز کارفرمایان کانادایی کند. علاوه بر این در این گزارش ارائه شده شورا از دولت خواهان ایجاد سیستمی است تا کارفرمایان کانادایی نیز دسترسی و توانایی ارتباط با این متخصصین ماهر را به دست بیاورند.

برخی دیگر از توصیه‌های ارائه شده در این گزارش شامل استعدادیابی و راه‌اندازی استراژدی تبدیل کانادا به مقصدی برای متخصصین ماهری باشد که می‌توانند از طریق دورکاری نیاز کارفرمایان این کشور را تأمین کنند.

علاوه بر این بازبینی کدهای طبقه‌بندی مشاغل ملی کانادا به طور منظم‌تر برای انعکاس بهتر ماهیت در حال تغییر مشاغل فناوری در کانادا می‌تواند بسیار مؤثر باشد. یکی دیگر از موارد توصیه‌های کلیدی در این گزارش پیشنهاد به رسمیت شناختن مدارک بین‌المللی است که در صورت تأیید دولت گامی بسیار بزرگ محسوب می‌گردد.

تماس با نویسنده: معصومه علی محمدی، مشاور رسمی مهاجرت. با او می‌توانید از طریق ایمیل [info@icpimmigration.com](mailto:info@icpimmigration.com) و وبسایت [www.icpimmigration.com](http://www.icpimmigration.com) در تماس باشید.

این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی.پی. ICP Immigration حمایت شده است.

در این گزارش شورا تلاش بر این دارد تا دولت را تشویق به اجرای این پروژه کند زیرا اگر به این متخصصین اجازه کار در کانادا داده شود در واقع اجازه ورود برای جستجوی کار خواهد بود بدیهی است به علت نیاز مبرم به این متخصصین در کانادا، امکان یافتن کار برای آن‌ها در زمینه تخصصشان در ابتدا به‌راحتی میسر خواهد شد. بدین منظور هیئت مسئول این شورا از دولت می‌خواهد تا نسبت به معرفی یک برنامه آزمایشی موقت اقدام کند.

علاوه بر این، پاندمیک، نیز دورکاری را به طور فزاینده‌ای رایج‌تر کرده است. این شورا معتقد است که دولت نیاز دارد تا با مشورت با بخش خصوصی این امکان را به وجود بیاورد تا این متخصصین بتوانند برای مدت محدود و مشخصی بدون پیشنهاد کار وارد کانادا شوند. بدین ترتیب نیاز به جذب این متخصصین به کانادا سریع‌تر برطرف خواهد شد.

این پیشنهاد بر اساس برنامه موفقی است که بریتانیا دارد که به توسعه دهندگان نرم‌افزار، مهندسان یا دانشمندان اجازه می‌دهد تا آنان بدون داشتن اجازه کار به بریتانیا برای کارایی وارد شوند. ویزای فنی پیشنهادی مکمل استراژدی جهانی برای جذب متخصصین مهارت‌های خاصی است که هدف آن پردازش درخواست‌های مجوز کار در کمتر از دو هفته است. ولی این شورا معتقد است دوره پردازش درخواست‌ها می‌بایست به دو روز کاهش یابد.

نیاز به اخذ پیشنهاد کار و دوره پردازش طولانی موانع بزرگی برای ورود این متخصصین به کانادا است.

گروه فناوری کانادا خواهان ویزای جدیدی است تا به متخصصین ماهر اجازه دهد بدون نیاز به پیشنهاد کار از کارفرمایان کانادایی وارد کانادا شوند. شورای نوآوران کانادایی از دولت می‌خواهد که ویزای فناوری با پتانسیل بالا را معرفی کند تا مسیری برای ورود متخصصین فناوری و درخواست اقامت دائم آنان به‌واسطه کسب تجربه کار در کانادا گردد.

برای کمک به رفع کمبود نیروی کار در بخش فناوری، شورای نوآوران کانادایی از دولت فدرال خواهان معرفی یک برنامه آزمایشی برای صدور اجازه کار بدون نیاز به پیشنهاد کار برای این متخصصین ماهر شده است.

این شورا اخیراً استراژدی جذب استعدادها و مهارت‌های خاصی را منتشر کرده است و در آن نسبت به معرفی ۱۳ توصیه کلیدی به سیاستگذاران اقدام نموده تا صنعت فناوری روبرشد کانادا را پشتیبانی کند.

ویزای پیشنهادی که ویزای فناوری پتانسیل بالا نامیده است حرفه‌های موردنیاز در کانادا همانند توسعه‌دهندگان نرم‌افزار و دانشمندان را مورد هدف قرار می‌دهد. صدور ویزای کار به این متخصصین نه‌تنها نیروی کار موردنیاز فعلی را پوشش خواهد داد بلکه با ساده‌سازی درخواست اقامت دائم برای آنان نیاز آینده بازار کار را نیز تضمین خواهد کرد. هم‌اکنون تنها روش موفقیت‌آمیز برای اخذ مجوز کار برای این متخصصین داشتن پیشنهاد کار از یک کارفرمای کانادایی است. بدیهی است شرط داشتن پیشنهاد استخدام برای کسب مجوز کار مانعی بزرگ برای جذب استعدادها و بسیار ماهر محسوب می‌گردد.



شاهین شهسواری

## گرفتاری ایرانیان دو تابعیتی به علت سربازی اجباری در سپاه پاسداران

در اتاق بازجویی فرودگاه کلگری «مو طغرای» (Moe Toghraei) بر صندلی لمیده است. او مهندس مدیریت فاضلاب در مدیسون، ویسکانسین است که در اکتبر گذشته به کانادا، جایی که همسر و فرزندانش زندگی می‌کنند، بازگشت.

مسافرانی که از فرودگاه کلگری به آمریکا می‌روند، قبل از سوار شدن، از بخش‌های گمرک و کنترل گذرنامه باید بگذرند، و این چیزی است که طغرای ۵۳ ساله که ایرانی تبار و شهروند کانادا است، بارها و بارها بدون هیچ اتفاقی رد کرده.

طغرای به آرامی در اتاق بازجویی، به تصور آن که یک انتخاب تصادفی برای پرس و جویی ساده است، نشست است. طغرای کوتاه‌قد، خوش‌بین، با ریش پرفسوری جوگندمی و با عینک بر چشم به سمت میز جلوی اتاق رفت تا با مامور صحبت کند. پس از تایید نامش و چند جزئیات دیگر، مامور به سراغ این موضوع رفت: «سربازی‌ات را کجا گذراندی؟»

او بی‌درنگ فهمید که در بد مخصصه‌ای افتاده است، چراکه تا پیش از این هرگز در گذرگاهی مرزی چنین پرسشی از او نپرسیده بودند.

در ایران، مردان جوان باید دو سال سربازی اجباری را بگذرانند. طغرای هم از این مسئله مستثنی نبود. او در ۲۰ سالگی به خدمت سربازی می‌رود و در سپاه در بخش ترجمه‌ی مدارک مربوط به مدیریت آب مشغول می‌شود. اکنون اما یک مأمور آمریکایی از او درباره‌ی این ماجرا می‌پرسد. طغرای می‌گوید: «وقتی از من پرسیدند که در چه شاخه‌ای از نیروهای نظامی خدمت کرده‌ام، صادقانه به آنها گفتم که در سپاه بودم.»

در سال ۲۰۱۹، در بحبوحه‌ی کارزار افزایش فشار بر دولت ایران، دولت ترامپ رسماً سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را سازمانی تروریستی نامید. این امر احتمالاً

دلیل بازجویی از طغرای بود.

گروهی از مأموران گمرک بر سرش آوار شدند و هر یک پرسش‌هایی از او کردند: چه نوع لباسی می‌پوشیده، با چه کسانی کار می‌کرده و چه نوع آموزش‌هایی گرفته است. طغرای با بیان اینکه صادقانه به سوالات پاسخ می‌دهد، گفت که اسناد را ترجمه می‌کرده و لباس فرم نمی‌پوشیده است. از سلاح هم فقط هنگام آموزش‌های مقدماتی استفاده کرده بود. طغرای می‌گوید: «حتی از من چیزهایی مانند نام رئیس‌م در ایران و محل کارم را پرسیدند. دوباره صادقانه گفتم که نمی‌توانم چنین چیزهایی را به خاطر بیاورم. همه اینها ده‌ها سال پیش اتفاق افتاده است. حتی من جزئیات را فراموش کرده بودم.»

مأموران از پاسخ‌های او ناامید شدند. طغرای گفت که بعد از مدتی رفتارشان خصمانه شد.

طغرای سرانجام پروازش را از دست داد، در حالی که به بازجویانش می‌گفت: «زمانی که به سربازی فراخوانده شدم، آزادی انتخاب نداشتم. بارها هم آمریکا آمده‌ام و هیچ‌گاه مشکلی نداشته‌ام. الان هم ۵۳ ساله‌ام و توضیح دهید که چرا این اتفاق ناگهانی برای من رخ داده است؟»

چهار ساعت پس از این بازجویی‌ها، یکی از مأموران به طغرای گفت که ورودش به آمریکا ممنوع است و بر روایتش هم مهر لغو زده شد. چیزی بیشتر به طغرای نگفتند و فقط او را روانه کردند.

سفر کوتاه او به کانادا برای دیدن خانواده‌اش با محرومیت طغرای از ورود به آمریکا به پایان رسید. او نمی‌دانست چگونه به رئیسش در مدیسون توضیح دهد که چرا به سر کار بر نمی‌گردد، و همچنین نمی‌داند با خانه و خودرو و وسایل شخصی‌اش در آمریکا چه کند. طغرای در زندگی خود هیچ مشکل حقوقی نداشته است و اکنون در اواخر میان‌سالی، به او گفته می‌شود که

عصری خطرناک برای ورود به آمریکا است!

طغرای مات و مبهوت از فرودگاه بیرون زد و در سرمای پاییز کلگری، روی نیمکتی نشست تا به همسرش زنگ بزند. تا صدای همسرش را شنید زد زیر گریه. مهندس ساکت مدیریت پسماند نمی‌دانست که آن لحظه - ممنوعیت ورود به آمریکا به علت سربازی در سپاه - تنها اولین فصل از سلسله‌اتفاقی‌های ناگوار او در زندگی‌اش است.

طغرای تنها یکی از بسیار ایرانیان دو تابعیتی کشورهای غربی است که طی دو سالی که دولت ترامپ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است، از ورودشان به آمریکا، مکزیک و بریتانیا جلوگیری یا بازداشت و بازجویی شده‌اند.

این مشکلات زمانی آغاز شد که دولت ترامپ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی بر اساس بند ۲۱۹ قانون مهاجرت و تابعیت معرفی کرد. در این میان، این نخستین بار بود که آمریکا بخشی از یک دولت خارجی را به عنوان گروه تروریستی معرفی می‌کرد. در مذاکرات برجام جمهوری اسلامی فشار آورده است که نام سپاه از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا خارج شود، اما طبق گزارش‌ها، دولت بایدن در انجام این اقدام تردید کرده است - احتمالاً به دلیل نگرانی از نحوه‌ی نمایش این موضوع توسط مخالفان سیاسی داخلی‌شان در انتخابات آینده.

در اوایل ماه جاری، جن ساکی، سخنگوی کاخ سفید، در اشاره‌ای آشکار به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گفت که این خارج کردن سپاه از فهرست، بیرون از محدوده‌ی مذاکرات فعلی است.

زندگی طغرای و افرادی مانند او اکنون متأثر از این سیاست داخلی آمریکا و روابط خصمانه‌ی آمریکا و

# کندی روند رسیدگی به پرونده‌های متقاضیان جدید مهاجرت به کانادا واقعا وحشتناک است

پرونده‌های تل انبار شده مهاجرت به کانادا است. برای پایان دادن به این آشفتگی نظارت‌های جدی و سرزده توسط طرف‌های ثالث به منظور رسیدگی به وضعیت پرونده‌های مهاجرت و اختصاص پول و نیروی انسانی بیشتر برای سرعت بخشیدن به کار این وزارت خانه ضروری است. اما راه حلی که دولت کانادا به طور ضمنی به آن اشاره کرده این است که تلاش می‌کند با اتخاذ تمهیداتی فهرست انتظار را کاهش دهد این همان روشی است که دولت استغف هارپر نیز آزموده است. اما این یک رفتار ظالمانه با کسانی است که با حسن نیت سال‌ها در انتظار بوده‌اند. به هیچ وجه نمی‌توان انکار کرد که این وضعیت به شهرت و وجهه کانادا به عنوان یک کشور مهاجرپذیر لطمه خواهد زد. دولت فدرال کانادا پذیرش سالانه حدود نیم میلیون مهاجر را تا پایان این دهه مد نظر قرار داده و قول داده است پناهجویان بیشتری را بپذیرد. اما بهتر بود که ظرفیت وزارت مهاجرت را برای رسیدگی سریع‌تر به تقاضاها در یک مدت منطقی و همچنین اتخاذ تدابیر موثر برای تسهیل ادغام آن‌ها در جامعه مد نظر قرار می‌داد. اتاوا در بودجه جدید که همین هفته ارائه شد قول داده است که منابع مالی بیشتری به این امر اختصاص دهد. اگر این اتفاق نیفتد ممکن است ما با خروج مهاجران از کشور مواجه شویم. این احتمال وجود دارد که مهاجران جدید به اتفاق دیگر اعضای خانواده خود کشور یا کشورهای مهاجرپذیر دیگری را که در رسیدگی به پرونده‌های مهاجرت این قدر تعلل و بدقولی نمی‌کنند، انتخاب کنند.

این مسیری است که برخی از مهاجران موفق در سال‌های گذشته و در زمانی که میزان بهره‌وری وزارت مهاجرت به مراتب بدتر از این بود، انتخاب کرده‌اند. صادقانه لازم است که این وضعیت را اصلاح کنیم.

منبع: وبسایت شبکه خبری [stcatharinesstandard.com](http://stcatharinesstandard.com)

تصور کنید که مجبور باشید برای گرفتن یک پاسخ از طرف مسئولان وزارت مهاجرت کانادا سه سال صبر کنید؛ چه حالی به شما دست می‌دهد؟ فکرش را بکنید که به همراه یک ۱.۸ میلیون نفر دیگر در انتظار تماس یا ایمیل یک آژانس دولتی یا یک شرکت هستید؛ اگر قرار بود هر روز به مدت سه سال تلفن و ایمیل خود را چک کنید و ناامید شوید، چه حالی پیدا می‌کردید؟ این همان وضعیتی است که مهاجران بالقوه و مشتاق آمدن به کانادا در سیستم مهاجرتی فدرال با آن روبرو هستند. حالا مسئله تعلل و ناکارآمدی وزارت مهاجرت، پناهجویان و شهروندی کانادا را که نتوانست پناهجویان افغان را پس از حمله طالبان یا پناهجویان اوکراین را در پی حمله روسیه نجات دهد و به کانادا آورد، کنار بگذاریم. این ۱.۸ میلیون نفر که به آن‌ها اشاره کردیم متقاضیان مهاجرت هستند که اولین مرحله مهاجرت به کانادا را با موفقیت طی کرده‌اند و طبق تشخیص مسئولان وزارت مهاجرت، صلاحیت ادغام سریع در جامعه کانادا را دارند. اینها افرادی هستند که ما به عنوان یکی از توسعه یافته‌ترین کشورهای مهاجرپذیر جهان طی سال‌های گذشته به آمدن به کانادا تشویق کرده ایم. نرخ زاد و ولد در کشور ما آنقدر پایین است که حتی قادر نیستیم جمعیت خود را حفظ کنیم، چه رسد به این که بخواهیم آن را افزایش دهیم. مهاجران آینده در واقع تنها ضمانت ما برای برخورداری از یک آینده موفق هستند اما متأسفانه رفتار ما با آن‌ها این گونه وحشتناک است.

اداره مهاجرت به دلایل امنیتی از افشای هویت مسئولان رسیدگی به پرونده‌ها خودداری می‌کند. کاری که عجیب و غریب و بی‌معنی به نظر می‌رسد. بسیاری از کشورها نه تنها نام افسر مسئول پرونده بلکه حتی شماره تماس آن‌ها را به متقاضیان می‌دهند. پس باید گفت که دلیل واقعی این پنهان کاری در کانادا قطعاً پنهان کردن عوامل ناکارآمدی وزارت مهاجرت در رسیدگی به

ایران است. طغریایی که شهروند کانادا است، یک دهه و نیم است که پا به ایران نگذاشته است. از زمان دستگیری و شکنجه در ایران در پی اعتراض دانشجویان در سال ۱۹۹۹، او حتی از سفر به ایران بیم دارد. با این حال، امکان داشتن یک زندگی عادی در غرب برای او، به دلیل سیاستی که ترامپ وضع کرده و اکنون توسط جو بایدن پیش برده می‌شود، از بین رفته است.

این مسئله بر تعداد زیادی از ایرانیان کانادایی تأثیر گذاشته است. مردی که به دلیل ترس از انتقام نمی‌خواست آشکارا از او نامی آورده شود گفت که توسط مقامات مکزیک در فرودگاه بین‌المللی کانکون بیش از ۱۲ ساعت بدون آب و غذا بازداشت و بازجویی شده و سپس به کانادا بازگردانده شده است. در ماه مارس، علیرضا قربانی، خواننده مشهور ایرانی، قرار بود در یک شام سال نو ایرانیان در آمریکا برنامه اجرا کند، اما پس از بازجویی در مورد خدمت سربازی‌اش از ورودش به آمریکا جلوگیری شد.

طغریایی مدت کوتاهی پس از اطلاع مدیرش مبنی بر عدم امکان بازگشت او به کار، از کار خود در ویسکانسین اخراج شد. فشار مالی ناشی از بیکاری او باعث از هم پاشیدگی ازدواج نزدیک به ۳۰ ساله او شد. او می‌گوید: «به این دلیل همه چیز را از دست دادم. دو ماه بعد از اینکه از کارم اخراج شدم، همسرم درخواست طلاق کرد.»

طغریایی به انتشار کتاب‌های مدیریت پساب ادامه می‌دهد و اخیراً در کانادا کاری در حوزه‌ی مشاوره گرفته است. او همچنین بخشی از وقت خود را صرف ارتباط با سایر سربازان سابق ایرانی مقیم غرب می‌کند. آنها اطلاعاتی در مورد تجربیات خود به اشتراک می‌گذارند که طغریایی و دیگران آن را به مقامات محلی و گروه‌های آزادی مدنی می‌دهند تا تغییراتی در وضعیت آنها ایجاد کنند. این سربازان اجباری سابق نگران‌اند، به‌ویژه اگر کشورهای بیشتری از آمریکا در تعیین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک گروه تروریستی پیروی کنند. طغریایی خود احساس می‌کند بین دو جهان گرفتار شده است. او ده‌ها سال پیش از ایران مهاجرت کرد و زندگی شاد و موفق با خانواده‌اش در کانادا رقم زد. اکنون، او گروگان سیاست آمریکا در قبال کشور محل تولدش است - جایی که او حتی برای بازدید از آن احساس امنیت نمی‌کند.

طغریایی در پایان می‌گوید: «به دنبال این نیستم که کسی را برای این موضوع تحت فشار قرار دهم یا مشکلی ایجاد کنم. فقط می‌خواهم مردم بدانند با من چه کردند.»

منبع: وبسایت اینترسپت



## برای حفظ زبان فرانسوی در کبک کدام ابزار موثر است: قانون ۱۰۱ یا مهاجرت هدفمند؟

قانون ۱۰۱ که از همان ابتدا هیاهوی زیادی در کبک به راه انداخت هنوز هم همچنان موضوع اختلاف و منشاء موضع گیری های ضد و نقیض در بخش های مختلف به ویژه آموزشی و فرهنگی استان کبک است.

اتحادیه های محلی ۲۴ سژپ در استان کبک در ماه های اخیر حمایت خود را از اجرای این قانون اعلام و تاکید کرده اند که «ما حامیان واقعی تکثر فرهنگی هستیم و هدفمان صیانت از رنگ، روح و هویت کبک است».

«واقعا گیج شده ام. مغزم هنگ کرده است. این هفته یکی از دانشجویان فرانسوی زبانم به زبان انگلیسی چیزی از من پرسید. انگار که صحبت کردن به انگلیسی یک مسئله کاملا عادی شده است.» این صحبت خانم ماری-لو بوشار، مدرس ارتباطات در کالج «رزومون» است که از رفتار دانشجوی خود شوکه شده است.

خانم بوشار ۴۳ ساله می گوید هر روز با سلطه طلبی فرهنگی آمریکایی و انگلیسی که به نظر می رسد به سرعت در مسیر خود همه چیز جامعه کبک از جمله نمایش، ترانه، ادبیات و رسانه های آن را با خود می برد، مبارزه می کند.

بوشار به شدت از این مسئله متاسف است که بسیاری از دانشجویانش حتی یک هنرپیشه فرانسوی زبان را نمی شناسند، هیچ کتابی به زبان فرانسوی نمی خوانند، هرگز برنامه های فرانسوی زبان تلویزیون را تماشا نمی کنند و نکته عجیب و غریب و البته تاسف آور ماجرا این است که همه آن ها در یک کالج فرانسوی زبان درس می خوانند. حالا خودتان تصور کنید که جایگاه فرهنگ کبکی در سیستم آموزشی فرانسوی زبان ها و آلفون های (آن هایی که زبان مادری شان غیر از انگلیسی یا فرانسوی است) که در کالج ها و موسسات انگلیسی زبان تحصیل می کنند، کجاست؟

کم نیستند استادان و مدرسان کبکی که مثل خانم بوشار معتقدند اگر لایحه ۱۰۱ در سژپ ها اعمال نشود، دیر یا زود محور فرهنگ کبکی را شاهد خواهیم بود.

اما آیا اعمال قانون ۱۰۱ به سژپ ها ممکن است؟

فرانسوا لوگو، نخست وزیر کبک، این ایده را افراط گرایانه توصیف کرده است. حتی وزیر به شدت ناسیونالیست او سیمون ژولن-بارت نیز که مسئولیت اصلاح منشور زبان فرانسوی را بر عهده دارد، با این ایده مخالف است.

پیشنهاد ژولن-بارت برای جلوگیری از سرازیر شدن دانشجویان فرانکوفن و آلفون به کالج های انگلوفن استان کبک، این است که سهمیه پذیرش شبکه انگلیسی زبان استان به مدت ده سال افزایش پیدا نکند تا شاید به این ترتیب بتوان روند سریع و سنگین موجود را معکوس کرد.

وزیر کبکی همچنین برای دانشجویان آلفون و فرانکوفن که به زبان انگلیسی در کالج ها تحصیل می کنند، یک آزمون یکسان زبان فرانسه را پیشنهاد می کند. قانون جدید نیز سه ماده درسی اجباری به زبان فرانسوی برای دانشجویانی که در شبکه انگلیسی زبان ثبت نام می کنند، در نظر گرفته است. مسئولان دفتر ژولن-بارت معتقدند که با اجرای این تدابیر، صرف نظر از این که دانشجویان برای تحصیل چه سیستم زبانی را انتخاب می کنند، سطح زبان فرانسه تنزل نخواهد کرد.

دو اتحادیه که نمایندگان معلمان و مدرسان سژپ ها هستند یعنی فدراسیون ملی معلمان کبک FNEEQ و فدراسیون معلمان سژپ های کبک FEC-CSQ با تدابیر پیشنهادی «اتلاف آینده کبک» موافقت و بسط دادن قانون ۱۰۱ را به کالج ها اصلاح نمی دانند.

به نظر می رسد مانند خیلی های دیگر، لوئیز بودوئن نیز گزارش اخیر آمار کانادا را در این زمینه مطالعه کرده است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که حدود ۲۳ درصد از فارغ التحصیلانی که زبان مادری شان فرانسوی است اما آخرین مدرک تحصیلی شان را از یک موسسه انگلیسی زبان گرفته اند، عمدتاً در محل کار خود از زبان انگلیسی استفاده می کنند و ۴۶ درصد از فارغ التحصیلانی که زبان مادری شان غیر از فرانسوی یا انگلیسی است و آخرین مدرکشان را از یک موسسه انگلیسی زبان دریافت کرده اند، در محل کار اساساً

انگلیسی صحبت می کنند.

نیکلا بوردون، استاد زبان فرانسوی در کالج Bois-de-Boulogne بالحنی طنز آمیز می گوید: «به نظر می رسد که صحبت کردن در مورد زبان در کبک به یک تابو تبدیل شده است. برخی طرفداران تکثر فرهنگی چپگرا به این موضوع نگاه تحقیر آمیزی دارد و معتقدند که مسئله زبان و صیانت از آن موضوعی منسوخ و از رده خارج است. ظاهراً آن ها نمی فهمند که اگر ما الان برای حفظ زبانمان مبارزه نکنیم، بیست سال دیگر نمایش، رسانه یا کتابی به زبان فرانسوی نخواهد بود که کسی بخواند آن ها را بخواند.»

نیکلا بوردون معتقد است که پیشنهاد عدم افزایش سهمیه دانشجویان انگلیسی زبان سژپ ها نه تنها دردی را دوا نخواهد کرد بلکه فرصت مناسبی فراهم خواهد کرد تا شبکه انگلیسی زبان بهترین دانش آموزان را جذب کند. اما در این میان برخی از محققان و کارشناسان در کبک بر این باورند که حفاظت از زبان فرانسوی و ارتقای آن در استان بیشتر از آن چه از طریق بسط قانون ۱۰۱ به سژپ ها میسر شود، از طریق تقویت و هدفمند سازی هر چه بیشتر مهاجرت امکان پذیر خواهد بود.

شارل کاستونگه، استاد بازنشسته ریاضی، یکی از این افراد است که می گوید دولت کبک باید یک سیاست مهاجرتی روشن به اجرا گذارد که محوریت آن تسهیل پذیرش فرانکوفن ها و فرانکوتروپ ها (افرادی که زبان مادری شان فرانسوی نیست اما متعلق به کشور یا منطقه ای هستند که اشتراکاتی با این زبان دارد) را تسهیل کند. این کارشناس معتقد است که پویایی و سرزندگی زبان فرانسه در کبک در دهه های آینده بیشتر به سیاست مهاجرتی دولت بستگی دارد تا اقدامات و تدابیر قانونی جدید.

این همان نتیجه ای است که بازرس کل کبک در سال ۲۰۱۷ در تحقیقات خود به آن رسید. بازرس کل کبک در آن سال در گزارش تحقیقات خود درباره برنامه های دولت کبک برای ارتقای زبان فرانسوی اعلام کرد که تلاش های دولت در این زمینه نتایج مطلوب را به همراه نداشته است.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا



## فریبا علیزاده

مشاور ارشد امنیت مالی و بیمه  
Financial Security Advisor

سالها تجربه موفق در زمینه مالی و بیمه  
فارغ التحصیل ارشد مدیریت از  
John Molson Concordia

Sun Life Financial

ارائه خدمات مالی و بیمه برای:

- اشخاص، شرکت ها، مشاغل آزاد و حرفه ها
- بیمه عمر، از کار افتادگی و بیماریهای خاص
- بیمه دانشجویان، بیمه سفر و بیمه سلامت
- بیمه وام مسکن
- انواع سرمایه گذاری

KRSP, RESP, TFSA, RRIF, LIF, GIA

همکاری با بیش از ۲۵ موسسه مالی و بانکی با منظور ارائه بهترین خدمات

438-345-5066

<http://www.sunlife.ca/beriba/alizadeh>

[beriba.alizadeh@sunlife.com](mailto:beriba.alizadeh@sunlife.com)



## استودیو عکاسی روز

STUDIO PHOTO ROSE

انواع خدمات عکاسی حرفه ای

PASSPORT  
PORTRAIT  
NEWBORN  
BUSINESS





(514) 488 7121

5301 Queen Mary  
(Corner of Décarie),  
H3X1T9, Montréal, Q.C.

ما را در اینستاگرام و فیسبوک دنبال کنید!

studiophotorose

# EXPERTFX

## Bureau de Change Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6

info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

## A Plus Quality Nuts

وارد کننده خشکبار

توزیع کننده مواد غذایی ایرانی به صورت عمده و خرده فروشی

تلفن : 514-691-0002

اینستاگرام : @aplusqualitynuts

شنبه تا سه شنبه: ۹:۰۰ تا ۱۸:۰۰  
چهارشنبه تا جمعه: ۹:۰۰ تا ۲۱:۰۰

1605 Louvain O, Montreal, H4N 1G6 دارای پارکینگ

VISA MasterCard

سينما

هنر

فرهنگ

ادبيات





## سهیل پارسا با «خانه‌ی برناردا آلبا» می‌آید

که آن چه در لایه‌ی زیرین متن است فهمیده شود. پارسا شخصیت پیزانو را «زندانی سنت که نتوانست از پدرسالاری دور شود» می‌خواند. «وقتی به نمایشنامه نگاه می‌کنید، او در مورد «خانه پدری من» زیاد حرف می‌زند ... او نتوانسته است خود را از آن سنت مرگبار رها کند.» لورکا این نمایشنامه را در سال ۱۹۳۶ به پایان رساند، دو ماه قبل از اینکه به دستور ژنرال فرانسیسکو فرانکو کشته شود، زیرا او دیدگاه‌های سوسیالیستی داشت و همجنس‌گرا بود. ادراک پارسا از نمایشنامه ناشی از تجربه‌اش در خروج از ایران در خلال انقلاب ۱۹۷۹ به دلیل سرکوب مذهبی است: «من شخصا شاهد انقلابی خونین بودم و رژیمی ایدئولوژیک را تجربه کردم. کل مفهوم سنت و مدرنیته برای من بسیار مهم است.» گفتنی است که پارسا سال گذشته از سمت مدیر هنری مدرن تایمز کناره‌گیری کرد و این اولین نمایش او برای این شرکت به عنوان کارگردان آزاد است. او می‌گوید: «نگرانی‌ناداشتن درباره‌ی جمع‌آوری کمک مالی و مدیریت، لذت‌بخش است. الان فقط برای اینکه بیایم و این نمایش را کارگردانی کنم پول می‌گیرم.»

منبع: وبسایت شبکه خبری تورنتو استار

پارسا می‌گوید، این نمایشنامه، که دیوید جانستون ترجمه‌اش کرده، به گونه‌ای فریبده ساده است. «لایه‌ی رویی شما را به جایی نمی‌رساند. معنی خاصی ندارد. ملت می‌نشینند و صحبت می‌کنند و شاکی‌اند.» نکته کلیدی اما در لایه‌ی زیرین متن است: «چیزی در زیر در حال رخ دادن است که آن را باید کشف کنیم.»

این دومین بار است که پارسا، پیزانو و شرکت‌هایشان در نمایشنامه‌ای از لورکا با یکدیگر همکاری می‌کنند و نتایج قبلی درخشان بود. «عروسی خون» در سال ۲۰۱۵ موفقیت بزرگی داشت و برنده‌ی شش جایزه دورا ماور مور (Dora Mavor Moore Awards) در بخش تئاتر مستقل از جمله بهترین تولیدکننده، بهترین کارگردانی (پارسا) و بهترین اجرای زن (پیزانو) شد. آنها این نمایش را در سال ۲۰۱۷ و همچنین در Buddies in Bad Times بازاجرا کردند.

پارسا دست کم یک سال پیش از آن که کار را به دست گیرد پژوهش و درباره‌ی نمایشنامه، نویسنده و صحنه‌های آن مطالعه می‌کند. اما وقتی وارد اتاق تمرین می‌شود، آن‌ها را به کناری می‌گذارد تا از نزدیک با بازیگران همکاری کند. او می‌گوید که ایده‌ها تبادل و کندوکاو می‌شوند و کوشش می‌شود

«سهیل پارسا» سال‌هاست که می‌داند «خانه‌ی برناردا آلبا»، نوشته‌ی فدریکو گارسیا لورکا، نمایشنامه‌نویس اسپانیایی، را کارگردانی خواهد کرد و می‌دانست که وقتی این کار را به دست گیرد، «بئاتریز پیزانو» در مرکز این نمایش خواهد بود. پارسا می‌گوید: «نمی‌توانم بدون بنا این کار را پیش ببرم.»

این دو کهنه‌کار صحنه‌ی تئاتر تورنتو از سال ۱۹۹۹ با هم کار می‌کنند. هر دو مهاجرند - پارسا از ایران و پیزانو از کلمبیا - که شرکت‌های تئاتر خود را راه‌اندازی کردند، زیرا به قول پیزانو، زمانی که آغاز به کار کردیم، هیچ فرصتی برای ما نبود. این دو شرکت (Parsa's Modern Times Stage و Company و Pizano's Aluna Theatre) در ساخت «خانه‌ی برناردا آلبا» با یکدیگر همکاری دارند و این نمایش از ۲۴ آوریل در Buddies in Bad Times Theatre به صحنه خواهد آمد.

پیزانو نقش اصلی را بازی می‌کند: مادرسالاری سلطه‌گر که پنج دختر بالغش را پس از مرگ شوهرش در خانه زندانی کرده است و در حالی که دختران تشنه‌ی زندگی بیرون از این چهاردیواری‌اند، تنش‌ها آغاز می‌شود.

خدا را شکر، مطمئن شدم که گره پیشانی مبارک آقا ربطی به من ندارد و اسبابش را دیگران فراهم کرده‌اند. بنابراین دستی به کمر زدم، قدی راست کردم، بادی به غیغب انداختم و با شنگولی تمام و، مثلن یواشکی، گفتم:

«کی نمیداره قربان، نکنه پرستارا زیادی بهتون می‌رسن؟...»

دستش را به معنای «برو بابا» در هوا حرکتی داد، سرش را به قهر به سوی دیگر چرخاند و در حالی که یک چین دیگر به مجموعه گره‌های تو در تو ی پیشانی افزوده بود، با عصبانیت گفت:

«تو هم که باز شوخیت گرفته، اصلن تو هیچوقت حرف حساب سرت نمیشه!»

منی که تمام عمر غیر از حرف حساب چیزی نگفته‌ام (!) راستش بهم برخورد. از شما چه پنهان، گمان می‌کنم، یک گره کوچولو هم توی پیشانی من سبز شد. اما زود به خودم مسلط شدم و فکر کردم که، 'بر مریض حرجی نیست.' بنابراین اخم احتمالی پیشانی‌ام را باز کردم و جایش را دادم به یک لبخند ملیح:

«واللا قصدی نداشتم. حالا میشه لطف کنین و بگین غیر از جراحی چی شده؟»

«آخه آدم از دست این مردم چه بکنه؟... به همه کار آدم کار دارن. لباس نو می‌پوشی، زیر گوشت می‌کن بینم خبر مبری شده؟ لباس قدیمی و رنگ و رو رفتت رو می‌پوشی، میگن، بابا آنقدر خسیس‌بازی درنیاره، یه دست لباس نو بخرا تنها میری جایی، میگن» چرا خانمو نیاوردی، گذاشتیش تو آشپرخونه؟... با هم میرین بیرون، میگن، تو رو هیچوقت نمیشه تنها دید... شما دو تا رو به هم چسب زدن؟... با مردم خوش‌وبش می‌کنی، میگن داره با خانما هیزبازی در میاره، خوش‌وبش نمی‌کنی، میگن، آنقدر خشک و جدیه که با یه من غسل هم نمیشه خوردش، چرا زن نمی‌گیری، اشکال مشکالی تو کاره؟... چرا زن گرفتی؟ چرا دیر گرفتی؟...»

آقا، خدا حفظش کند، یک نفس عین ضبط صوت داشت ردیف می‌کرد. ناگزیز با حرکت دست،

## فضول فضوله، کاریش هم نمی‌شه کرد!

سرش می‌دارم تا دردشو فراموش کنه.

«سلام...»

همسر آقای نکته‌بین به سرعت چرخید و چشمان آقای نکته‌بین گشوده شد، اما از باز شدن اخم‌ها خبری نبود. با همان اخم کم نظیر، نگاه پر صلابتش را بر چهره‌ی بی‌گناه من چنان می‌خکوب کرد که فکر کردم حتمن گناهی مرتکب شده‌ام. خوشبختانه، خانم نکته‌بین متوجه بهت‌زدگی من، که همان طور گل به دست دم در ایستاده بودم، و نگاه خیره و اخم‌آلود شوهرش، شد و لبخندی زد که بیدرنگ تبدیل به یک خنده‌ی بلند گردید. ارادتمند هم اندکی دلم قرص شد که شاید تصور من غلط بوده. با خانم خوش‌وبش کردم و با احتیاط تمام به تخت بیمار نزدیک شدم و دوباره گفتم:

«سلام!»

«سلام!»

«حالتون چطوره، انشالله بلا دوره، تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد.»

بی‌آنکه در اخمش تخفیفی بدهد گفت:

«میخای چطور باشه؟... مگه میدانن... مگه میدانن آدم تو بیمارستان هم راحت باشه؟...»

نکته‌ها...

از زبان نکته‌ها آینه‌وار

زشت و زیبا را بگویم، هوش دار

هفته‌ی گذشته، گردش روزگار سر و کار آقای نکته‌بین را هم به بیمارستان افکند و چند روزی بستری شد. من هم که از ارادتمندان پروپا قرص ایشان و نکته‌گویی‌ها و همچنین، غُززدن‌های مطبوعشان هستم، طبیعی است که با یک دسته گل‌تر و تازه به دیدنشان رفتم.

وقتی وارد اتاق شدم، دیدم آقای نکته‌بین روی تخت، که نیمه‌ی بالاتنه‌اش در حالت مایل قرار داشت، لمیده و با چشمان بسته و اخمی که به برج زهرمار می‌گفت تو برو کنار، من خودم اینجام، ظاهرن در خود فرو رفته است. همسر آقای نکته‌بین هم در کنار پنجره ایستاده و بیرون را تماشا می‌کرد. اول، از دیدن سگرمه‌های درهم رفته‌ی آقای نکته‌بین حسابی جا خوردم. ولی بعد اندیشیدم که، خُب دیگه، آقا جراحی داشته و حالا هم طبیعیه که درد و ناراحتی داشته باشه، سر به



بیمارستان پرید وسط حرف همسرش که، «می‌خواستی بگی نخیر از زیر بوته در اومدی!» بعد در حالی که انگشت اشاره‌اش را بطور تهدید آمیزی در هوا تکان می‌داد، گفت، «باید می‌داشتی از اتاق می‌اومدی بیرون.»

خانم نکته‌بین اخطار داد که، حالا لازم نیست دوباره جوشی بشی، بخند! و دنباله‌ی ماجرا را گرفت:

«خوب معلومه، مادر و خواهر و عمه و دایی و و... دارم. همه‌ی کس و کارم تهرون هستند.»

«شوهرت چقد از خودت بزرگتره؟»

یه لحظه خواستم ازش خداحافظی کنم پیام بیرون ولی این کارو نکردم، چون حالت تفریح پیدا کرده بود. گفتم:

«پانزده سال.»

«حتمن با این اختلاف سن، خیلی هم مشکل دارین؟»

«نه، شوهرم مرد خیلی خوبیه. اگه بازم بخوام ازدواج کنم، با همون ازدواج می‌کنم.»

خانم نکته‌بین در اینجا سکوت کرد تا نفسی تازه کند. من، سرم را بردم نزدیک صورت آقای نکته‌بین و با شیطنت گفتم، «آقای نکته‌بین به خودت نگیری، خانم جلو طرف خواسته آبروداری کنه!»

نگاه غضب‌آلود آقای نکته‌بین مجال نداد. به روی خودم نیاوردم و پرسیدم، «بالاخره به کجا کشیدی؟ خانم ادامه داد:

اینو که گفتم، خانم بیمار تکان قرمانندی به کمرش داد و به تندگی گفت:

«من که اگه ده بار دیگه هم بخام ازدواج کنم، اصلن با شوهر فعلیم ازدواج نمی‌کنم!»

خانم نکته‌بین سکوت کرد و به نشانه‌ی پایان، نفس عمیقی کشید و به انتظار واکنش‌ها نشست. آقای نکته‌بین، که غرولند زیر لبی‌اش بی‌پایان به نظر می‌رسید، گویی بزرگ‌ترین تأییدنامه‌ی تاریخ را به دست آورده، خیلی محکم و با تأکید گفت:

«می‌بینید، می‌بینید آقا... به همه چیز تو کار دارن. حتا گذشته، حتا آینده... اصلن حق مسلم و بی‌چون و چرای خودشون میدونن که زندگی شما و خانوادتونو برن زیر ذره‌بین سلیقه‌ی فضولانه خودشون و نظم و نسق بدن. واقعن که باید گفت، جل‌المخلوق!»

یاد خواب چند شب پیش خودم افتادم. آهی کشیدم و از سر همدردی گفتم:

«اینا که خوبه آقای نکته‌بین، تو رویا هم ول کن نیستن و میان سراغت!»

«خُب، نه دیگه...»

«پس اقلن حالا یک دختر بزا!..»

«ای بابا... من چهل و شش سالمه، دیگه خیلی دیره که بخوام فکر دختردار شدن باشم.»

با ناوری گفت:

«امکان نداره چهل و شش سالت باشه، خیلی داشته باشی، سی و پنج سال. گفتمی پسر بزرگت پونزده سالشه؟»

«بله، چطور مگه؟»

«یعنی میخای بگی تو در سی سالگی ازدواج کردی؟!»

«در همین حدودا.»

«چقدر دیر! چطور تونستی شوهر پیدا کنی؟ چون تو ایرون، با دختری که سی سالشه، کسی ازدواج نمی‌کنه!»

«من دنبالش نگشتم، خودش پیدا شد.»

انگار با عجایب هفتگانه روبرو شده باشد، گفت:

«عجیبیه... حالا چرا اون قدر دیر ازدواج کردی، قیافه‌ات هم که خوبه؟»

«خُب دیگه، درس می‌خوندم، کار می‌کردم. میدونین اصلن تو فکر ازدواج نبودم.»

دیگه داشتم کلافه می‌شدم. سئوال‌اتش فرصت نفس کشیدن به من نمی‌داد و باز گفت:

«چه جور زائیدی، حتمن خیلی سخت؟.. شاید هم سزارین شدی؟»

«اتفاقن به سرعت عطسه کردن زاییدم. بقول معروف، گربه‌زا بودم.»

ابروهاش پرید بالا، چشماش گرد شد. گفت:

«وا! تو، آدم سی ساله‌ی تازه ازدواج کرده، به همین راحتی زاییدی؟ حتمن مادر شوهرت هم خیلی عصبانی بود که پسرش یک زن سی‌ساله گرفته؟»

آقای نکته‌بین مدام توی تختش وول می‌خورد و زیر لب غرولند می‌کرد و من هم محو شرح این مکالمه‌ی دل‌انگیز و اخلاقی شده بودم. خانم نکته‌بین ادامه داد:

گفتم:

«واللا اینارو دیگه نمی‌دونم، ولی می‌دونم که مشکلی هم نداشتیم.»

تعجبش بیشتر شد و گفت:

«وا، چه حرفا! من یه برادر دارم که شست سالشه. میگه من دختر بالای بیست و دو نمی‌گیرم...»

هنوزم ازدواج نکرده (قابل توجه مجردهای پا به سن گذاشته و دخترهای دم بخت زیر بیست و دو).

راستی بگو ببینم، کس و کار هم داری؟!»

آقای نکته‌بین دیگر طاقتش برید و با لباس

ایست دادم و گفتم:

«لطفن دیگه ادامه ندین، تا آخرشو خوندم. حالا یک کمی آروم بگیرین و استراحت کنین. برای اعصابتون خوبه. ولی، نکته‌بین عزیز توی بیمارستان، اونم در غربت، که از این چیزا خبری نیست. مگه کانادایی‌هام بله؟..»

انگار که این حرف من یک ترقه بود! یک دفعه خانم نکته‌بین یک قهقهه‌ی انفجاری سرداد، و آقای نکته‌بین هم به حال اعتراض، نیم‌خیز شد تا چیزی بگوید که درد امانش نداد. دستش را گذاشت روی شکم و دهانش همانطور باز ماند.

من سر گشته هم درست و حسابی جا خوردم. در حیرت بودم که در میان خنده ریشه‌ی خانم و درد اعتراض خفه کن آقای نکته‌بین تکلیفم چیست، که آقای نکته‌بین خوشبختانه، به آرامی بن‌بست را گشود:

«بگو خانم جان... لعنت به این درد... بگو! هیچ فرقی هم نمی‌کنه که سابقه‌ی آشنایی چقدر باشه، آآخ، بخای و نخای به کارت کار دارن. اصلن موظف هستن... براشون بگو خانم جان!»

خطاب آقای نکته‌بین، البته، به همسرش بود که هنوز داشت می‌خندید و چشمانش هم از اشک خنده پر شده بود. در عین حال، تداوم خنده او باعث شد برای نخستین بار، نقش بسیار کم‌رنگ یک لب‌خند هم، بر چهره‌ی آقای نکته‌بین بنشیند. آقای نکته‌بین اعصابش را شل کرد، سرش را روی بالش رها کرد و چشم به دهان همسرش دوخت. خانم هم سرانجام موفق شد خنده‌اش را مهار کند. ته استکان چایی را سر کشید و داستانش را برایم تعریف کرد، و چون جالب و آموزنده بود، از زبان ایشان برای شما می‌نویسم:

در اتاق مجاور، یک خانم ایرانی بستریه. این خانم و شوهرش امروز صبح محبت کردن و اومدن به دیدن نکته‌بین و با هم آشنا شدیم. از اتفاق، آقای سیامکی هم اینجا بود. بعد از ظهر، من به جبران محبت ایشان چند شاخه گل برداشتم و به دیدار اون خانم رفتم. تنها بود. سلام و علیکی کردیم و احوالی پرسیدیم، و یک دفعه خانم بیمار، بی‌هیچ مقدمه‌ای گفت:

«اون آقای که امروز صبح هم‌را تون بود، پسر تون بود (البته منظورش آقای سیامکی بود، که فکر کنم چهل و دو سه ساله داره) گفتم:

«ته، اون آقا دوست ماست. من دو تا پسر دارم، یکی پانزده‌ساله و یکی پنج‌ساله.»

«پس دختر نداری؟»

## پگاه شریفی

زیادی که کسب کرده بود؛ توانست ۴۹ اثر خارق العاده و ابدی برای ما خلق کند.»

ویویر از پدر و مادری ناشناس در مونترال به دنیا آمد، در سن سه سالگی یک خانواده فقیر فرانسوی-کانادایی او را به فرزندی پذیرفت. سیزده ساله که شد که مدرسه‌ای شبانه‌روزی رفت که پسران جوان را برای شغل کشیشی آماده می‌کرد اما تمایلات مذهبی ویویر جوان با عشق به شعر و موسیقی مدرن جایگزین شد. او در نوزده سالگی در کنسرواتوار موسیقی مونترال ثبت‌نام کرد، جایی که معلم اصلی او ژیل ترمبلی آهنگ‌ساز بود. اولین آثار ویویر هم مربوط به این دوره از زندگی‌اش است.

این آهنگ‌ساز با استعداد مونترالی، در سال ۱۹۷۱ یک دوره سه‌ساله تحصیلی را در اروپا آغاز کرد؛ ابتدا به مؤسسه سونولوژی در اوترخت (یک مرکز آموزشی و تحقیقاتی برای موسیقی) هلند، و سپس به کلن و نزد کارل هاینتس اشتوکهاوزن؛ آهنگ‌ساز پیشروی آلمانی رفت که تأثیر بسیار زیادی روی ویویر داشت و به‌وضوح در کارهای این دوره‌اش مشهود است. کلود ویویر، در سال ۱۹۷۴ به مونترال بازگشت و در این دوره بود که پایه‌های کار حرفه‌ای و شهرتش در میان موسیقی‌دان‌ها گذاشته شد. آثار اول او مانند SMQC با موفقیت در کنسرت‌های اجرا شد.

ویویر در پاییز ۱۹۷۶ سفری طولانی به شرق داشت؛ و موسیقی که در ژاپن و بالی (جزیره‌ای در اندونزی) با آن روبرو شد؛ تأثیر عمیقی روی کارش گذاشت و در مرور زمان عمیق‌تر هم شد.

اپرای Kopernikus با لیبرتویی (اپرانامه) که خودش نوشته بود؛ در ۸ مه ۱۹۸۰ در Théâtre du Monument National در مونترال به نمایش درآمد که شروع آهنگ‌سازی او به شیوه‌ای متفاوت بود.

ویویر با کمک مالی شورای کانادا، مونترال را به مقصد پاریس در ژوئن ۱۹۸۲ ترک کرد و در آنجا کار بر روی اپرای را بر اساس مرگ چایکوفسکی آغاز کرد اما در مارچ سال ۱۹۸۲ توسط یک مرد جوان پارسی، با ضربات چاقو کشته شد و آخرین اثرش با نام Glaubst du an die Unsterblichkeit der Seele که گویا پیشگویی نگران‌کننده‌ای از مرگ خودش بود؛ برای همیشه ناتمام ماند.

برای اطلاعات بیشتر درباره این رویداد می‌توانید به سایت [Soundstreams.ca](http://Soundstreams.ca) مراجعه کنید.

منبع: وبسایت [nowtoronto](http://nowtoronto)



## اجرای قطعه «شیراز» در تورنتو به یاد دو خواننده نابینای شیرازی اثری از کلود ویویر، آهنگ‌ساز مشهور کانادایی

این رویداد حضوری که ۲۸ آوریل ۲۰۲۲ در کلیسای سنت اندرو تورنتو خواهد بود؛ در واقع جشنی با آثار کلود ویویر، آهنگ‌ساز مشهور کانادایی است و هدیه‌ای عاشقانه به شهر تورنتو. نام این برنامه هم از قطعه «ترانه‌های عاشقانه» کلود ویویر گرفته شده است. قطعه «ترانه‌های عاشقانه» تلفیقی از شعرهای مهدکودک، شکسپیر و سنت‌های فولکلور گرفته شده است. درباره اجرای قطعه هم شیراز عنوان شده که با فیلم رقص Leora همراه است.

ویویر در سال‌های ۱۹۷۰، سفرهای زیادی به خاور نزدیک و دور داشته و همان زمان شیفته موسیقی غیرغربی و سازهای کوبه‌ای می‌شود. به طور مثال پنج آهنگ برای پرکاشن را پس از سفرش به بالی می‌سازد که در اجراهای سنتی اندونزی با زیلوفون، گونگ، طبل و یا سازهای کوبه‌ای دیده بود.

لارنس چرنی، مدیر هنری مؤسسه ساوند استریمز درباره زندگی این آهنگ‌ساز گفته است: «کلود ویویر درگیر مرگ، سکس و ابدیت بود. او در زندگی و هنرش خطر می‌کرد اما به واسطه تجربیات بشری

قطعه «شیراز» یکی از آثار درخشان و قدرتمند کلود ویویر، آهنگ‌ساز مشهور کانادایی در تورنتو اجرا خواهد شد. ویویر که شیفته موسیقی خاورمیانه‌ای بود این قطعه را با الهام از دو نوازنده نابینایی ساخت که در سفرش به شهر شیراز با آن‌ها روبرو شد. ویویر درباره شیراز نوشته: «شیراز، شهری در ایران، یک مروارید، یا الماسی که با مهارت تراشیده شده، به من انگیزه داد تا اثری برای پیانو بنویسم که ایده‌اش را از حرکت دست‌ها روی پیانو گرفتم.» او این اثر را به لویی فیلیپ پلتیه پیانیست و همچنین به دو خواننده نابینایی تقدیم کرده بود که به گفته خودش، ساعت‌ها آن‌ها را در بازار شیراز دنبال کرده.

لارنس چرنی، مدیر هنری مؤسسه ساوند استریمز (Soundstreams) که موسیقی کانادا را به آلمان و بریتانیا می‌برد، ضمن اعلام خبری که خواندید از جزئیاتی درباره اولین رویداد افتتاحیه این شرکت با نام «A Love Song To Toronto» صحبت کرده و گفته است که این اولین برنامه آن‌ها بعد از مارچ سال ۲۰۲۰ است که پاندمی کرونا در کانادا اوج گرفت.

پیدا کرد که اتفاقاً بازی در این نقش‌ها او را به جامعه تئاتر انگلستان شناساند.

سپس رامین کریملو وارد حوزه بازیگری در فیلم شد و در فیلم Les Misérables و فیلم شبخ اپرا، ایفای نقش کرد. در ادامه، او در سال ۲۰۱۳ نیز در یک فیلم اکشن به نام Vendetta ایفای نقش کرد. در سال ۲۰۱۸ هم در یک فیلم سینمایی کمدی به نام Nativity Rocks بازی کرد.

همچنین از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ نیز در سه سریال تلویزیونی با نام‌های Life's Too Short و The Spa و Blue Bloods به ایفای نقش پرداخت. در سال ۲۰۱۹ هم به عنوان نقش اصلی در یک سریال تلویزیونی به اسم Holby City بازی کرد. او در این فیلم بریتانیایی که در حوزه درام پزشکی است و در شبکه بی‌بی‌سی، پخش شد، نقش فردی به اسم کیان مدنی را بازی کرد.



## رامین کریملو، بازیگر ایرانی-کانادایی که صحنه‌های تئاتر را تسخیر کرد

**اعطای معتبرترین جوایز تئاتر به رامین کریملو**  
برای بسیاری از مخاطبان آمریکایی، رامین با بازی تحسین‌شده‌اش از ژان والژان در فیلم Les Misérables شناخته شده است. عمده شهرت و موفقیت رامین را هم می‌توان به حوزه تئاتر نسبت داد. رامین کریملو در حوزه تئاتر، جوایز معتبر زیادی دریافت کرده که دریافت یکی از این جوایز، آرزوی بسیاری از بازیگران تئاتر است.

به طور مثال، رامین برای نمایش Les Misérables، برنده جایزه جهانی تئاتر (Theatre World Award) شد. او همچنین در جشنواره معتبر تئاتر WhatsOnStage، برنده جایزه نقش اول شد. در جشنواره معتبر تئاتر BroadwayWorld Award هم برای بازی در نمایش موزیکال عشق هرگز نمی‌میرد، برنده بهترین بازیگر شد.

البته رامین در حوزه موسیقی نیز بسیار فعال است و تاکنون او چهار آلبوم در سونی رکوردز به انتشار رسانده است. «از حالا به بعد»، «قلب انسان»، «جاده‌ای برای پیدا کردن شرق» و «جاده‌ای برای پیدا کردن جنوب» نام چهار آلبوم این هنرمند است.

رامین کریملو و همسرش آماندا کریملو، دو فرزند پسر دارند. این هنرمند ایرانی-کانادایی، همراه با خانواده‌اش بیشتر در لندن و نیویورک اقامت دارند.

شما می‌توانید رامین کریملو را در اینستاگرام @raminkarimloo دنبال کنید.

منابع: وبسایت های [Wikipedia](https://www.wikipedia.org)، [broadway.raminkarimloo](https://www.broadwayramin.com) انگلیسی، [stage-door](https://www.stage-door.com) و شبکه‌های اجتماعی

رامین کریملو یکی از هنرمندان شناخته شده ایرانی-کانادایی است که در حوزه تئاتر، بازیگری، خوانندگی و آهنگسازی، سابقه کار حرفه‌ای دارد. او را می‌توان یکی از بهترین بازیگران انگلیسی زبان تئاتر به حساب آورد که جوایز معتبر زیادی هم در این زمینه کسب کرده است.

به گزارش هفته، رامین کریملو در ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۸ در تهران به دنیا آمده است. زمانی که رامین نوزاد بود، پدر و مادرش مجبور به ترک ایران شدند، زیرا پدر رامین در گارد شاهنشاهی خدمت می‌کرد. با آغاز انقلاب جمهوری اسلامی، خانواده رامین ابتدا به ایتالیا و سپس به کانادا مهاجرت کردند.

او در همان دوران نوجوانی عاشق اجرا، بازیگری و تئاتر شد. رامین دوران نوجوانی‌اش را در منطقه ریچموند هیل تورنتو گذراند و در دبیرستان «الکساندر مکنزی» به ادامه تحصیل پرداخت.

رامین در دوران جوانی به بریتانیا مهاجرت کرد. او در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ برای اولین بار در صحنه‌های تئاتر انگلیس حضور پیدا کرد و در نمایش پانتومیم داستان علاءالدین و در نمایش دزدان دریایی حضور

عارف محمدی،  
نویسنده سینمایی



## در جستجوی جنسی دیگر از زندگی

**نام فیلم:** غروب Sundown  
**کارگردان:** میشل فرانکو  
**فیلمنامه:** میشل فرانکو  
**بازیگران:** تیم راث، شارلوت گینزبورگ، لازوآ لاریوس...  
**محصول:** مکزیک، فرانسه، سوئد ۲۰۲۱

نیل و خواهرش آلیس به همراه دو خواهرزاده که خانواده ثروتمندی در انگلستان هستند، از لندن به ویلایی لوکس در شهر ساحلی آکاپولکو در مکزیک می‌روند. آن‌ها روزها را با شناکردن و استراحت در ساحل و خوردن غذا و تفریحات گوناگون به شب می‌رسانند و خوشحال به نظر می‌رسند تا اینکه از طریق یک تماس تلفنی به آلیس خبر داده می‌شود که مادرش فوت کرده است. خانواده تصمیم به بازگشت می‌گیرند تا در مراسم خاک‌سپاری شرکت کنند. هنگامی که پاسپورت‌ها را برای تشریفات پرواز تحویل در فرودگاه تحویل می‌دهند، نیل به خانواده خبر می‌دهد که پاسپورتش گم شده و قرار می‌شود که به سفارت انگلستان رفته و با حل این مشکل در لندن به آن‌ها ملحق شود. اما وقتی از فرودگاه به شهر بازمی‌گردد تصمیم غیرمنتظره‌ای می‌گیرد...

خاک‌سپاری عزیزترین فرد زندگی یعنی مادرش شرکت نکند. در این جا حالتی شبیه یک اندیشه نهیلیستی و پوچ‌گرا در رفتارهای نیل به ذهن متبادر می‌شود. آیا او از زندگی تجملی طبقه خودش بیزار شده و می‌خواهد یک تجربه متفاوت داشته باشد. نیل روزها را با رفتن به رستوران‌های ارزان‌قیمت و با آبجوخوری در ساحل دریا می‌گذراند و در همین حین با دختری محلی به نام برنیس آشنا می‌شود و خیلی زود به او دل می‌بندد. خواهرش آلیس مرتب به او زنگ می‌زند و از وضع پاسپورت او می‌پرسد و نیل هر دفعه می‌گوید که هنوز خبری نشده است. تکرار این جواب‌های مشکوک باعث نگرانی آلیس می‌شود و باعث می‌شود که او تصمیمی غیرمنتظره بگیرد. نیل بیرون از آن ویلای لوکس و در چند روزی

مردی با صورتی بی‌احساس و بسیار خونسرد طوری که گویی هیچ‌چیز در زندگی برایش اهمیت ندارد جز خودش و حال و احوال شخصی خودش. نقطه اوج داستان زمانی آغاز می‌شود که نیل به‌دروغ می‌گوید پاسپورتش گم شده و به خانواده قول می‌دهد هر چه زودتر برای خاک‌سپاری مادرش در شهر لندن به آن‌ها ملحق شود. اما وقتی با تاکسی به مقصد شهر حرکت می‌کند از راننده می‌خواهد تا او را به یک متل ارزان‌قیمت ببرد. از همین جا سؤالی در ذهن بیننده مطرح می‌شود و آن اینکه چرا مرد ثروتمندی که از صاحبان تجارت خانوادگی تولید گوشت در لندن است بعد از صرف چند روز در آن ویلای لوکس ساحلی تصمیم می‌گیرد به یک متل ارزان‌قیمت و نه‌چندان امن برود. چرا تصمیم می‌گیرد که در

فیلم غروب یا با نام کامل‌تر (غروب آفتاب) تلفیقی از یک درام روان‌شناسانه و داستان معمایی و تا حدودی فلسفی است. یکی از ابهامات داستان درست از همان شروع فیلم مطرح می‌شود و تا حدود بیست دقیقه اول فیلم رابطه خانواده طبیعتاً با فرض یک زن و شوهر و دو فرزند در چشم تماشاگر به تصویر کشیده می‌شود اما بعد معلوم می‌شود که نیل و آلیس خواهر و برادر هستند و نه زن و شوهر. بازهم هنوز روشن نیست این دو نوجوان دختر و پسر بچه‌های آلیس هستند یا نیل و اصلاً آیا نیل متأهل است؟ قبلاً ازدواج کرده و حالا جدا شده؟ هیچ‌چیز در باره نیل در فیلمنامه به‌روشنی اشاره نشده است. اما آنچه مسلم است فیلم از نیمه به بعد قرار است به رفتارها و طرز تفکر نیل به‌عنوان شخصیت اصلی داستان بپردازد.



میشل فرانکو، کارگردان



جشنواره کن شد و در محافل سینمایی بیشتر درخشید. تم فیلم‌های او بیشتر اختلال در ساختار خانواده به‌ویژه در طبقات مرفه مکزیک است. در سال ۲۰۲۰ فیلم دیگر او با نام New Order با اعتراض شدید در مکزیک روبرو شد و او را متهم به نژادپرستی علیه طبقه فرودست جامعه کردند که میشل مجبور شد در رسانه‌ها عذرخواهی کند. Through the Eyes (۲۰۱۳)، Chronic (۲۰۱۵)، April's Daughter (۲۰۱۷) از دیگر آثار این فیلم‌ساز هستند.

اگرچه فیلم‌های او عموماً در مکزیک از سوی مردم و منتقدان با استقبال خوبی روبرو نمی‌شود اما فستیوال‌هایی چون کن، ونیز و شیکاگو طرفدار کارهای او هستند.

که در میان مردم محلی در آن شهر کوچک نسبتاً فقیر به سر می‌کند با حقایق و واقعیت‌های متفاوتی از این شهر و مردم مواجه می‌شود. اما گویی در چهره سرد و بی‌روح او هیچ‌چیز تأثیر ندارد. اما آنچه مدام در ذهن یک بیننده اهل تفکر و به‌نوعی با دیدگاه فلسفی در حال کنکاش است چرایی رفتارهای نیل به‌عنوان مردی از یک طبقه ثروتمند است که در طول داستان با توجه به اتفاقاتی که رخ می‌دهد (شرح آن باعث لو دادن فیلم می‌شود) به ثروت و دلبستگی‌های خانواده و شهرش پشت می‌کند و به‌هیچ‌وجه قصد بازگشت ندارد تا اینکه تقریباً در اواخر فیلم با یک حادثه متوجه یک راز مهم در زندگی او می‌شویم و برملا شدن این راز می‌تواند تا حدودی به برخی ابهامات و پرسش‌ها پاسخ دهد.

همین ابهامات و معماها باعث شده که این فیلم تماشاگر را تا آخر قصه با خود همراه کند. اگرچه نوع روایت و ساختار فیلم ممکن است بسیاری از تماشاگرانی که به روایت‌های سراسرت و با ریتم تند علاقه‌مند هستند را خسته کند.

اما بی‌شک روان‌شناسی شخصیتی چون نیل می‌تواند جذابیت‌های زیادی برای درک رفتارها و اندیشه‌های چنین افرادی در پیرامون ما داشته باشد. رفتارهایی از نوع رهایی از عادت دیرینه و دلبستگی‌های عاطفی و فرار از تکرار و روزمرگی زندگی ماشینی و پناه بردن به یک رابطه دلخواه عشقی اگرچه کوتاه‌مدت و انتخاب یک زندگی عادی از جنس آنچه تا حال زندگی نکرده‌ای و در باقیمانده عمرت قصد تجربه گونه‌ای دیگر از آن را داشته باشی.

## در باره کارگردان

میشل فرانکو متولد اگوست ۱۹۷۹ در مکزیکوسیتی پایتخت مکزیک است. پس از پایان تحصیلات در رشته ارتباطات شروع به ساخت فیلم کوتاه کرد. در سال ۲۰۰۳ فیلم کوتاهی از او با نام Between Dos توانست در جشنواره درسدن آلمان جایزه بهترین فیلم را کسب کند. هم‌زمان میشل تهیه‌کنندگی و ساخت فیلم‌های تجاری و موزیک ویدئو را نیز در کمپانی فیلمسازی خود آغاز کرد.

اولین فیلم بلند او با نام؛ دانیل و آنا؛ در سال ۲۰۰۹ در فستیوال‌های متعددی شرکت کرد و در کشورهای مکزیک، اسپانیا، فرانسه و آمریکا به نمایش درآمد. این فیلم از سوی منتقدان و تماشاگران با استقبال روبرو شد. در سال ۲۰۱۲ با فیلم After Lucia موفق به کسب جایزه ویژه



خالد بایزیدی (دلیر)



## چامک‌هایی از خالد بایزیدی

۱

کدام هیزباد  
گل گلفامات را پرپر کرد  
و باغچه را  
منتظر گذاشت

۲

زیر خط فقر  
نان کیمیاست  
دندان طلا را

۳

خشک پروانه‌ها  
لای کتاب‌هامان و  
کوتاه عمرشان  
بی‌رحمانه بر زبان جاری‌ست

۴

سال‌های زمهریر  
آفتابی نمی‌شود  
روزنه مه‌ری  
بر زرادخانه تنهایی‌ام

۵

بهارا!  
رنگاش به زردی گرائید  
گاه که دید:  
پروبال گنجشکی را  
بسته‌اند  
دیگر نمی‌دانند:  
پرواز در ذهن است  
نه در پروبال

۶

کوه  
کلاه بر می‌دارد  
بر بارانی از سنگ  
که قهقهه‌وار  
می‌خندد

۷

آن سوی پنجره  
دست تکان می‌دهد  
عاشقانه  
چامکی می‌سرایم  
به کوتاهی پلک‌زدنی

۸

کودک درونم  
بی‌میل است  
بزرگ شدن را  
آسمان زندگی‌اش  
پر از بادبادک

۹

کسی به ما نگفت  
زندگی کوتاه است  
و ما این همه سال  
پروانگی عمر را  
به باد سپردیم  
و درین آسیاب  
سیاه آمدیم و  
سفید در آمدیم

۱۰

دیروز!  
هیچ به جا نیوردم  
آئینه را  
در فراقات  
چقدر مو سفید کرده بود

۱۱

پیری‌ات را  
بیشتر دوست دارم  
قدم زنان  
جوانی‌ام را سرکشیده‌ای

۱۲

افطار بیا  
بوسه نوبرانه را  
تشنه‌ام

۱۳

گیرم پرنده‌ای را  
به بند کشیدید  
با پرندگان دیگر  
چکار می‌کنید

۱۴

کویر  
نمک در کفش باران ریخت  
رفت و به این دیار  
نیامد



## فروشگاه دانیکا افتتاح شد

انواع آجیل و محصولات ایرانی، برنج، کنسرو، سبزیجات خشک  
انواع چای و دمنوش ایرانی



با قهوه و شیرینی  
مهمان ما باشید

5571 Boul. de la Verendrye Montreal, QC H4E 3R6



**Sahar Samadaei**  
Courtier immobilier résidentiel

Cell: 514.625.2525  
sahar.samadaei@gmail.com

**سحر صمدایی**  
مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندسی فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اختتام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک در آمریکا

L'AGENCE IMMOBILIERE INC. Real Estate Agency  
550 - 1 Pl. du Commerce, Ile-des-Soeurs, Québec H3E 1A1



**Mojgan Rajabi**  
Senior financial security adviser

**مزگان رجبی**  
مشاور و مدرس بیمه  
طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا

- بیمه عمر Life insurance
- بیمه وام مسکن Mortgage insurance
- انواع بیمه های مسافرتی Travel insurance (دانشجویی-ویزیتوری-سوپرویزا)
- حساب پس انداز بازنشستگی - RRSP
- حساب تحصیلی فرزندان RESP
- حساب معاف از مالیات TFSA
- بیمه از کار افتادگی Disability insurance
- بیمه بیماریهای خاص Critical illnesses
- تدریس و آماده سازی برای لایسنس بیمه

بیمه همیشه ضامن آرامش است.

[bimeh.ca](https://www.bimeh.ca)  
[bimeh.ca](https://www.bimeh.ca)  
 514-296-7306  
[bimeh.ca@gmail.com](mailto:bimeh.ca@gmail.com)



وکیل رسمی دادگستری کبک  
Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



نیوشا ریاحی  
WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما  
در مرکز شهر مونترال

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

امیر ندیمی

Amir Nadimi  
مشاور بیمه  
Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های  
متعددی برای مشتریان خود برگزیند



Commercial Insurance  
Dwelling Insurance (Buildings, home, condo, apt)  
Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc.



514 - 600 - 2338

www.AmirNadimi.com

@AssurancesNadimi

1955 Ch. de la Côte-de-Liesse,  
suite 201

Saint-Laurent, QC, H4N 3A8



نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹  
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

Ottawa Persian Radio  
Namaashoum

Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001  
www.PersianRadio.net

رادپونماشوم

اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری همکاران تازه است

www.PersianRadio.net

https://t.me/ottawaradio

@namaashoum\_radio

حمید شورکایی  
مترجم رسمی  
(OTTIAQ)

عضو رسمی کانون مترجمان کبک

- مترجم رسمی دادگستری مونترال
- ترجمه رسمی تمامی اسناد و مدارک در اسرع وقت
- تایید ترجمه های انجام گرفته در ایران

Cell: (438)8764822

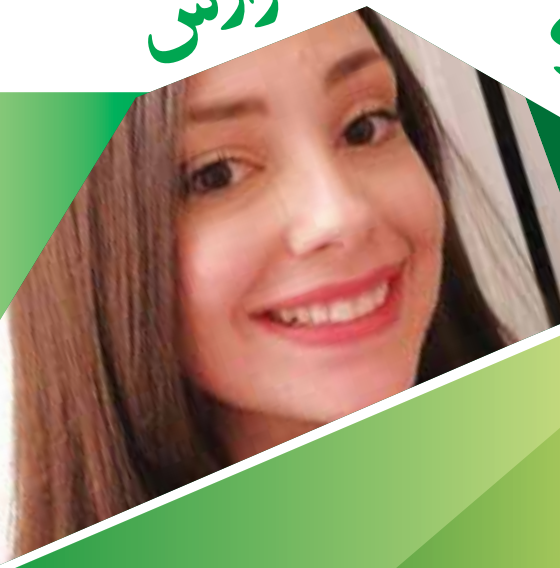
bikasshourkaei@gmail.com

7400, Rue Sherbrooke Ouest, # 1102, Montréal, QC H4B1R8

گزارش

ویژه

گفتوگویی





## گفت‌وگو با جسیکا جیونتا، از همکاران شورای مدیریت مدارس یورک «مربی راهنما»ی اختصاصی و رایگان برای تازه‌مهاجران

یک کشور تازه هستند. آیا «مربی راهنما» می‌تواند فرد مناسبی برای پیدا کردن یک

راه درست برای این گروه هم باشد؟ زمانی که مهاجرها به برنامه‌های آموزش بزرگسالان ما در YRDSB وصل می‌شوند؛ یک «مربی راهنما» در تمام طول سال در تماس با آن‌هاست تا در رفع نیازهای فردی‌شان به آن‌ها کمک کند. من به‌عنوان یکی از این افراد؛ مهم‌ترین کارم گوش دادن به شما و شنیدن داستانتان است تا بتوانیم با هم یک برنامه‌ریزی آموزشی اختصاصی داشته باشیم.

در این جلسه‌ها با در نظر گرفتن سوابق و تجربیات افراد؛ درباره مرحله‌های پیش رو برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت گفت‌وگو می‌کنیم و از خلال این بحث‌ها به یک سری توصیه و پیشنهاد می‌رسیم. پس از جلسه هم من یک نسخه از برنامه‌ای که به آن رسیده‌ایم را از طریق ایمیل در اختیار زبان‌آموز قرار می‌دهم تا بتواند مراحل و توصیه‌ها را در خانه و هر زمانی که خواست دنبال کند.

بسیاری از ایرانیانی که در حال حاضر مشغول به کار و یا شرکت در کلاس‌های ESL هستند می‌خواهند در کانادا ادامه تحصیل دهند اما دو مشکل هم دارند. یکی اینکه دانشگاه‌ها و رشته‌های تحصیلی را نمی‌شناسند و دیگر اینکه نمی‌دانند چگونه از کمک‌های دولتی استفاده کنند. در این زمینه چگونه می‌توانید به آن‌ها کمک کنید؟

این سؤال عالی است. همان‌طور که قبلاً هم گفتیم،

(تحصیلی و کاری) کسب کنند.

به این ترتیب بیشتر دانش‌آموزان شما را به‌عنوان یک راهنما می‌شناسند، نه یک معلم زبان انگلیسی.

باعث خوشحالی من است اگر این‌طور باشد که می‌گویید.

اما من می‌خواهم دقیق‌تر بدانم که «مربی راهنما» دقیقاً چطور به مهاجران و تازه‌واردان کمک کند؟

من برای زبان‌آموزی که به من مراجعه می‌کند یک برنامه‌ی فردی براساس هدفی که آن فرد دارد، طراحی می‌کنم. مثلاً به آن‌ها پیشنهاد می‌دهم که کدام دوره‌های YRDSB را بگذرانند تا بتوانند زبان انگلیسی خود را با هدف ارتباط با جامعه کانادا تقویت کنند. یا به کسانی که به دنبال برنامه‌ریزی شغلی هستند؛ منابعی در این زمینه را معرفی کنم. باز هم مثال بخواهم بزنم؛ دوره‌های مهارت‌های پایه را به کسانی پیشنهاد می‌دهم که به دنبال پیشرفت تحصیلی و کسب مهارت‌های اساسی کامپیوتری هستند. همچنین می‌توانم شاگردان را به کسانی وصل کنم تا در پیدا کردن شغل به آن‌ها کمک کنند یا همراهی‌شان کنند تا در زمینه تجربه و تخصص خود کاری پیدا کنند.

تا جایی که من می‌دانم بسیاری از ایرانیان مهاجر در کانادا به دنبال راه‌هایی برای تطبیق زندگی خود با شرایط جدید در

مهاجران تازه‌وارد به کانادا برای توسعه مهارت‌های ارتباطی در زندگی روزمره، به دست آوردن یک شغل مناسب و پیدا کردن دانشگاه و کالج برای ادامه تحصیل همیشه با چالش‌های زیادی روبرو بوده‌اند که غالباً ما به‌نوعی با آن روبرو بوده‌ایم. شورای مدیریت مدارس منطقه یورک یا همان York Region District School Board در راستای کمک به حال این مشکلات و چالش‌ها برنامه‌های متنوعی دارد که کلاس‌های کاربردی برای تازه‌واردان بزرگسال و حتی توریست‌ها بخشی از آن هستند. این شورا با برنامه‌های خود کمک می‌کند تا تازه‌واردان دوره آغازین زندگی در محیط جدید را با خطای کمتر و در زمان کوتاه‌تری طی کنند. این شورا علاوه بر کلاس‌های آموزشی و مهارتی، پوزیشنی به نام «مربی راهنما» Pathways Coach را طراحی کرده است که با یک برنامه‌ریزی مطابق با شرایط هر فرد به او کمک می‌کند تا به اهدافش برسد. در ادامه مصاحبه‌ای با جسیکا جیونتا - Jessica Giunta - مدرس زبان انگلیسی و «مربی راهنما» Pathways Coach در شورای مدارس منطقه یورک انجام داده‌ایم که آن را در اینجا می‌خوانید.

جسیکا جیونتا گرامی لطفاً درباره کاری که انجام می‌دهی و نگاهی که به آن داری برایمان توضیح می‌دهی!

من به‌عنوان یک «مربی راهنما» Pathways Coach به تازه‌واردان منطقه یورک کمک می‌کنم تا در مورد برنامه‌هایی اطلاعات کسب کنند که با استفاده از آن‌ها می‌توانند دانش و اعتمادبه‌نفس لازم را برای موفقیت

وقتی که زبان آموزی به من مراجعه می‌کند، می‌توانیم با هم به یک طرح آموزش محور برسیم که در آن توصیه‌هایی در مورد چگونگی ادامه تحصیل در کانادا ارائه شده است. اما به طور ویژه برای هدف گذاری‌های آموزشی، قبل از ورود به کالج یا دانشگاه، برنامه‌های فوق العاده‌ای را که از طریق YRDSB ارائه می‌شود؛ به شما پیشنهاد می‌کنیم مانند؛ کلاس‌های Eng- ESL (English as a second or foreign language)، همچنین کلاس‌های آیلتس/تافل را از دوشنبه تا جمعه، ساعت ۴ تا ۷ بعدازظهر داریم تا به زبان آموزان برای شرکت در آزمون بین‌المللی زبان انگلیسی / IELTS و آزمون زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی / TOFEL کمک کنیم. هدف این است که هم استراتژی‌های مؤثری برای موفقیت در امتحان را به دست بیاورند و هم دایره لغات دانشگاهی و مهارت‌های ارتباطی خود را گسترش دهند.

ما در شورای مدیریت مدارس منطقه یورک برنامه‌ای تحت عنوان سواد و مهارت‌های پایه / LBS برای تازه‌واردان و شهروندان کانادایی داریم که در حال آماده‌شدن برای دوره تحصیلی پس از متوسطه و گرفتن GED و یا کسب مهارت‌های کامپیوتری هستند. این برنامه‌ها تکمیل‌کننده موفقیت آن‌ها در کالج‌های کانادایی است. علاوه بر این یک برنامه Adult Day School برای تازه‌واردانی داریم که می‌خواهند مهارت‌های انگلیسی خود را توسعه دهند و برای این هدف نیاز به آموزش یا آموزش بیشتر دارند و یا می‌خواهند دیپلم دبیرستان انتاریو OSSD را بگیرند. شورای مدیریت مدارس منطقه یورک حتی یک برنامه ارزیابی و تشخیص یادگیری اولیه (PLAR) برای دانش و مهارت‌هایی مانند آموزش بین‌المللی، آموزش‌های اولیه، کار داوطلبانه و... دارند که شامل ۲۶ دوره اضافه بر برنامه می‌شود.

برنامه پنج‌ماهه تئوری دیگری که YRDSB برای بزرگسالان دارد، به زبان آموزان این امکان را می‌دهد تا گواهینامه PSW را بگیرند و همچنین برای پذیرفته شدن) در حداکثر ۷ مدرسه متوسطه انتاریو امتیاز بگیرند. در حال حاضر، این برنامه رایگان است و شامل یک قرارداد مشارکتی PSW (کارگر حمایت شخصی؛ فردی که نقشی حیاتی در مراقبت‌های بهداشتی ایفا می‌کند) است. این برنامه برای کسانی که در زمینه پزشکی تجربه دارند و همچنین علاقه‌مند به کمک به دیگران هستند؛ یک گزینه عالی به حساب می‌آید. من همچنین می‌توانم منابع و اطلاعاتی را در مورد نحوه جستجوی برنامه‌های شورای مدیریت مدارس (YRDSB) با شما در میان بگذارم. همچنین می‌توانم الزامات تحصیلی موردنیاز را قبل از اینکه درخواست

بدهید بررسی کنم. علاوه بر این اطلاعاتی در مورد چگونگی ارزیابی تجربه‌تان توسط خدمات آموزش جهانی / WES را به شما ارائه دهم. کسب اطلاعات درباره کمک‌های دولتی مثل OSAP (برنامه کمک دانشجویی انتاریو) بخش دیگری از خدمات ماست. من از وام و بورسی صحبت می‌کنم که دانشجویان همزمان با ورود به کالج یا دانشگاه می‌توانند برای دریافت آنها تقاضا بدهند.

### آیا مرکز شما به توریست‌ها هم خدمات ارایه می‌کند؟

بله. توریست‌ها می‌توانند با پرداخت ۱۰ دلار در روز در هر کلاسی که می‌خواند ثبت نام کنند.

### به‌عنوان یک «مربی راهنما»، افراد را چگونه راهنمایی می‌کنید و تا چه حد با آن‌ها پیش می‌روید؟

من می‌توانم شاگردانم را از نظر آموزشی و برنامه‌ریزی تحصیلی راهنمایی کنم؛ ابزارها و منابعی را با آن‌ها به اشتراک بگذارم که بتواند آن‌ها را در راستای اهداف شخصی، حرفه‌ای و آکادمیکشان پشتیبانی کند. در جلساتی که از طریق زوم، تلفن یا ایمیل باهم داریم؛ پیشرفت‌شان را دنبال و قرارهای بعدی را با همدیگر می‌گذاریم و مطمئن می‌شویم که در مسیر درستی هستند. هر زمان که سؤالی داشته باشند می‌توانند به من ایمیل بزنند تا با همدیگر قرار بگذاریم و این قرارها فرقی نمی‌کند؛ صبح، بعد از ظهر یا شب باشد، چون با برنامه آن‌ها تنظیم می‌شود.

### این خدمات رایگان است؟

بله خدماتی که از طریق برنامه آموزش بزرگسالان YRDSB ارائه می‌شود رایگان هستند.

### چه کسانی واجد شرایط دریافت این خدمات هستند؟

اگر شما کسی هستید که در کلاس‌های مختلف ما، مانند برنامه ESL، LINC، مهارت‌های پایه، مدرسه روزانه بزرگسالان یا برنامه PSW شرکت می‌کنید، یک «مربی راهنما» خواهید داشت که به شما در طرح‌ریزی یک برنامه شخصی کمک می‌کند. این را هم بگویم که ما با شورای مدیریت مدارس درباره برنامه‌های آموزش بزرگسالان کار می‌کنیم تا بتوانیم شما را به سمت برنامه‌ها و خدمات مناسب در جامعه راهنمایی کنیم.

### آیا جسیکا خودش هم یک مهاجر است؟

من مهاجر نیستم اما پدر بزرگ و مادر بزرگ من از

کسانی بودند که به کانادا مهاجرت کرده بودند. آن‌ها بسیار سخت تلاش کردند تا با چندین شغل، زندگی خانواده‌شان را بگذرانند. آن‌ها هرگز در کلاس‌های ESL شرکت نکردند و همین موضوع ارتباطشان را در جامعه محدود می‌کرد، من قدر دان برنامه‌های آموزش بزرگسالان هستم که فرصت‌های زیادی را برای دانش آموزان بزرگسال فراهم می‌کند تا مهارت‌های خود را برای یافتن شغل یا تحصیلات عالی ارتقا دهند، ارائه برنامه‌ای مانند «مربی راهنما» برای دانش آموزان تازه‌وارد به کانادا و دریافت حمایت، ما را هیجان‌زده می‌کند. بسیاری از کسانی که به کانادا آمدند و نیاز به آموزش داشتند- از جمله پدر بزرگ و مادر بزرگ من- نمی‌دانستند چه منابع و فرصت‌هایی در دسترس آن‌هاست اما این برنامه منحصربه‌فرد به من اجازه می‌دهد تا به‌عنوان یک «مربی راهنما» مانند پلی بین افراد تازه‌وارد در جامعه با برنامه‌ها، پشتیبانی‌ها و منابع موجود برای آن‌ها در کانادا باشم تا در خانه جدید خود، مهارت‌هایی را برای موفقیت به دست آورند.

### کسی هم در مسیری که طی کرده‌اید برای شما نقش یک «مربی راهنما» و یا الگو را داشته است؟

باید بگویم بسیاری از افراد در زندگی من به‌عنوان «مربی راهنما» عمل می‌کردند. به یاد دارم که با یک مشاور شغلی در دانشگاه ملاقات کردم که منابع و اطلاعاتی را در اختیار من قرار داد تا بتوانم در جایگاهی باشم که امروز هستم؛ چون من اوایل می‌خواستم در سیستم K-12 معلم شوم. چندین بار هم درخواست دادم و به دلیل نداشتن تجربه موردنیاز در آن گروه سنی رد شدم. بنابراین من هم در یافتن مسیر مناسب، مشکل داشتم. اما با توجه به سوابق تحصیلی و تجربه‌ام از من پرسیدند که «آیا تابه‌حال به آموزش بزرگسالان و آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم به تازه‌واردان فکر کرده‌ام؟!». آن زمان بود که این فرصت به نظرم بسیار شگفت‌انگیز و عالی آمد، چون می‌توانستم به جامعه خودم بازگردانم و به کسانی مانند پدر بزرگ و مادر بزرگم که برای زندگی بهتر به کانادا آمده بودند، آموزش دهم.

یادم می‌آید که به خانه رفتم و برای این کار درخواست دادم و روز بعد هم پذیرفته شدم؛ اتفاق‌های بعد از آن هم که مشخص است! من اکنون جایی هستم که اگر مشاور شغلی دانشگاه درباره آن اطلاعاتی به من نداده بود، نمی‌توانستم باشم و با شما مصاحبه کنم. به نظر من پیوستن به این برنامه‌ها و مدارس، فرصت‌هایی را چه در داخل کلاس و چه خارج آن برای تازه‌واردان در دستیابی به اهداف و یادگیری زبان انگلیسی فراهم

## پگاه شریفی



## نرگس اسکندری، پناهنده ایرانی در آلمان اولین شهردار زن کلان شهر فرانکفورت شد

وجود داشته و تا به امروز کسی به عنوان یک خارجی آن را به دست نیاورده است. نرگس همچنین فرزند فیلمسازی به نام مریم زارعی دارد که فیلمی درباره زندگی پرفراز و نشیبشان ساخته است.

**درباره زندگی او از زبان خودش و با ارجاع به بخشی از مصاحبه رادیویی او با بی بی سی می خوانید:**

«من به اتهام پخش اعلامیه در دوران دانش آموزی بازداشت شدم. در آن دوران در گروه پیش گام مدرسه با گروه چپی سازمان فداییان خلق آشنا شدم و به فعالیت های سیاسی پرداختم. وقتی مرا دستگیر کردند، مدارکی مبنی بر اینکه من را به زندان منتقل کنند، وجود نداشت. تنها ۱۷- ۱۸ سال داشتم و دادگاه فرمالیته ای برای

**درباره نرگس اسکندری**

دکتر نرگس اسکندری گرونیبرگ، شهردار فرانکفورت و اولین زن ایرانی است که به عنوان شهردار فرانکفورت در آلمان انتخاب شده است. او سال ۱۹۸۵ پس از تحمل زندان در ایران به آلمان مهاجرت کرد و از همان زمان در شهر فرانکفورت سکونت دارد. او در حین گذراندن سختی های پناهندگی در آلمان توانسته در رشته روان شناسی ادامه تحصیل دهد و سال ها نیز در مطبش به بسیاری از زندانی ها که با مشکلات و معضلات روانی در زندان مواجه شده بودند، کمک کند. اسکندری اینکه جایگاه شهردار به یک زن خارجی داده شده را بسیار پراهمیت می داند، چراکه وقتی در آلمان به عنوان شهردار انتخاب می شوند، گردنبنند شهردار به آن ها داده می شود. گردنبنندی که از سی و اندی سال پیش

می آورد و همچنین شکاف های موجود در کسب اعتبار های پیش رو در تحصیل و کار را پر می کند.

**شما با مردم و دانشجویان ایرانی هم روبرو شده اید. نظر شما در مورد آن ها چیست؟**

باعث افتخار من بوده است که از طریق برنامه آموزش بزرگسالان با افراد و فرهنگ های مختلف از سراسر جهان آشنا شوم. جمعیت ایرانی که در کلاس های ما شرکت می کنند؛ بسیار پر جنب و جوش، با انگیزه و سخت کوش هستند!

**تا حالا به شما غذاهای ایرانی را هم پیشنهاد داده اند؟**

من واقعاً از امتحان کردن غذاهای فرهنگ های مختلف لذت می برم، بسیاری از غذاهای ایرانی مانند کباب را دوست دارم و با قلوای ایرانی یکی از دسر های مورد علاقه من است. من از این پیشنهادهای ممنون و عاشق همه آن ها هستم.

**جسیکا رسیدیم به آخرین سؤال! فرض کنید این مصاحبه را به عنوان یک ایرانی خوانده ام و می خواهم از شما کمک بگیرم. راهش چیست؟**

من در هیئت مدرسه منطقه یورک هستم. خوشحالم که می توانم به بزرگسالانی کمک کنم که می خواهند مهارت های زبانی شان در صحبت کردن، شنیدن، خواندن و نوشتن را برای زندگی روزمره در کانادا با برنامه هایی مانند کلاس های انگلیسی به عنوان زبان دوم (ESL) و برنامه های آموزش زبان تازه واردان به کانادا (LINC) توسعه دهند. همچنین کلاس های تخصصی شهروندی، آیلتس/تافل و مکالمه را ارائه می دهیم که هم به صورت حضوری و هم آنلاین در روزهای هفته، عصرها و شنبه ها برگزار می شود.

**جسیکا جیونتا گرامی از شما سپاسگزاریم.**

**راه های تماس با**

**بخش خدمات تازه واردان**

**شورای مدیریت مدارس منطقه یورک**

Email: [uplands@yrdsb.ca](mailto:uplands@yrdsb.ca)

Tel: 905-731-9557

بازداشتم برگزار شد. وحشتناک‌ترین دوران زندگی من، یک سال و نیمی بود که در زندان سپری کردم چون من باردار بودم. وقتی دخترم به دنیا آمد، به طور مداوم بیمار می‌شد برای همین او را به خانواده سپردم. حدود ۳ تا ۴ ماه بعد به صورت تعلیقی آزاد شدم. در یک سال و نیمی که در زندان بودم به این فکر می‌کردم که بعد از آزادی ادامه تحصیل دهم.

### ادامه تحصیل در رشته روان‌شناسی

من از دوران دبیرستان و قبل از زندانی شدنم، علاقه بسیاری به رشته روان‌شناسی و روحیات و روابط انسان‌ها داشتم. در حین گذراندن سختی‌های پناهندگی در آلمان توانستم در رشته روان‌شناسی هم ادامه تحصیل دهم. سال‌های سال نیز در مطب کار کردم و به بسیاری از زندانی‌ها که با مشکلات و معضلات روانی در زندان مواجه شده بودند، کمک کردم. البته این زندانیان فقط ایرانی نبودند، تعدادی از آن‌ها از ارمنستان می‌آمدند و ایرانی بودند و برخی از آن‌ها اهل ترکیه و آمریکای جنوبی بودند. به‌دوراز علاقه‌مندی‌ام به کمک به انسان‌ها، شغل من به‌عنوان روانپزشک ایجاب می‌کرد که به انسان‌ها کمک کنم.

### مهاجرت به تنهایی با یک دختر دو ساله

همسرم حدود ۷ سال بعد از من در زندان بود و مجبور شدم به تنهایی همراه با دختر دو ساله‌ام مهاجرت کنم. در سی و چند سال قبل، شرایط پناهنده‌ها در آلمان بسیار دشوار بود. من در روستای کوچکی در شمال «هسن» زندگی می‌کردم. آنجا سرمای بسیار سختی داشت و ما حدود نیم ساعت تا ۴۵ دقیقه باید پیاده می‌رفتیم تا به یک سوپرمارکت برسیم. حتی امکان اینکه کلاس زبان برویم، خانه اجاره یا کار کنیم را نداشتیم. من در کمپ‌های پناهندگی زبان آلمانی را از روی کتاب آموختم و بعد از ۸ ماه با یاد گرفتن زبان آلمانی در آپارتمان زیرزمینی‌مان، توانستم در ۵ رشته که لازمه ورود به دانشگاه بود، شرکت کنم. قبل از تأیید پناهندگی‌ام هم در دانشگاه پذیرش شدم.

### قبل از انقلاب برای دموکراسی و انسانیت تلاش می‌کردیم

ما در زمان دانش‌آموزی در ایران این تصور را نداشتیم که این گروه چپی یا آن گروه راستی

است، بلکه برای جهان بهتر، دموکراسی، آزادی و انسانیت تلاش می‌کردیم. این دلیلی بود که من به‌عنوان دانش‌آموز فعالیت‌های سیاسی خودم را آغاز کردم. زمانی که به آلمان آمدم، تصمیم نداشتیم فعالیت‌های سیاسی کنم و تمام تلاشم بر این بود که درس بخوانم. در دوران دانشجویی نیز به‌عنوان دانشجوی برتر سال انتخاب شدم.

### فرانکفورت؛ شهر من

بعد از فارغ‌التحصیلی نیز فرانکفورت به شهر من تبدیل شد و فعالیت‌های پارلمانی در آلمان را از آن زمان شروع کردم و اولین حزبی که به دلیل حفظ محیط زیست و حفظ حقوق پناهنده‌ها به روحیات من نزدیک‌تر بود، حزب سبزها بود و به سمت این حزب، گرایش سیاسی پیدا کردم چرا که هدف آن‌ها برقراری حقوق مساوی بشریت بود. از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ در فرانکفورت معاون پارلمانی بودم و بعد در سال ۲۰۱۶ مسئول اداره ادغام فرهنگ درونی آلمانی‌ها و غیر آلمانی‌ها بودم. به این معنا که اعضای دولت شهر هر کدام مسئولیت ویژه‌ای دارند و امور پناهندگان، درگیری‌های شهری، مسالمت‌های بین‌شهری، ایجاد شورای مذهب، ایجاد صلح بین گروه‌ها و... از جمله این وظایف بود. همان‌طور که می‌دانید در فرانکفورت ۱۸۰ ملیت و کشور زندگی می‌کنند.

بابت کارهای سیاسی مبلغی دریافت نکردم من همیشه سعی کردم برای مردم خدمت کنم و در کنار فعالیت سیاسی، درآمد را از مطب به دست آوردم و بابت تمام کارهای سیاسی‌ام مبلغی دریافت نکردم. در انتخابات شورایی تعداد زیادی از مردم من را انتخاب کردند و حدود ۵۰ رتبه بالا رفتم، قدردان مردم هستم. مقام از نظر من جایگاهی برای شهرت نیست، بلکه جایگاهی برای خدمت به مردم است.

حدود ۲۰ سال در فرانکفورت کار و تلاش کردم. اکثر مردم در آلمان یا کشورهای دیگر ترجیح می‌دهند شهردارشان یک زن ایرانی یا خارجی نباشد و این بسیار پراهمیت است که این جایگاه به یک زن خارجی داده شده است؛ بنابراین باید برای هویت خودمان بجنگیم. وقتی در آلمان به‌عنوان شهردار انتخاب می‌شویم، گردن‌بند شهردار به ما داده می‌شود. این گردن‌بند از سی و اندی سال وجود داشته و تا به امروز کسی به‌عنوان یک خارجی آن را به دست نیاورده است؛ بنابراین اینجا همیشه باید توانایی‌های خودمان را نشان

دهیم و خودمان را تثبیت کنیم.

### من اول شهردارم و بعد فعال حقوق زنان

من در درجه اول به‌عنوان شهردار فرانکفورت باید به حقوق شهروندان فرانکفورتی توجه بسیاری داشته باشم اما همیشه برای حقوق زنان تلاش کرده‌ام. طبیعتاً هر جایگاه محدودیت‌هایی دارد. با این حال باید ببینیم چه انتخابی داریم که تأثیرگذار باشیم. همان‌طور که می‌دانید حزب سبزها در دولت فدرال نقش دارد و وزیر امور خارجه نیز از حزب سبز است. متأسفانه در کشورهای اروپایی روابط بین‌المللی در درجه اول بر اساس معیارهای اقتصادی تعریف می‌شود اما به نظر من ما نمی‌توانیم روابط اقتصادی داشته باشیم و همزمان به حقوق بشر یا نقض حقوق بشر بی‌توجهی باشیم. اگر بخواهیم روابط اجتماعی و اقتصادی داشته باشیم باید ببینیم آیا حقوق بشر در این کشورها رعایت می‌شود یا خیر. حتی اگر امکان این تأثیرگذاری در آن کشورها محدود باشد، باید در حوزه شهری و کشوری و قاره‌ای تلاش کنیم و سکوت نکنیم.

### مهاجرت سخت‌ترین مرحله زندگی

مهاجرت یکی از سخت‌ترین مراحل است که یک انسان می‌تواند تجربه کند. انسان‌ها معمولاً داوطلبانه کشور خود را ترک نمی‌کنند و به کشور دیگری مهاجرت نمی‌کنند. معمولاً یک مهاجر با سایر شهروندان کشور میزبان در شرایط برابر قرار نمی‌گیرد. آلمان رسماً یک کشور مهاجرپذیر نیست اما طی این سال‌ها پیشرفت‌هایی داشته چراکه در سالی که من مهاجرت کردم، پناهنده‌ها نمی‌توانستند در دوره‌های زبان شرکت کنند و خانه‌ای اجاره کنند اما در حال حاضر چنین امکانی فراهم است و می‌توانند کار کنند اما با این حال برای پناهنده‌ها همچنان سختی‌هایی وجود دارد. در حال حاضر واقعیت این است که گرایش‌های حزب‌های دست راستی در آلمان افزایش یافته است و تمام تمرکزشان هجوم به شرایط پناهنده‌ها و خارجی‌هاست اما ما به‌عنوان نیروهای دموکرات و آزادی‌طلب نقش زیادی در این زمینه داریم و برای حقوق روزمرگی پناهندگان تلاش می‌کنیم. یک خارجی در آلمان به راحتی نمی‌تواند خانه‌ای رهن کند یا در شغل بهتری استخدام شود اما تلاش من این است تا جایی که ممکن است برای بهتر شدن این حقوق، تلاش کنم.

**BMO**  **Bank of Montreal**

**مهرداد مرادخانی**  
مشاور وام مسکن

با مناسب ترین نرخ بهره  
و  
در سریع ترین زمان ممکن  
در سرتاسر کانادا

**Top Performer  
of years  
2020 & 2021**

**514-834-8053**  
mehrdad.moradkhani@bmo.com



**ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.**

**انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری  
با توجه به انتخاب شما**

**(514) 225 3500**

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص  
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفنرداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس

Mojdeh Miri  
(514-562-3493)  
CPA Candidate

Iraj Mohammadi  
(514-625-6292)  
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.  
Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>  
[info@elanaccounting.ca](mailto:info@elanaccounting.ca)

**دفتر ترجمه فیروزه مسیحا**

عضو رسمی انجمن مترجمان کبک (OTTIAQ)  
عضو رسمی انجمن مترجمان اوینتاریو (ATIO)

ترجمه و تایید اسناد بدون نیاز به مراجعه حضوری



**10% promotion for new Year**

+1 438-920-9305  
Firoozehmasiha@yahoo.com





**دارالترجمه رسمی فرهنگ**

**BUREAU DE TRADUCTION FARHANG**  
**FARHANG TRANSLATION OFFICE**



☎ 001 514 691 4383 ✉ N.DAVOUDI@FARHANG.CA	2000, MCGILL COLLEGE 6 TH FLOOR, MONTRÉAL QUÉBEC, CANADA, H3A 3H3	شعبه کانادا
☎ +98 21 6642 1511 6694 8154 ✉ N.DAVOUDI@FARHANG.CA	تصویر: تکلیف شمالی، فعالیت بلوار کشاورز بخش کوچه گلشن پلاک ۵۷، طبقه ۲، واحد ۷	شعبه ایران

جامعه

اقتصاد

سیاست







## رسوایی در شهرداری ریچموند هیل

کند که نقش مدیر شهری او را بین دو نفر تقسیم کند که در صورت اجراء مقام او را تنزل می‌دادند.

بنا بر این دادخواست، پرلی بیش از یک بار خواستار فسخ قرارداد کارمندان شهرداری - از جمله مشاوره شهرداری، که مشاوره‌ی حقوقی و خدمات دعوی قضایی را به ریچموند هیل ارائه می‌کند - شد که دمپستر از انجامش خودداری کرد.

وکیل پرلی می‌گوید که این عضو شورای منطقه‌ای احساس می‌کند که در این دادخواست به ناحق مورد هدف خانم دمپستر قرار گرفته و او جزئیات قابل توجهی از رفتاری را که در دوره تصدی‌اش به عنوان مدیر شهری انجام داده نادیده گرفته است.

وی خاطرنشان کرده است که این قصورات باید در هر دفاعیه‌ای که شهرداری ارائه می‌دهد اقامه شوند.

دمپستر، که اکنون به عنوان مدیر ارشد اداری در کلارینگتون کار می‌کند، از اظهار نظر در این زمینه خودداری کرده است.

دمپستر، در دادخواستش، مدعی است که ریچموند هیل از تخلفات ادعایی آگاه بوده است، زیرا شکایت‌های رسمی علیه پرلی کرده و با اعضای شورا در این زمینه صحبت داشته و شکایتی نیز در زمینه‌ی آزار و اذیت در محل کار علیه پرلی آغاز کرده بوده است.

مدیر سابق شهرداری مدعی است که شهرداری در رسیدگی به شکایات او مبنی بر آزار و اذیت و قلدری شکست خورده و در پی آن از شهرداری به دادگاه مبنی بر اینکه شهرداری قانون ایمنی و بهداشت حرفه‌ای را نقض کرده شکایت کرده است.

وی همچنین به دنبال غرامتی حدود ۴۲۸ هزار دلار برای پایان دادن به کارش، خسارت معنوی به مبلغ ۲۵۰ هزار دلار برای ناراحتی و رنج روحی و روانی تحمیل شده و ۲۵۰ هزار دلار دیگر برای خسارات کیفری است.

تیل گفت که پرلی در موقعیتی نیست که دفاعیه دهد، زیرا دمپستر از او شکایت نکرده است.

این وکیل گفت: «از طرف موکلما، او قصد دارد به دفاع از مالیات‌دهندگان ادامه دهد و کارکنان و اعضای

او را وادار کرده که در مسائلی که انتظارش را نمی‌رفته درگیر شود و شهرداری توانسته محیط کاری امن و عاری از آزار و اذیت و ارعاب برایش فراهم کند.

طبق دادخواست، چند ماه پس از انتصاب دائمی دمپستر، قلدری و آزار ادعایی شروع شد و او مجبور شد به دلیل «بدرفتاری جدی» عضو شورای منطقه‌ای از مرخصی پزشکی استفاده کند.

در دادخواست ادعا شده که پرلی آشکارا دمپستر را با خاموش کردن دوربین او در حالی که در یک جلسه صحبت می‌کرد، با خطاب تحقیرآمیز و بدرفتاری نسبت به او و انتقاد از توانایی‌هایش در جلسات شورا، برکنارش کرده و در راستای تضعیف و تخریب شهرت او کوشیده است.

وکیل پرلی بیان کرده که شورای منطقه‌ای همیشه وظایف و تعهدات خود را به شیوه‌ای حرفه‌ای و مسئولانه انجام داده است تا اطمینان حاصل شود که کارکنان شهر در برابر مالیات‌دهندگان پاسخگو هستند. گفتنی است، دمپستر این سمت را نه تنها در اوج همه‌گیری کووید که در بحبوحه‌ی بی‌نظمی‌های شورای ریچموند هیل بر عهده گرفت.

نیز باید اشاره کرد که پرلی مدت کوتاهی از سمت خود به عنوان معاون شهردار، قبل از بازنشستگی شهردار سابق دیو بارو پس از مرخصی پزشکی طولانی‌مدت، کنار گذاشته شده بود.

در این میان، شهردار دیوید وست، که پس از انتخابات دور دوم ژانویه وارد عرصه شد، از اظهار نظر در مورد این شکایت خودداری کرد، اما اذعان کرد که این راز نیست و ما در این دوره‌ی شورای شهر زمان‌های چالش‌برانگیزی داشته‌ایم.

وست گفت که حفاظت از سلامت و ایمنی کارکنان مسئولیتی است که شهرداری آن را جدی می‌گیرد.

در این دادخواست آمده که مدتی پس از انتصاب دمپستر، پرلی او را تحت فشار قرار داده تا حقوق یکی از اعضای شورا را که او با افزایش آن موافق نبوده افزایش دهد. سپس پرلی در ژانویه سال بعد به دمپستر اطلاع داد که قصد دارد طرحی را به شورا ارائه

هنگامی که مری-ان دمپستر از سمت مدیر شهر ریچموند هیل کناره‌گیری کرد، شهرداری درباره‌ی علت کناره‌گیری او سکوت اختیار کرد.

به گزارش هفته و به نقل از «یورک ریجن»، دو ماه پس از این رخداد، دمپستر شکایتی نزدیک به یک میلیون دلار علیه شهرداری ریچموند هیل به دلیل قلدری و آزار در محل کار توسط کارمین پرلی، عضو شورای شهر محلی، که منجر به اخراج ضمنی و اجباری او شده، اقامه کرده است.

این دادخواست ۱۴ صفحه‌ای، که در ۲۰ مارس در تورنتو ثبت شده، فهرستی بلندبالا از تخلفات ادعا شده در بیش از یک سال توسط این عضو شورا علیه دمپستر را شرح داده است. از جمله‌ی آنها تحت فشار قرار دادن او برای افزایش حقوق یک عضو شورا، درخواست از او برای فسخ کردن [قرارداد] مشاوره حقوقی شهرداری، تهدید او، و همچنین تلاش برای تأثیرگذاری بر دعوی حقوقی مربوط به شهرداری از طریق اوست.

این اتهامات در دادگاه ثابت نشده‌اند. سخنگوی شهرداری، کاتلین گریور، گفته است: «شهرداری در مورد مسائل کارکنان یا مسائل قانونی اظهار نظر نمی‌کند. با این حال، می‌توانم تأیید کنم که شهرداری از این ادعا آگاه است و در زمان مناسب دفاعیه‌اش را ارائه خواهد کرد.»

پرلی در ایمیلی از وکیلش ادعاهای دمپستر را رد و خاطرنشان کرد که مدیر سابق شهر به طور داوطلبانه استعفا داده و چند روز بعد در جای دیگری مشغول به کار شده است.

استفان تیل، وکیل پرلی، در ایمیلی نوشته است: «ما نمی‌توانیم در مورد انگیزه‌ی خانم دمپستر برای طرح ادعا علیه شهرداری ریچموند هیل و حمله به موکل خود در این شرایط اظهار نظر کنیم.»

دمپستر، که در سپتامبر ۲۰۱۷ به عنوان عضو شورا در ریچموند هیل شروع به کار کرد، پس از خروج نیل گاربه، در فوریه ۲۰۲۰، به عنوان سرپرست مدیریت شهری منصوب شد و پس از چهار ماه در این سمت ابقا شد.

دمپستر مدعی است که پرلی محیطی سمی ایجاد و

شورا را در برابر آنان پاسخگو کند.»  
بر اساس این ادعا، شکایات متعددی علیه پرلی وجود داشته است، زیرا کارکنان شهرداری احساس می‌کردند از سوی او ارباب و تهدید شده‌اند یا مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند.  
در حالی که مشخص نیست که چه تعداد شکایت علیه پرلی ثبت شده، این عضو شورا تاکنون دو بار در

این مدت قوانین رفتاری شهرداری را نقض کرده است. او به دلیل رفتار توهین‌آمیز با یکی از اعضای شورا، کارن سیلویتز، مجرم شناخته شد، زمانی که وی در پایان جلسه شورا در سال ۲۰۱۹ بیانیه‌ی عمومی را ارائه داد که نسبت به سیلویتز توهین‌آمیز، ناراحت‌کننده و تحقیر عمومی تلقی شد. شورا، همان طور که عضوش در آن زمان خاطرنشان کرد، پرلی را

توبیخ نکرد.

در نوامبر گذشته هم پرلی به دلیل یک نظرسنجی نادرست و گمراه‌کننده در مورد افزایش دستمزد کارکنان شهرداری که به ادعای دمپستر «به عموم مردم بیان می‌داشت که خانم دمپستر مرتکب تخلف شده»، قوانین رفتاری شهرداری را نقض کرده بوده است.  
منبع: وبسایت یورک ریجن

گروه ترجمه هفته

## «چلسی مینینگ» افشاگر معروف آمریکایی از ورود به کانادا منع شد



مینینگ که از همدیگر طلاق گرفته‌اند، هر دو معتاد به الکل بودند.

چلسی مینینگ، در واقع نام اصلی‌اش «بردلی ادوارد مینینگ» بود. او در نوامبر ۲۰۰۹ به مشاورش اعلام کرده بود که احساس می‌کند تمایلات زنانه دارد. بعداً هم اعلام کرد که جنسیتش را تغییر داده و دوست دارد فقط با هویت زنانه شناخته شود.

او در سن ۱۹ سالگی به ارتش ایالات متحده پیوست. در سال ۲۰۰۹ نیز به عنوان تحلیلگر اطلاعاتی به یک واحد ارتش در عراق ملحق شد، اما در همان زمان حدود ۷۵۰ هزار اسناد نظامی و دیپلماتیک حساس را به دست سایت افشاگر ویکی لیکس رساند که این اطلاعات محرمانه بین آوریل ۲۰۱۰ تا آوریل ۲۰۱۱ در این سایت منتشر شد. او به دلیل افشای اطلاعات فوق سری، جاسوسی و نقض قوانین ارتش، توسط دادگاه نظامی محکوم شد و از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۷ را در زندان گذراند.

او به ۲۲ اتهام از جمله کمک به دشمن هم متهم شده بود که همین یک اتهام می‌توانست مجازاتی در حد اعدام داشته باشد که البته از این اتهام تبرئه شد. اگرچه او به ۳۵ سال زندان محکوم شده بود، اما در ۱۷ ژانویه ۲۰۱۷، باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، حکم زندان مینینگ را به همان هفت سالی که در زندان گذرانده بود کاهش داد و به نوعی او را بخشید.

منابع: وبسایت‌های کانادین پرس، ویکی‌پدیای انگلیسی، britannica، amnesty و شبکه‌های اجتماعی

افشای اطلاعات محرمانه را در کانادا انجام داده بود، مجازاتش بیش از ۱۰ سال زندان بود.

### دفاع چلسی مینینگ از اقدامات افشاگرانه‌اش

چلسی در اکتبر ۲۰۲۱، مدعی شد که اقدامات افشاگرانه‌اش به دلیل اطلاع از تهدید فوری بوده که زندگی غیرنظامیان و زندانیان افغان و عراقی را به خطر می‌انداخته است. او اعلام کرد که می‌خواسته افکار عمومی از اقدامات غیرقانونی ایالات متحده مثل مرگ غیرنظامیان به بهانه جنگ با تروریسم، آگاه شوند.

البته این ادعاهای چلسی مینینگ توسط هیات مهاجرت و پناهندگان کانادا رد شد. این هیات اعلام کرد که شواهد جدی در دست ندارد که بتواند ادعاهای مینینگ را بپذیرد.

در این بین، وکلای چلسی مینینگ، گفته‌اند که این تصمیم هیات، مشکلات قانونی دارد و آنها بررسی قضایی این موضوع را ادامه می‌دهند. این وکلا می‌گویند که باید بخشی از قانون جنایی درباره استفاده غیرمجاز از کامپیوتر بازنگری شود. آنها می‌گویند در این قانون، افشاکری اطلاعات را معادل جرم تلقی کرده‌اند، در حالی که قانون باید بین این دو موضوع، تفکیک قائل شود.

### جزئیاتی بیشتر درباره زندگی «چلسی مینینگ»

چلسی الیزابت مینینگ حدود ۳۴ سال سن دارد و در اکلاهاماسیتی آمریکا به دنیا آمده است. والدین

«چلسی مینینگ» افشاگر معروف آمریکایی که اسناد محرمانه زیادی را در اختیار سایت «ویکی لیکس» قرار داده بود، به دلیل محکومیت قبلی خود در ایالات متحده از ورود به کانادا منع شد.

به گزارش هفته، تصمیم منع ورود این افشاگر معروف توسط هیئت مهاجرت و پناهندگان کانادا اتخاذ شد. این هیات در سال ۱۹۸۹ تاسیس شد و به عنوان یک دادگاه اداری مستقل عمل می‌کند که در واقع، مسئول تصمیم‌گیری در مورد مسائل مهاجرت و پناهندگی شناخته می‌شود.

«چلسی مینینگ» به عنوان تحلیلگر اطلاعاتی در ارتش ایالات متحده فعالیت می‌کرد. او که به اسناد محرمانه زیادی دسترسی داشت، صدها هزار سند محرمانه در مورد جنگ آمریکا در عراق و افغانستان را در سال ۲۰۱۰ در اختیار سایت معروف «ویکی لیکس» گذاشت. از آن زمان، او به یک چهره مشهور بین‌المللی تبدیل شد.

البته این افشاکری برایش تبعات سنگینی داشت. او به جاسوسی و دزدی اطلاعات متهم شد و بابت این اتهامات به ۳۵ سال زندان محکوم شد. این حکم، بعداً از سوی باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا کاهش پیدا کرد.

این افشاگر در سال ۲۰۱۷ نیز وقتی می‌خواست وارد کانادا شود، به دلیل همین سابقه کیفری از ورود به کانادا منع شد. حالا در تصمیمی تازه که هشتم آوریل در هیات مهاجرت و پناهندگی گرفته شد، او دوباره از ورود به کانادا منع شد. این هیات اعلام کرده که اگر مینینگ همان جرم



## مخالفت اتاوا با مصادره اموال و املاک جمهوری اسلامی در کانادا

هوایمای مسافربری اوکراینی در ژانویه ۲۰۲۰ توسط دو موشک سپاه پاسداران جمهوری اسلامی مورد هدف قرار گرفت که در آن همه ۱۷۶ سرنشین هوایما کشته شدند. ۵۵ کانادایی و ۳۰ مقیم دائم کانادا نیز در این پرواز بودند. طبق گزارشی که نشنال پست منتشر کرده، بسیاری از خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمای اوکراینی معتقدند که این اقدام جمهوری اسلامی، کاملاً عمدی بوده است.

### جمهوری اسلامی چه اموال و املاکی در کانادا دارد؟

سفارت سابق جمهوری اسلامی در خیابان متکالف اتاوا، اقامتگاه سفیر در خیابان آکاسیا و یک ساختمان در خیابان لوریر از جمله املاک جمهوری اسلامی در کانادا است. جمهوری اسلامی در رویال بانک و بانک اسکوشیا هم حساب بانکی دارد که موجودی این حساب‌ها اعلام نشده است.

وکالی خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمای اوکراینی می‌گویند که وقتی روابط دیپلماتیک ایران و کانادا در سپتامبر ۲۰۱۲ قطع شده است، وقتی نمایندگان دیپلماتیک جمهوری اسلامی از کانادا اخراج شده‌اند، وقتی سفارت هم تعطیل است و هیچ دیپلمات جمهوری اسلامی در کانادا وجود ندارد، دیگر نمی‌توان اموال جمهوری اسلامی را در شمول قانون مصونیت اموال دیپلماتیک به حساب آورد، اما با این وجود همچنان دولت کانادا با توقیف این اموال به نفع خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمای اوکراینی مخالف است.

منبع: وبسایت شبکه خبری نشنال پست

این پرونده به حامی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. مارک آرنولد به عنوان وکیل و نماینده چندین خانواده از کشته‌شدگان هوایمای اوکراینی، از دادگاه خواسته است که توقیف اموال به شکل جدی مورد بررسی قرار بگیرد، اما «ژاکلین دایس ویسکا»، وکیل دادستان کل فدرال گفته که درخواست این وکیل یا باید رد شود و یا حداقل این درخواست به تعویق بیفتد. او گفته که کانادا با همکاری متحدانش تلاش می‌کند که جمهوری اسلامی را در رابطه با این پرونده، پاسخگو کند.

با این وجود، وکیل خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمای اوکراینی، این استدلال‌ها را غیرقابل قبول دانسته و در لحنی تند خطاب به دولت فدرال گفته است: «برای ما سوال است که چرا اتاوا از دارایی‌های جمهوری اسلامی در برابر کانادایی‌هایی دفاع می‌کند که صرفاً می‌خواهند حکم دادگاه انتاریو را به اجرا درآورند. دولت کانادا در این پرونده به عنوان نماینده نیابتی جمهوری اسلامی، ایفای نقش می‌کند. اتاوا دارد از منافع حکومتی دفاع می‌کند که حامی تروریسم است و حتی یک هوایمای مسافربری را به طور عمدی ساقط کرده است.» در عین حال، «ماری آندره ورمته»، قاضی دادگاه عالی انتاریو هم به درخواست دادستان کل فدرال جواب مثبت داده و گفته که برای توقیف این اموال باید ابتدا حکم اولیه و حکم گرامت از طریق ابزارهای دیپلماتیک به جمهوری اسلامی ابلاغ شود و تا وقتی هم این اتفاق نیفتد، توقیف اموال دیپلماتیک، زود هنگام است.

در حالی که برخی خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمای اوکراینی، خواستار مصادره اموال متعلق به جمهوری اسلامی در کانادا هستند، اما دولت فدرال با این درخواست مخالفت کرده و گفته که طبق قوانین نمی‌تواند اموال دیپلماتیک را مصادره کند.

حکم پرداخت گرامت ۱۰۷ میلیون دلاری به برخی خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمای اوکراینی توسط دادگاه انتاریو علیه جمهوری اسلامی صادر شده بود. به همین دلیل نیز برخی از خانواده‌های کشته‌شدگان پرواز PS۷۵۲ خواستار وصول ۱۰۷ میلیون دلار از اموال و دارایی‌های جمهوری اسلامی در کانادا شده بودند که به عنوان گرامت به خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمای اوکراینی پرداخت شود، اما دولت فدرال کانادا با این درخواست مخالفت کرده است.

اگرچه دارایی‌های دیپلماتیک طبق قانون از توقیف اموال از سوی دادگاه مستثنی است، اما خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمای اوکراینی می‌گویند که سه ملک در اتاوا و دو حساب بانکی جمهوری اسلامی در کانادا به مدت یک دهه استفاده نشده است و بنابراین دیگر نباید به عنوان اموال دیپلماتیک به آنها نگاه شود و در واقع مشمول این قانون نمی‌شود. اما وزارت خارجه کانادا در دسامبر ۲۰۲۰ اعلام کرد که این دارایی‌های نامبرده، همچنان ماهیت دیپلماتیک دارند و نباید از این دارایی‌ها با هدف توقیف اموال استفاده شود.

وکیل خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمای اوکراینی، این اقدام اتاوا را محکوم کرده و گفته که کانادا در



## افزایش شدید نرخ بهره معیار در کانادا به یک درصد این تصمیم بانک مرکزی چه پیامدهایی خواهد داشت؟

نرخ تورم چه زمان مهار خواهد شد؟ دو عامل بسیار مهم در ایجاد تورم فعلی بهای مسکن و سوخت است. این امکان وجود دارد که با افزایش نرخ بهره معیار - و به دنبال آن افزایش نرخ بهره وام - بازار مسکن به سردی متمایل شود اما افزایش قیمت سوخت و بهای انرژی به دو دلیل اصلی نقص در شبکه تأمین - به دلیل بحران همه‌گیری - و کاهش عرضه به دلیل جنگ اوکراین و تحریم‌ها علیه روسیه پدیدآمده که هر دو عواملی خارجی و خارج از کنترل دولت هستند؛ بنابراین، دسته‌ای دیگر از اقتصاددانان بر این باورند که افزایش نرخ بهره معیار نه تنها اثر چشم‌گیری بر مهار تورم نخواهد داشت، بلکه به احتمال زیاد رشد اقتصادی را نیز کند خواهد کرد. به علاوه، اگر در مهار تورم اثر مثبت هم داشته باشد نتیجه آن به‌زودی قابل مشاهده نیست و حداقل یک سال به طول خواهد انجامید.

بانک مرکزی معتقد است نرخ بهره معیار حتی در صورتی که بین ۲ تا ۳ درصد قرار بگیرد اثر مفید یا مخرب جدی بر رشد اقتصادی نخواهد داشت؛ بنابراین، در پیش‌بینی‌ها و محاسبات آینده احتمالاً جایی میان ۲ و ۳ درصد خواهند ایستاد.

بهای مصرف‌کننده را انعکاس می‌دهد و نشان می‌دهد بانک مرکزی در کنترل تورم جدی است. بیشتر کارشناسان اقتصادی در بانک‌ها معتقدند که کانادا شاهد یک جهش نیم درصدی دیگر در ماه ژوئن خواهد بود.

در طول دوران بحرانی کرونا یعنی سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، بانک مرکزی برای کاهش خطر رکود و ایجاد گردش در بازار، نرخ بهره معیار را به پایین‌ترین حد، یعنی ۲۵ واحد رساند. به دنبال آن برای کمک به ایجاد تورم با اعمال سیاست انبساطی یا «تسهیل کمی»، اوراق قرضه را در بازار خریداری کرد و بدین صورت نقدینگی را به بازار سرازیر نمود. حال که نرخ تورم در حال افزایش سریع است سیاست عکس در پیش گرفته و با افزایش نرخ بهره معیار سعی در مهار تورم دارد. از طرف دیگر، بانک مرکزی اعلام کرده است که قصد دارد در آینده نزدیک بیشتر اوراق قرضه‌ای را که در مدت بحران کرونا خریداری کرده حتی به زیر قیمت به فروش برساند تا با این کار سیاست انقباضی در پیش گرفته و نقدینگی را در سطح کشور کاهش دهد.

چهارشنبه گذشته، بانک مرکزی در یک تصمیم نه‌چندان دور از انتظار نرخ بهره معیار را ۵۰ واحد افزایش داد و آن را به یک درصد رساند. این میزان افزایش یکباره، بیش از دو دهه و از ماه می سال ۲۰۰۰ تاکنون بی‌سابقه بوده است. این دومین افزایش نرخ بهره معیار از آغاز سال جدید است. آخرین تغییرات نرخ بهره مربوط به افزایش ۲۵ واحدی در ماه مارس است. هدف اصلی افزایش نرخ بهره معیار مبارزه با روند روبه‌رشد تورم است. با وجود گذر از مرحله حساس همه‌گیری کرونا، نرخ تورم با پنج و هفت دهم درصد در آستانه ورود به شش درصد است. بانک مرکزی پیش از این تصور می‌کرد نرخ تورم در سال جاری در حدود ۵ درصد متوقف شود اما افزایش بهای نفت و جنگ اوکراین معادلات و پیش‌بینی‌ها را بهم ریخت. تیف مک‌کلم رئیس بانک مرکزی روز چهارشنبه اعلام کرد که کانادایی‌ها باید باز هم منتظر افزایش نرخ بهره باشند. با وجود اینکه بانک مرکزی در گزارش‌های اخیر از اجتناب از شوک به اقتصاد و افزایش نرخ بهره به صورت نرم و تدریجی سخن می‌گفت اما اقدام اخیر وخامت اوضاع و روند صعودی غیر قابل قبول شاخص

مستقیم تأثیر خواهد گذاشت اما بانکها در طی هفته‌های گذشته، حتی پیش از اعلام نرخ بهره معیار، به‌صورت پله‌ای و مستمر اقدام به افزایش نرخ ثابت کردند. با این انگیزه که نرخ بهره ثابت را به طور تدریجی به آستانه ۴ درصد برسانند.

### بالا رفتن نرخ وام بانکی برای خریداران و صاحبان به چه معنی است؟

آن دسته از خریداران و وام‌گیرندگانی که وام با بهره ثابت دارند حداقل برای مدتی در امان خواهند بود و مانند قبل بهره پرداخت خواهند کرد. اما دسته دیگر که وام یا خط اعتباری با بهره متغیر دارند افزایش نرخ بهره را بیشتر از سایرین حس کرده‌اند. همان‌طور که اشاره شد، نرخ بهره متغیر به‌صورت مستقیم متأثر از افزایش نرخ معیار و به دنبال آن نرخ اولیه است.

افزایش نرخ بهره به طور کلی بر میزان توان اقتصادی خانواده‌هایی که صاحب‌خانه هستند اثر خواهد گذاشت. اما اثر آن در شرایط فعلی بیشتر بر تازه خریداران است. چرا که این دسته علاوه بر دست‌وپنجه نرم کردن با بهره وام، با قیمت بالای مسکن و همچنین سخت‌گیری بیشتر بانکها در اعطای وام نیز مواجه هستند.

اما برای صاحبان خانه نیز افزایش بهره می‌تواند اندکی ناخوشایند باشد. چرا که هدف اصلی این سیاست کنترل بهای مسکن است. امری که به نظر می‌رسد تنها با افزایش نرخ بهره میسر نباشد ولی همین دو پله صعود در بهره معیار نشان داد که بهای املاک در برخی مناطق اندکی کاهش یافته است. به گزارش انجمن املاک کانادا CREA، قیمت متوسط مسکن کاهش یافته و به حدود هشتصد و شانزده هزار دلار رسیده است.

### مضر برای وام، مفید برای پس‌انداز

ممکن است افزایش نرخ بهره برای وام‌گیرندگان و خریداران خانه خوشایند نباشد ولی برای دسته‌ای از سرمایه‌گذارانی که پول خود را در حساب‌های تضمین شده یا پس‌انداز نگه می‌دارند خبر خوبی است. ممکن است در مجموع بهره تعلق‌گرفته به این نوع حساب‌ها چندان بالا نباشد ولی در زمان اوج بحران کرونا، بهره این حساب‌ها به حدی کاهش یافته بود که در عمل سرمایه‌گذاری در آن‌ها بی‌معنی بود.

منابع: وبسایت شبکه‌های خبری، سی‌بی‌سی و فایننشال پست، گلوبال نیوز ولودووار



آستانه قیمت کالاها را بالاتر ببرد.

### افزایش نرخ بهره وام مسکن

با بالاتر رفتن نرخ بهره معیار بانک مرکزی، نرخ بهره «شبانه» نیز افزایش خواهد یافت. این نرخ بهره زمانی اعمال می‌شود که یک بانک از بانک دیگر تقاضای نقدینگی کند؛ بنابراین، با افزایش نرخ استقراض بین بانکی، به طور طبیعی نرخ وام نیز افزایش خواهد یافت. زمانی که تورم بسیار پایین باشد و بازار برای جلوگیری از رکود نیاز به تحرک بیشتر داشته باشد و رشد اقتصادی هدف اصلی باشد، نرخ پایین بهره به گردش بازار - به‌ویژه در بخش مسکن - کمک خواهد کرد. حال در شرایط عکس، نرخ بهره وام بانکی را بالاتر می‌برند تا هزینه استقراض بالا رفته و از افزایش قیمت - در همه بخش‌ها از جمله مسکن - جلوگیری شود. بیش از یک دهه است که به‌غیر از اثرات مخرب بحران همه‌گیری، کانادا با مشکل کمبود مسکن مواجه بوده است. مشکلی که به خودی خود هیزم بر آتش قیمت‌ها ریخته است. پس از افزایش اخیر در نرخ معیار، بانک‌های بزرگ کانادا نرخ اولیه وام یا prime rate را از دو و هفت دهم درصد به سه و دو دهم درصد افزایش دادند. بلافاصله پس از گزارش بانک مرکزی در روز چهارشنبه ۱۴ آوریل، ابتدا بانک TD و RBC و به دنبال آن‌ها بانک‌های Scotia، BMO، و CIBC نیز دست به این اقدام زدند. گروه دژردن نیز که از بزرگ‌ترین وام‌دهندگان در استان کبک است در پی این گزارش نرخ اولیه وام را افزایش داد. با اینکه افزایش این نرخ بر نرخ وام متغیر به‌صورت

در عین حال در این گزارش آمده است که بانک مرکزی بر این واقعیت واقف است که بسیاری از خانواده‌های کانادایی بیش از پیش مقروض هستند و افزایش نرخ بهره می‌تواند بر مخارج آن‌ها تأثیر مهمی داشته باشد.

بانک مرکزی در چشم‌انداز کوتاه‌مدت احتمال می‌دهد در میانه سال جاری روند افزایشی نرخ تورم متوقف شود و در انتهای سال تورم به حدود چهار و نیم درصد برسد. همچنین پیش‌بینی می‌شود که در انتهای سال ۲۰۲۳ نرخ تورم به حدود دو و چهار دهم درصد برسد و احتمالاً تا سال ۲۰۲۴ به جایگاه همیشگی خود یعنی نرخ تورم هدف - یعنی ۲ درصد - نزدیک شود.

### پیامد افزایش نرخ بهره بر بازار کار

اثر افزایش نرخ بهره معیار بر بازار کار مستقیم نیست و کمی پیچیده است. در واقع، افزایش نرخ بهره معیار ابتدا بر تورم اثر می‌کند و سپس تورم بر بازار کار اثر خواهد گذاشت. بدین شکل که با افزایش روزبه‌روز قیمت کالاها، تولیدکنندگان بر سرعت تولید خواهند افزود - به دلایلی چون عقب نماندن از بازار و افزایش روزبه‌روز بهای مواد اولیه - و به دنبال آن نیاز به نیروی کار بیشتری خواهند داشت. از سوی دیگر، اگر مردم باور کنند که تورم برای مدت طولانی باقی خواهد ماند، نیروی کار نیز می‌تواند بر تورم اثر منفی بگذارد. اتفاقی که در اقتصاد ایران بارها و بارها شاهد آن بوده‌ایم. بدین شکل که نیروی کار به دلیل افزایش قیمت کالاها به طور مستمر درخواست افزایش حقوق داشته باشد و بازار نیز با مشاهده افزایش دستمزدها

# طرح هفته

## بانک مرکزی کانادا نرخ بهره را دوباره کرد



**SHEMIRAN**  
Auto Services

**اتوسرویس شمیران**  
تعمیر و خدمات انواع خودرو

- فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف
- جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing
- تعمیرات ترمز و جلو بندی

سرویس و خدمات  
در کوتاه ترین زمان  
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



**514-487-6262**  
5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1  
www.autoshemiran.com

**Panneton & Panneton**  
Moving & Storage

تخفیف ویژه برای هموطنان عزیز در نظر گرفته خواهد شد

**خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا**

- بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه های مختلف
- تمیز و ایمن با دوربین های نظارتی
- سیستم های اعلام خطر و کنترل دما
- ۷ روز هفته قابل دسترسی

**514 939 0099**  
8660 Jeanne Mance,  
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

**RE/MAX** RE/MAX Platine  
Agence Immobilière

**رکسان صمیم**  
مشاور املاک مسکونی

Cell: 438-397-3212

با آشنایی کامل به مونترئال و حومه خدمات کاملا رایگان برای خریداران مسلط به زبان فرانسه و انگلیسی همراهی در تمامی مراحل خرید و فروش



**Roxanne Sameem**  
Residential Real Estate Broker  
Remax Platine  
1850 Av. Panama #110  
Brossard, QC J4W 3C6  
Rokchan.sameem@remax-quebec.com  
www.rsameem.com

**Pharmacie Golnasim Riahi**  
داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com  
Tel: (514) 519-3060



- نوشتن نسخه
- واکسیناسیون
- تست های پزشکی
- مشاوره درمانی
- دریافت نسخه
- دسترسی آنلاین
- انستال پرونده

ارسال رایگان در کبک و اونتاریو

1111 Boulevard Dr. Frederik-Philips, Suite 600  
Montreal, Quebec H4M 2X6  
514 519 3060 438 600 3691  
www.riahipharma.com info@riahipharma.com

سلامتی

حقوق

دانش







## وحید سرپوشان، دانش آموخته‌ی مک‌گیل، امید گروهی از بیماران صعب‌العلاج

بعدی فعالیت دارند. وحید سرپوشان درباره تجربه‌اش از چاپ زیستی سه بعدی می‌گوید: «اولین تجربه‌ام در این حوزه به دوران پسا دکتری در موسسه قلب و عروق دانشگاه استنفورد برمی‌گردد. در آن زمان برنده جایزه معتبری به دلیل فعالیت روی چاپ زیستی بافت قلب شده بودم. با توجه به اینکه من در چندین رشته شامل علم مواد و بیومواد، زیست‌شناسی سلول‌های قلبی عروقی و مهندسی سلول‌های بنیادی، کار کرده‌ام، این یک فرصت برای من و تیمم بود که با کمک فناوری چاپ زیستی سه بعدی در زمینه چاپ زیستی بافت قلب، تحقیقات علمی انجام دهیم.»

وحید می‌گوید که الهام بخش‌ترین دلیلی که او به طور جدی به فعالیت‌های علمی‌اش ادامه داده است، دلگرمی والدین کودکان بیمار هستند که حتی در کنفرانس‌ها نیز به نزد او می‌آیند و تشکر می‌کنند. وحید می‌گوید که این گروه از والدین در این دیدارها از ما می‌خواهند که برای کمک به کودکان بیمار، تحقیقات علمی خود را ادامه بدهیم.

منابع: وبسایت‌های شبکه‌های winshipcancer، 3dheals و ویکی‌پدیای انگلیسی

کاربرد داشت. آقای سرپوشان پس از پایان مقطع دکتری، حدود هفت سال در دانشکده پزشکی دانشگاه استنفورد به عنوان فلوشیپ قلب و عروق اطفال، مشغول فعالیت علمی شد. عمده تحقیقات وحید سرپوشان در این دانشگاه بر ساخت نسل جدیدی از دستگاه‌های مهندسی برای ترمیم بافت‌های آسیب دیده قلب متمرکز بود؛ یعنی بافت‌هایی که بعد از سکته قلبی، دچار آسیب شده‌اند. تجهیزات مهندسی جدیدی که او تولید کرد، با موفقیت روی نمونه‌های موش و خوک آزمایش شد و تکمیل آزمایش‌های بالینی این تجهیزات پیشرفته برای استفاده در بدن انسان همچنان ادامه دارد.

### دانشمند پیشرو در فناوری چاپ زیستی سه بعدی

وحید سرپوشان با استفاده از پرینت زیستی سه بعدی روی فناوری‌هایی برای تولید بافت قلب تحقیق کرده است. او در سال ۲۰۱۸ به عنوان استادیار مهندسی بیومدیکال و اطفال به دانشگاه Emory در آتلانتای آمریکا و موسسه فناوری جورجیا پیوست. او و تیمش حالا روی پروژه‌های مهندسی بافت و مدل‌سازی برای چاپ زیستی سه

وحید سرپوشان از جمله دانشمندان و پژوهشگران موفق دانش آموخته کانادا است که در حوزه‌های علمی متعددی فعالیت داشته و در زمینه ترمیم بافت‌های آسیب دیده قلب نیز دستاوردهای چشم‌گیری داشته است. مجموعه تحقیقات وحید سرپوشان مورد توجه جامعه علمی جهان قرار گرفته است. او با کمک فناوری چاپ زیستی سه بعدی، دریچه جدیدی برای درمان بیماری‌های صعب‌العلاج گشوده است.

به گزارش هفته، چاپ سه بعدی زیستی (Bioprinting)، یک فناوری بسیار پیشرفته است که تلاش می‌کند مشابه بافت‌های بدن انسان را تولید کند. توسعه این فناوری می‌تواند بسیاری از بیماری‌های صعب‌العلاج را درمان کند و مانع از مرگ بیماران نیازمند پیوند عضو شود. وحید سرپوشان از جمله محققان پیشروی جهان در حوزه چاپ سه بعدی زیستی است.

وحید سرپوشان از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۰۳ مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته علوم و مهندسی مواد را از دانشگاه صنعتی شریف دریافت کرد. او سپس در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ مدرک دکترای رشته مهندسی بیومواد و بافت را از دانشگاه مک‌گیل کانادا اخذ کرد. تحقیق پایان‌نامه دکتری او در حوزه مهندسی بافت استخوان،



## امان صدیقی، کشاورز ایرانی در کانادا و نماد پشتکار و خستگی‌ناپذیری

است. او وقتی به کانادا می‌آید، تصمیم می‌گیرد که از دانشش به طور عملی استفاده کند و وارد حوزه کشاورزی می‌شود.

صاحب رستوران پاپا جو، یکی از اولین کسب و کارهایی است که محصولات ارگانیک امان صدیقی را خریداری کرده بود. او می‌گوید: «محصولاتی که امان صدیقی تولید می‌کند، سالم و زیبا هستند. کاری که او انجام می‌دهد حیرت‌انگیز است و خودش هم به محصولاتی که تولید می‌کند، افتخار می‌کند.»

صدیقی امیدوار است که با توسعه کسب و کارش بتواند محصولات بیشتری تولید کند و افراد بیشتری را استخدام کند. او به عنوان یک کشاورز ایرانی‌تبار در کانادا، خود را حامی جدی محیط زیست نیز می‌داند و از کشاورزان هم می‌خواهد که روی تولید محصولات سالمی تمرکز کنند که به محیط زیست آسیب نمی‌زند.

منابع: وبسایت‌های شبکه خبری سی‌بی‌سی، [kodoom.aokgardens](http://kodoom.aokgardens) و

همان مخفف Aman Organic Kitchen Gardens است.

تمرکز امان روی تولید محصولات ارگانیک است. او مزارع ارگانیک خود در بروکفیلد، واقع در جزیره پرنس ادوارد را با عنوان «بهشت» خطاب می‌کند. خودش می‌گوید که گاهی فاصله زمانی برداشت محصول و سرو آن در رستوران، فقط حدود سه ساعت طول می‌کشد.

امان به اینکه محصولات ارگانیک تولید می‌کند، افتخار می‌کند و می‌گوید: «هیچ نوع آلودگی، کود، مواد شیمیایی و سم به محصولات کشاورزی اضافه نمی‌کنیم. محصولات ما سالم و تازه‌تر از چیزی هستند که فکر می‌کنید.»

### کشاورزی که دغدغه‌اش حفظ محیط زیست است

امان صدیقی می‌گوید با وجود آنکه ساعت کارش بسیار طولانی است، اما از کارش لذت می‌برد. جالب اینکه امان صدیقی، اصلاً در ایران کار کشاورزی را انجام نداده است و صرفاً به عنوان محقق و پژوهشگر در حوزه کشاورزی فعال بوده

در شرایطی که بسیاری از مهاجران تازه‌وارد ایرانی در کانادا تلاش می‌کنند که وارد مشاغل پردرآمدتری مثل املاک، مشاوره حقوقی و فناوری اطلاعات شوند، اما امان صدیقی، مهاجر ایرانی تبار در کانادا، راه مجزای خود را برای پیشرفت انتخاب کرد و وارد کشاورزی شد. حالا او به عنوان یک کشاورز موفق در کانادا شناخته می‌شود.

به گزارش هفته، امان صدیقی برای رشد و پیشرفت در کانادا، به دنبال راه میانبر نبود. او مسیر کار سخت و صادقانه را انتخاب کرد. او در سال ۲۰۱۰ به عنوان یک مهاجر تازه وارد در جزیره پرنس ادوارد کانادا، کار در مزرعه را انتخاب کرد و به مدت چهار سال، فوت و فن کشاورزی را آموخت. او سپس در سال ۲۰۱۴ تصمیم گرفت که خودش به طور مستقل، کشاورزی را پی بگیرد. بعد از سال‌ها تلاش و پشتکار، او در سال ۲۰۱۸ صاحب دو مزرعه مختلف در کانادا شد که دو مزرعه او حدود ۴۳ هکتار مساحت دارد.

او برای مدیریت مزرعه و کسب و کارش، چندین نفر را هم استخدام کرد و نام تجاری خود را هم با عنوان A-OK Gardens به ثبت رساند که در واقع



## توزیع «پوبلیساک» محدود می‌شود؛ تولید زباله در مونترال تا سال ۲۰۳۰ به صفر می‌رسد

اگر شما مایل هستید همچنان بسته‌های تبلیغاتی پوبلیساک در محل زندگی یا کار خود دریافت کنید، باید یک برچسب سبز رنگ که شهرداری توزیع خواهد کرد، روی صندوق پستی خود بچسبانید چرا که از ماه مه سال ۲۰۲۳ بسته‌های تبلیغاتی در مونترال همه جا توزیع نخواهد شد بلکه حالتی هدفمند پیدا خواهد کرد و فقط به آدرس‌هایی که درخواست داده‌اند، ارسال خواهد شد.

علاوه بر این برای توزیع پوبلیساک، کیسه‌های پلاستیکی حذف و به جای آن از کیسه‌های کاغذی استفاده خواهد شد.

والری پلانت، شهردار مونترال، با اعلام این خبر افزود: «هدف ما این است که میزان تولید زباله در شهر مونترال را تا سال ۲۰۳۰ به صفر برسانیم. برای تحقق این هدف لازم است تا ۸۵ درصد مواد دفن شدنی را از زندگی خود حذف کنیم. لازم است که بیش از پیش به بازیافت و استفاده مجدد مواد دورریختنی روی بیاوریم و در این میان تولید زباله را از مبدا کاهش دهیم.»

در حال حاضر هر هفته تقریباً ۸۰۰ هزار یاب به عبارت دیگر هر سال بیش از ۴۰ میلیون پوبلیساک در مونترال توزیع می‌شود. این کیسه‌های پلاستیکی ۱۰ درصدی از کل زباله‌هایی را تشکیل می‌دهند که کارشان به مرکز بازیافت Lachine ختم می‌شود. در سال ۲۰۱۹ بر اساس درخواست‌های مطرح شده در یک طومار، یک مشاوره عمومی در مونترال صورت گرفت که طی آن ۸۲ درصد مردم خواستار ایجاد یک سیستم عضویت داوطلبانه

برای دریافت پوبلیساک شدند. هفته گذشته هیئت بین دولتی تغییرات اقلیمی در گزارش خود ضمن تأکید بر اهمیت و فوریت مبارزه با تغییرات اقلیمی هشدار داد این مبارزه از همین امروز باید آغاز شود و فردا شاید دیر باشد. خانم پلانت تأکید کرد زمان آن رسیده است که برای حفظ سیاره زمین و ساکنان آن شجاعت به خرج دهیم. برای این کار باید تصمیمات صحیحی بگیریم که همیشه هم آسان نیستند. ادامه وضعیت موجود دیگر ممکن نیست. « حتی جناح مخالف در هتل شهر مونترال نیز از این تصمیم استقبال کرد.

عارف سالم، رئیس «انسامبل مونترال» تأکید کرد خوشحالیم که تشکیلات تحت رهبری خانم پلانت برای کاهش تولید زباله در شهر چنین تصمیمی گرفته است. اطمینان داریم که تغییرات در این زمینه در یک بازه زمانی معقول تحقق خواهد یافت.

پوبلیساک همچنین برای توزیع چندین هفته نامه محلی در جزیره مونترال مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شهردار مونترال تأکید کرد شهرداری یک برنامه حمایت مالی از این هفته نامه‌ها برای تسهیل این دوره گذار به اجرا خواهد گذاشت.

سال گذشته شهرداری مونترال یک کمیته مشورتی تشکیل داد تا توصیه‌ها و راهکارهای مناسب قابل اجرا را بررسی کند. انتظار می‌رود در ماه‌های آینده جزییات مربوط به بررسی‌های این گروه اعلام شود.

اندرو موله، مدیر عامل «مترو مدیا» ریاست این کمیته را بر عهده داشته است. به رغم این که «مترو مدیا» با داشتن چندین روزنامه محلی و همچنین روزنامه «مترو» به طور مستقیم تحت تأثیر تصمیم شهرداری مونترال قرار خواهد گرفت، آقای موله از ابتکاری که شهرداری مونترال در پیش گرفته است، استقبال کرد و گفت: «مترو مدیا برای تحقق آرمان‌های زیست محیطی، از ابتکار شهرداری مونترال حمایت می‌کند. قطعاً حمایت مالی شهرداری برای عبور از این دوره گذار برای روزنامه‌های محلی بسیار حیاتی خواهد بود.»

اما گروه TC Transcontinental که مالک پوبلیساک محسوب می‌شود، از تصمیم شهرداری مونترال که اجرای آن به زعم مسئولان این گروه «پیچیده و پرهزینه» است، به هیچ‌وجه رضایت ندارد و این کار را به معنای پایان کار پوبلیساک می‌داند.

پاتریک برابلی، نایب رئیس گروه توزیع TC Transcontinental تأکید کرد: «با توجه به نرخ بالای تورم و در شرایطی که مردم با رشد بی‌سابقه هزینه‌های زندگی روبرو شده‌اند، پوبلیساک از کارایی اجتماعی و اقتصادی بالایی برخوردار بود.»

در سال ۲۰۱۹ شهر میرابل رویکرد مشابهی را در این زمینه اتخاذ کرد و ارسال پوبلیساک را منوط به درخواست شهروندان کرد.

گروه TC Transcontinental این تصمیم را تبعیض‌آمیز خواند و از شهرداری میرابل در این قضیه شکایت کرد اما دستگاه قضایی هنوز رای خود را در این پرونده صادر نکرده است.

منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو مونریال



# طلاق ایرانی یا طلاق کانادایی؟ کدام یک راهگشاست؟

امضای مدارک لازم برای تکمیل طلاق ایرانی کند. به این معنی که اگر شوهر از همکاری برای گرفتن طلاق ایرانی در کانادا امتناع کند، زن می‌تواند او را به دادگاه بکشاند. در شرایط جدی، شوهر ممکن است به دلیل امتناع از همکاری در روند طلاق به زندان بیفتد.

## چگونه در هنگام طلاق در کانادا، نیمی از دارایی‌های ایران را به دست آوریم؟

برای گرفتن نیمی از دارایی‌های زنشویی در ایران از طریق دادگاه‌های کانادا باید سه چیز را ثابت کرد:

اثبات وجود دارایی در ایران؛  
ثابت کنید که آن دارایی‌ها متعلق به همسر شماست؛  
اثبات ارزش آن دارایی‌ها.

اینجاست که همه چیز خیلی پیچیده می‌شود. مشکل این‌جا است که مخفی کردن دارایی‌ها در ایران بسیار آسان است. این می‌تواند به آسانی رشوه دادن به شخصی برای تغییر مالکیت خانه به نام شخصی دیگر، یا فروش دارایی و پنهان کردن پول در حساب بانکی به نام شخص ثالث باشد.

مشکل دیگر ارزش‌گذاری دارایی‌ها است. باز هم یک نفر می‌تواند به ارزیاب رشوه بدهد تا ارزش خانه‌ای را که قرار است بین زوج تقسیم شود، بیشتر یا کمتر کند. یا ممکن است همسر به سادگی از ارزش‌گذاری‌ها پیروی نکند و این روند را بسیار دشوار کند.

دادگاه‌های کانادا در مورد آنچه که دولت در ایران می‌تواند یا نمی‌تواند انجام دهد، اختیاری ندارند. به همین دلیل است که شناسایی و ارزش‌گذاری دارایی‌های ایرانیان در کانادا فرآیند بسیار پیچیده‌ای است که نیازمند یک وکیل طلاق مجرب ایرانی است تا به قاضی کمک کند تا بفهمد قاضی از چه اختیاراتی می‌تواند برای ارزش‌گذاری دارایی‌ها در ایران استفاده کند. آن قاضی همچنین باید بداند که چگونه این ارزیابی‌ها را در نظر بگیرد و چگونه دارایی‌ها را تقسیم کند که سر یکی از زوجین بی‌کلاه نماند.

منبع: وبسایت YLaw

## آیا باید هم طلاق ایرانی بگیرم و هم طلاق کانادایی؟

بستگی دارد. در برخی مواقع، برای سفر آزادانه به ایران و بازگشت از ایران، باید هر دو نوع طلاق را بگیرید. اگر یک زوج ایرانی از هم جدا شوند، اما طبق قوانین ایران هنوز طلاق نگرفته باشند، اگر از کانادا وارد ایران شوند، ممکن است با مشکلات جدی مواجه شوند. در ایران طلاق کانادایی در بسیاری از مواقع پذیرفته نمی‌شود. مسائلی که ممکن است در صورت نداشتن طلاق ایرانی با آن مواجه شوید، به شرح زیر است:

۱. زن اجازه خروج از ایران را ندارد، زیرا شوهرش می‌تواند تا زمانی که در ازدواج‌اند از این کار جلوگیری کند. در صورت طلاق صحیح، شوهر نمی‌تواند مانع خروج او از ایران شود.

۲. شوهر اجازه خروج از ایران را ندارد یا حتی گاهی زندانی می‌شود، زیرا زن مهریه خود را به اجرا گذاشته است.

دو مورد بالا از جدی‌ترین و دردسرسازترین مشکلات طلاق زوج‌های ایرانی‌اند.

ایران اجباری در پذیرش طلاق کانادایی ندارد. بنابراین ممکن است در ایران گیر بیفتید، زیرا همسر یا همسر سابق شما نمی‌خواهد به شما اجازه خروج بدهد. بهتر است در امان باشید و طلاق ایرانی و همچنین طلاق کانادایی را بگیرید.

## چگونه بعد از طلاق کانادایی طلاق ایرانی بگیریم؟

برای گرفتن طلاق ایرانی یک یا هر دو نفر باید برای طلاق به دفتر حافظ منافع ایران در واشنگتن بروند. اگر طلاق توافقی باشد، روند کار آسان‌تر است. هر دو زوج باید مدرک ازدواج و شناسنامه‌شان را ارائه دهند و در مورد مهریه نیز به توافق رسیده باشند.

اما اگر زوج نخواهد اجازه طلاق ایرانی را به زوجه بدهد، لازم است زن ابتدا طلاق کانادایی بگیرد و همچنین از دادگاه کانادا بخواهد که شوهرش را مجبور به ارائه و

گاهی مشکلات پس از مهاجرت چنان گریبان برخی‌ها را می‌گیرد که کار آنان را به طلاق می‌کشاند و این مسئله زمانی حاد می‌شود که بدانیم طلاق کانادایی متفاوت از طلاق ایرانی است و برخی زوج‌ها باید به ناچار هر دو طلاق را بگیرند تا از گرفتاری‌های احتمالی آینده پرهیز کنند.

لیناروناک یوسفی، وکیل ایرانی تبار خانواده در ونکوور، در این‌جا، درباره‌ی مسائلی چند که ایرانیان کانادا به هنگام گرفتن طلاق با آن مواجه‌اند توضیح می‌دهد. این مسائل شامل مسائل مالی یا عاطفی یا ... است که بسیاری از وکلای خانواده اطلاعات عمیقی در مورد آن‌ها ندارند.

گفتنی است که یوسفی به عنوان یکی از ۲۵ وکیل اثرگذار کانادا انتخاب شده است. او وکیل موفق چندین پرونده‌ی طلاق پیشگامانه‌ی ایرانی در بریتیش کلمبیا بوده است. وی همچنین به عنوان یکی از مجرب‌ترین وکلای خانواده در زمینه‌ی طلاق ایرانی در ونکوور است. او همچنین، بارها در رسانه‌ها درباره‌ی قوانین ازدواج و طلاق در ایران و نحوه‌ی اعمال آنها در کانادا صحبت کرده و چند سال پیش نیز با سی‌بی‌سی درباره‌ی یک پرونده‌ی خبرساز در رابطه با طلاق ایرانی گفت‌وگویی داشته است.

## طلاق ایرانی در کانادا چیست؟

طلاق ایرانی به طلاق گفته می‌شود که پایان ازدواجی باشد که در ایران انجام شده و زوج در ایران، بر پایه‌ی قوانین شرعی و مدنی کشور، ازدواج کرده باشند. این زوج اکنون در کانادا زندگی می‌کنند و به دلایلی می‌خواهند مطمئن شوند که طلاق کانادایی آن‌ها در ایران پذیرفته خواهد شد.

بسیاری از اوقات زوج‌ها به این فکر می‌کنند که هم باید هم طلاق کانادایی و هم طلاق ایرانی بگیرند تا مطمئن شوند در صورت سفر به ایران با مشکلی مواجه نخواهند شد.

Proxim

داروخانه پروکسیم شادی کبک



بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

در خیابان سن لوزان

PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK



دلیوری رایگان به منزل شما

در سراسر منطقه مونترال بزرگ، لاول و ساوت شور



دسترسی شما به دارو همه روزه

و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

Tel: (514) 288-4864

Fax: (514) 288-4682

94084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8

kabakc@groupeproxim.org

استاد شیدا قره چه داغی

اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد  
جهت آماده شدن برای امتحان های  
دانشکده ها یا مدارس عالی  
موسیقی و کنسرت



514 484 8748  
sheida.g@hotmail.com

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی  
مقدماتی  
ردیف



saberjalilzadeh@yahoo.ca

514-549-4697

گزارش

مقاله

آریانا



# باج گیری غیر مسوولانه آمریکا از افغانستان

## تحلیلگران افغان درباره‌ی ضبط دارایی‌های افغانستان توسط آمریکا چه می‌گویند؟

چسبیدن به بنیادگرایی هر بار به چاله‌ی تازه‌ای سقوط می‌کنیم. برای مردم ما دست آمریکا رو شده است و توجیهاتی را که می‌تراشند کسی باور نمی‌کند؛ ولی سیاست دنیا به این شیوه چرخیده و پس از این نیز، شاید مدت‌ها همین‌گونه با منطق زور بچرخد. واقعیت این است که ملت ما به دلیل عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و اجتماعی در جایی قرار گرفته که به آسانی زورمندان منطقه و جهان می‌توانند تحقیرش کنند. حضور بیست ساله‌ی آمریکا در افغانستان با مصرف بیش از ۲ تریلیون دلار باعث کشته‌شدن حداقل ۲۴۰ هزار نفر شد. از آن جمله ۲۴۴۸ تن نیروهای امریکایی بودند. این حجم مصرف گراف و تاوان نیروی انسانی در افغانستان، پس از خروج کامل نیروی‌های امریکایی از افغانستان، سبب شد که موافقان و مخالفان حکومت بایدن از حکومت و سیاست آن انتقاد کنند. شاید این ضبط دارایی افغانستان تلاشی است برای تلطیف فضای پر از تنش و مخالفت در داخل آمریکا علیه برنامه‌های بایدن در افغانستان. ظاهراً دولت بایدن می‌کوشد که از خزانه‌ی مردم افغانستان بخشی از تاوان اشتباهات خودش را بپردازد.

خانم مطهر می‌گوید: «در سطح ملی ما باید از این اتفاقات بیاموزیم و در نزدیک کردن صفوف مردم و مبارزه به خاطر ایجاد محیط بانیات استفاده کنیم. درعین حال بدانیم که بدون تحول داخلی، تنها کمپاین در خارج و چشم‌دوختن به حمایت‌های جامعه‌ی جهانی، گره اصلی مشکلات ما را نخواهد گشود. نخبگان و مبارزان افغانستان باید به بازوی توانای مردم خود اتکا کنند و از طریق سمت‌دهی نیروهای مؤثر در درون ملت به سمت سازندگی و صلح برای خلق اقتدار ملی تلاش کنند. باید ملت ما به‌جایی برسد که دست دراز کردن به مال و دارایی‌اش هزینه داشته باشد و هر کشوری که قصد ضبط و تصاحب اموال و دارایی ملی ما را کند، به هزینه‌هایش نیز بیندیشد.»



نظیفه مطهر

خانم مطهر در باره‌ی عاملین یازده سپتامبر افزود: «دنیا می‌داند که حمله‌ی یازدهم سپتامبر از سوی یک گروه تروریستی طرح و توسط مهاجمانی که اکثریت‌شان عربستانی بودند، اجرا شد. فضایی که در آن سال‌ها در افغانستان به وجود آمده بود نیز، محصول سیاست‌های آمریکا و پاکستان بود. پروژه‌ی طالبان با تأیید آمریکا، پول اعراب و مدیریت پاکستان عملی شد. در سال‌هایی که اسامه در افغانستان اقامت داشت، کشور ما مستقل نبود و اداره‌ی آن در دست جنرالان پاکستان بود. در نهایت اسامه بن لادن، در سال ۲۰۱۱ در خاک پاکستان پیدا شد نه افغانستان؛ اما دانستن این واقعیت‌ها چه سود دارد؟ سیاست حاکم در روابط بین‌المللی در ظاهر شاید اصولی داشته باشد؛ اما در عمل به میدان بزرگی می‌ماند که در آن زور مهم‌ترین سند حقانیت است. ما با انحراف از مسیر تمدن و

پس از فروپاشی دولت افغانستان و به‌هم‌ریختن قراردادهای بین‌المللی و مسدودشدن حساب‌های بانکی این کشور، جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا گفته است که از جمله ۷ میلیارد پول افغانستان ۳.۵ میلیارد دلار را به قربانیان «۱۱ سپتمبر» اختصاص می‌دهد. این به ظاهر اقدام دل‌سوزانه به بازماندگان حادثه‌ی یازدهم سپتمبر، ضعف بسیار کلان سیاست ناسیونالیستی حاکم بر ایالات متحده‌ی آمریکا را عریان می‌کند؛ کشوری که با پرچمی به ظاهر دموکراسی در گوشه‌وکنار جهان رژه می‌رود، نان گرسنه‌ترین ملت جهان را در سخت‌ترین روزهای زندگی‌شان ضبط می‌کند. این‌گونه است که هر روز جهان پرتلاطم‌تر می‌شود، فاصله بین ملت‌ها افزایش می‌یابد و جهان را نفرت و دشمنی آلوده‌تر می‌کند.

خانم نظیفه مطهر از اجماع زنان افغانستان برون مرز چنین واکنش نشان داده به هفته گفت: «در جریان جنگ بیست‌ساله در افغانستان، چند صد هزار انسان کشته شدند؛ اما پس از آن همه کشتار و ویرانی، ملت افغانستان قرض‌دار آمریکا است و از بیت‌المال کشور ما غرامت می‌ستانند. با ادعای دروغینی که زیر نام حقوق بشر مطرح می‌کنند، کارهایی را انجام می‌دهند که آشکارا به زیان بشر و صلح جهانی است. آمریکا غیر از جان آدم‌هایی که در این همه سال این‌جا گرفت، با سیاست تفرقه‌افکنانه و امتیازدهی به وطن‌فروسانی که در جریان این بیست سال آله‌ی دست‌شان بودند، افغانستان را از لحاظ سیاسی و معنوی نیز ویران‌تر کرد. آمریکا تنش‌هایی را در منطقه‌ی ما به‌جا گذاشت که سال‌ها از ما قربانی و هزینه خواهد گرفت و میلیون‌ها انسانی که هوا و زمین سرزمین‌شان در اختیار نظامیان آمریکا بود، اکنون گدا و گرسنه رها شده‌اند.»



حیات‌الله حیات



زرغونه ولی

آقای حیات‌الله حیات کارشناس مسائل حقوقی و اقتصادی افغانستان به هفته عقیده‌اش را چنین بیان کرد: برای ما در افغانستان، ضبط ۳.۵ میلیارد دلار پول افغانستان برای غرامت به آسیب‌دیدگان حمله‌ی یازدهم سپتمبر، ادامه‌ی سیاست‌های متضاد و ظالمانه‌ای است که بعد از خروج نیروهای آمریکا از افغانستان نیز، نسبت به کشور ما ادامه یافته است و به پیچیده‌تر شدن مشکلات افغانستان کمک می‌کند. غیر از افغان‌ها، دیگران نیز، کم‌وبیش نسبت به این اقدام بایدن واکنش نشان داده‌اند. از جمله فرانسس بویل، استاد دانشگاه و فعال حقوق بشر ضبط پول افغانستان را جنگ اقتصادی به قیمت جان مردم خوانده و گفته است که «جنگ اقتصادی دولت بایدن علیه افغانستان با تحمیل عمدی شرایط زندگی که برای نابودی آن به طور کامل یا جزئی محاسبه شده، در آستانه‌ی نسل‌کشی است. امیدواریم این واکنش‌ها در سطوح مختلف افزایش یابد، انسان‌ها و نهادهای بشردوست از تمام ایزاری که در اختیار دارند برای وارد کردن فشار بر آمریکا به خاطر فسخ این تصمیم استفاده کنند. جهان به جای کمک مالی به افغانستان، ملت ما را در نجات از وضعیتی که مورد غارت قرار گرفته‌ایم، یاری رسانند و نگذارند این روند سقوط و بربادی ادامه یابد. در غیر آن، کشور ما به کشتارگاه جان و آزادی میلیون‌ها شهروند افغانستان مبدل خواهد شد و برای منطقه و جهان نیز، منبع خطر خواهد بود.»

خانم زرغونه ولی رئیس اجماع زنان بیرون مرز خطاب به بایدن می‌گوید: «آقای بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا این انتقام‌جویی از مردم افغانستان از برای چیست؟ چرا باید مردم افغانستان برای حادثه ۱۱ سپتمبر غرامت بپردازد؟ در حالی که متهمین این حادثه جنایتکاران بیشتر هم‌پیمانان شما ایالات متحده عربی و پاکستان است؟ مردم افغانستان از شما انتظار پرداخت غرامت جنگی را دارند زیرا از جانب جامعه جهانی سیاست‌های شما و ایالات متحده آمریکا متهم به وضعیت ناهنجار امروز کشور ماست. پول‌های منجمد شده افغانستان حق مادر اشک‌بار و دردمندی که فرزندش را در جبهات داغ جنگ از دست داده و طفل یتیم پابره‌نه که بی‌پدر و بی‌سرپرست ساخته، است.»

این پول حق آن مردمی است که هنوز هم در آتش جنگی که شما فروخته‌اید و آن‌ها معصومان بدون کدام جرمی می‌سوزند، هر روز افغانستان و مردمش بیشتر زخم‌های ناسور را در تن خود با ناهنجاری‌های جامعه متقبل می‌شوند است. این پول حق آن شهیدان خفته به خون و خانواده‌های شهید که برای حفاظت شما و قوای ناتو در افغانستان بنام دموکراسی فریبنده و سیاست‌های مبهم‌تان در سنگرهای داغ نبرد قربانی شدند و جان باختند است. این پول از آن مردم است که بشریت جهان برایشان اشک می‌ریزند از آنانی که برای به‌دست‌آوردن لقمه نانی فرزندان‌شان را

به فروش می‌رساند است و بالاخره این پول از کشوری که نام‌اش افغانستان است در طول تاریخ بشریت زخم‌های ناسور از ابر قدرت‌های جهان بر تن دارد است و این پول از مردم با غرور و باعزت است که امروز با فقر و گرسنگی دست و گریبان هستند، جهان هم تماشاگر، ولی با شکیبایی و صبر روزهای دشوار را سپری می‌کند است.»

خانم ولی یکی از عوامل جنگ در افغانستان را حضور آمریکا دانسته ابراز داشت: «آقای بایدن! یکی از عوامل جنگ افغانستان حضور ایالات متحده آمریکا در افغانستان بود که کشور ما را به کوهله آتشبار مبدل کردید. تمام هست و بود مردم را نابود ساخته‌اید شما و هم‌پیمانان‌تان به نام صلح و دموکراسی از خون مردم از هست و بود مردم ما برای تمرکز قدرت جهانی و ابرقدرت بودن‌تان مانند کشورهای دیگر جهان سوم استفاده سو نموده‌اید، سیاست شما در افغانستان با انتقادات تند جهان مواجه است و شما امریکایی‌ها متهم به وضعیت موجود کشور ما که در آنجا صدای انسان‌های این سرزمین هنوز هم با سیاست‌های پشت درهای بسته شما گره‌خورده است و نعره‌های‌شان تا جهان از کنفرانس اسلو گرفته تا پارلمان اتحادیه اروپا می‌رسد است. ۲۰ سال حضورتان در کشور ما با قربانی‌ها، کشتار مردم و ویرانی میهن ما همراه بوده است که یکی از عوامل جنگ حضور آمریکا و قوای ناتو در افغانستان بود که جهان به اشتباهات جبران‌ناپذیر آمریکا در افغانستان هم معتقد هستند، شما بنا بر مخالفت‌های سیاسی با طالبان (حکومت امارت) باج را از مردم جنگ‌زده ما می‌گیرید، مردمی که ۲۰ سال با قربانی از شما مهمان‌نوازی کردند. مردمی فقیر که برای به‌دست‌آوردن لقمه نانی صبح از خانه برآمدن ولی شب در خانه نیامدند. این غرامت را از پاکستان و کشورهای عربی دریافت کنید نه از مردم افغانستان»

خانم ولی از جامعه جهانی، ملل متحد چنین تقاضا دارد: «از جامعه جهانی، ملل متحد چنین تقاضا دارم که در حمایت مردم افغانستان قرار گرفته پول‌های مسدود شده این سرزمین جنگ‌زده را که مردم‌اش با تحریم آمریکا برای به‌دست‌آوردن یک لقمه نان فرزندان‌شان را به فروش می‌رساند دوباره به مردم افغانستان مسترد کنند تا از وضعیت بحران اقتصادی امروز مردم نجات یابند.»



## داستان کوتاه در گذر زمان

مقابل محدودیت‌های انضباطی خود می‌بینند، غرور مردانه‌ای‌شان شکل بهتری می‌گیرد. حظ می‌برند و سروگردن می‌افرانند. غافل از آن که کش‌وقوس خودخواهی آن‌ها ما را به کدام طرف سوق می‌داده است. شاید همان صعود و سقوط شخصیت ما را می‌ساخت. همان شخصیت مجروح ما که توقعات بالاتر از مدینه‌ای فاضله را از ما داشته باشند، ما را ناقص‌العقل گفته منحیث‌افزار کار. هه چی بیراه می‌گویم، کدام شخصیت؟ گویا هیچ گپی نشده و آب از آب تکان نخورده است، به اولادهای ما بی‌تربیت مادر خطا خطاب می‌کردند!

باد خوشگوار بهاری به رخم می‌وزد و جان تازه‌ای می‌گیرم. سلسله‌ای افکارم می‌گسلد. می‌بینم گروه‌ای از دختران با ترانه‌ای فریاد می‌زنند: ملک وجامیم را گرفتی - درس‌ومشقم را مگیر. این‌وآنم را گرفتی درس‌ومشقم را مگیر. این جهان و هست و بودش مال تو. درس‌ومشقم را مگیر. درس‌ومشقم را نگیر.

قطرات درشت اشک از چشمان همه دختران فرومی‌ریزد. من مانده بودم که چطور آن‌ها را آرام بسازم، متوجه گروه دیگری می‌شوم که دست به دامان پدران‌شان می‌زدند که از ما دفاع نمایند و نابرابری را نپذیرید. تبسم تلخ‌تر از زهر لبانم را شکل می‌دهد: پیش بی‌دردان دوای درد جستن جاهلیست. صدایم را نمی‌شنوند. مذبح‌حانه به هر گروه سری می‌زنم. می‌بینم گروه‌ای دیگر زنان و دختران جوان با حمل شعارهای نوشتاری به جنگ زندگی می‌روند، خون‌شان به کف دست‌شان است، فریادشان دل فضا را می‌شگافد و حق تحصیل را از

می‌گیرم، اشک چشمانشان را با دست‌هایم پاک می‌کنم. همه مایوسانه به عقبم روان می‌شوند. به بام بلند منزل خود ما بالا می‌شویم که از چشم‌ها دور باشیم ولی قریه‌ای ما زیر نگینش باشد. به تصور اینکه از چشم مردان غایب گردیده‌ایم، هریک ما مخفیانه دست زیر الاشه نشسته رفتن پسران به مکتب را تماشا می‌کنیم. من بیشتر از دیگران اشک می‌ریختم. یگان دخترک به تقلید من می‌گریست، یاگان تای دیگرش تیره تیره طرفم نگاه می‌کرد و راه گم شده بود. گریه کدام دردی را دوا خواهد کرد که ... چند تا دختران بزرگ که همه آرزوهایشان را به خاک یکسان می‌دیدند کاملاً لال شده بودند؛ گویی کالبدی بیش نبودند. دخترک‌های مکتبی از کارهای من سر در نمی‌آوردند؛ فقط مطیع بودند و فرمان‌بردار. همه‌ای ما همانندسازی می‌کردیم و درد جانکاه محرومیت تن و جان ما را در اعطای آزادی مطلق می‌کاوید و منحیث یک انسان شکل و هویت شناختی می‌داد. هرکدام ما تحت کنترل مطلق مردان جان می‌کنندیم و نفس را در سینه‌هایمان حبس می‌نمودیم. ترس داشتیم که حق نفس کشیدن را از ما نگیرند. آهی طویل و بلند می‌کشم، کشیدن آه سوز دلم فرو می‌نشانند. مردان خانواده با مردان نظام طالبانی عادت به کنترل و یا تسلط مفرط بر زندگی ما را حق خود می‌دانند، شاید هم. برای آن‌ها اهمیت چندانی نداشته که تسلط بی‌حد و حصرشان منجر به ایجاد مشکلات رفتاری در ما خواهد شد. اصلاً نه‌تنها رفتار ما بلکه تعلیم‌وتربیت ما برای آن‌ها ارزش یک شبش را نداشت. شاید وقتی ما را در

آنگاهی که دختران مکتبی را طرد شده از دروازه علم و معرفت کابل با چشمان پراشک می‌بینم، تنم تا اعماق روح و روانم درد می‌گیرید. با شتاب خودم را کنار دختران متعلم می‌رسانم. میانشان می‌ایستم. بدنم هنوز در ارتعاش است. تصور می‌کنم؛ جریانی از رگ، رگ وجودم می‌گذرد، یعنی بدنم را برق گرفته و جریان تکان‌دهنده‌ای آن از تنم عبور می‌کند و به پاهایم ختم می‌شود، وجودم حس لامسه‌اش را از دست می‌دهد. سعی می‌کنم به خود مسلط شوم. نفس عمیق می‌کشم. یکه خورده، به پنجاه سال عقب پرتاب می‌شوم. قبل از اینکه سرگذشت پنجاه سال قبل را بررسی کنم. چشمم به دخترانی می‌افتد که لباس سیاه مکتبی به تن دارند و از دروازه‌های مکتب رانده می‌شوند. پدر من هم همانند طالبان تحت‌تأثیر محیط و یا حفظ نام و نشانش مانع ما دختران به مکتب و مراجع آموزشی می‌شد. برادرانم پیروی از او می‌کردند و کنترل سخت‌گیرانه‌تر بر هریک ما وضع می‌نمودند. از بخت شور تعداد ما در فامیل بیشتر از مردان بود. هیچ یک نمی‌خواستند، دستی بالای دستشان قرار گیرد و دختران با کسب علم و کمال از آنان پیشی بگیرند، کسب تعلیم و تحصیل، آزادی و لاقیدی خاصه‌ای پسران و مردان آن زمان بود. چنان آن زمان می‌گویم که گویی در وطنم تغییرات شگرفی آمده باشد. نه بابا؛ همان آش است و همان کاسه. سه سال قبل فرخنده را با مشت و لگد ظالمانه کشتند و جسد بی‌جان‌ش را آتش زدند.

به همان خیال تلخ، به دختران طرد شده از مکتب نزدیک می‌شوم، دست دخترک‌های هم‌وطنم را

طالبان گدایی می‌نمایند. با یک تفنگ دستی همه ای‌شان فرش زمین می‌شوند. فریادکنان بالای اجساد غرقه به خون آن‌ها می‌نشینم. در تقالای بیشتر می‌شوم. دست‌هایم از خون معصوم‌ترین دختران کشورم رنگین است. صدا و فریاد گروه دیگری از دختران میان نوحه سرایی‌ام می‌دارید. از ایشان خوشم می‌آید، به عصای دستی‌ام تکیه می‌دهم، توانم بریده شده است که با آن‌ها ببیانم، خون ریخته شده‌ی دختران را هنوز در دست‌هایم دارم و تنم لرزش دارد؛ دخترانی آن‌ها را که کفن سفید به تن داشتند، مقابل ذات احدیت زانو زده‌اند و با یک صدا فریاد می‌کنند: نخست از همه به داد ما رسیدگی شود که به کدامین جرم زنده‌به‌گور شده‌ایم؟ لیخند زهرآگینی دهنم را طی می‌کند. ولی به‌زودی خودم را جمع‌وجور نموده به امر ایزد منان غور می‌نمایم و یقینم حاصل می‌شود که خداوند بازخواست‌گر آن دختران زنده‌به‌گور است. دختری از میان انبوه‌ای دختران زنده‌به‌گور ناله‌کنان می‌گوید:

طالبان ما را هم زنده زنده در گور دفن کرده‌اند. دلم برای‌شان می‌سوزد. با حیرت می‌بینم که لباس سیاه و چادر سفید دختران غرقه‌به‌خون است که آن‌ها را از دختران کفن‌پوش مجزا می‌سازد. صداها از هر طرف بلند و بلندتر می‌شود، اوج می‌گیرد و نشان می‌دهد که موجودیت زنان و دختران یک حقیقت است. نمی‌شود با قیودات مجاز یا مفروط و یا غیرمجاز افراطیت آن‌ها را نادیده انگاشت. با خودم می‌گویم:

ضرورت اقتضا می‌کند که برای ترویج و نهادینه ساختن سبک زندگی انسانی و اسلامی، راهکارهای معقول و منطقی‌تری ارائه شود نه زور و تسلط بیجا. به‌طورقطع، یکی از مهم‌ترین این راهکارها، تعلیم و تربیت سالم است.

در حیرتم که به کدام گروه نزدیک‌ترم، برای اینکه درگذر زمان من به هیچ یک از آن‌ها تعلق ندارم. ولی این بار، چراکه نه. ما وجه مشترک داریم. همین درد بی‌هویتی را من پنجاه سال قبل تجربه نموده بودم. دردم گرفت و اشکم را درآورد. بدنم یخ کرد و درد و غم همه دختران را تا اعماق وجودم حس کردم، من همین، جور

تعلیمی را با مغز استخوانم تجربه نموده بودم. در تلاش آن می‌شوم که قوتم را، همت بالایم را، تلاش و جدوجهدم را، دوییدن و بار بار افتیدنم را و ... دختران معصومانه نگاهم می‌کنند، چطور به آن‌ها را انتقال بدهم؟ به ذکر اینکه بدون اجازه‌ای بزرگان خودم را به مکتب نزدیک خانه‌ای ما سیاه کرده بودم؟ که حتی از ترس سیاه شدن روی و یا لباسم در ته‌لکه بودم و نمی‌دانستم که سیاه کردن اطفال به مکتب سیاه کردن اسم و هویتشان در روی کاغذ سفید بود و یا از جای آغاز نمایم که هر سال تعلیمی فرمان می‌رسید که دیگر مکتب نرو، بسات است، کافی است سواد یاد گرفتی، چشمان دختران فقط به خط آشنا شود.

اوه چیز مهم از یادم رفت. آنگاهی که پدر به طور تصادفی مرا کنار مکتبم و ملبس با لباس سیاهی مکتبی دید. وای از برای خدا. می‌دانید چه گپ شد؟ نی، نمی‌دانید. پدر با گره‌ای پیشانی از بازویم گرفت و مرا پیش روی باسیکلش نشانده، رأساً به خانه بُرد. بعدش با همان قهر شعله‌ور، بار دیگر بازویم را قاپید و همانند بوجی کاه به پیش روی مادرم پرتابم کرد و به وی گفت:

لعنتی خدا بر تو واری مادر که سر من کلاه گذاشتی و آبرویم را بُردی. مادرم از لام تا کام چیز نگفت و مرا کش‌کشان به پس‌خانه‌ای اتاق نشیمن بُرد و گفت:

«خوب شد که فاتحه‌ی درس و مکتب‌یات هم خوانده شد. خوش شدی؟ نگفته بودم بالاخره خبر می‌شود؟ به دست‌وپایم افتاده بودی و می‌گفتی من احتیاط می‌کنم.»

آن روز و روزهای زیادی را گریستم، همانند همین امروز که بیشتر از شصت سال را پشت سر گذاشته‌ام، همین امروز در عصر طلایی تکنالوژی و رسیدن به ماه و ستاره بازهم شاهد تکرار همان درد هستم و همان زخم‌ها سر باز کرده و نمک‌پاشی می‌شود. دختری میان حق هق گریه می‌گوید: این بهار ما چرا همانند جسد خون‌ریزان فرخنده سوزنده و آتشین است تا به کی؟ آه از نهادم سرازیر می‌شود. یاد زدن سوختاند و قتل فرخنده تاریک‌ترین زوایای وجودم را دربند می‌کشد. دختری می‌گوید: ادامه بده.

آنگاهی که مادر چندین طفل شدم و تحصیلاتم را از سر گرفتم، معلم شدم و عقده‌های درونی‌ام را به شاگردانم بازگو کردم و تجربیم را به آن‌ها انتقال دادم. مگر همین اکنون عجزم را می‌بینم و در حیرانم که آن همت و پویش و بالش را چطور به زمانه‌ای بعد از خودم انتقال بدهم.

بالا شدن به پله‌های ترقی بدون زینه کار آسانی نیست. همان دخترک با ذهن کنگاشش می‌پرسد؛ بدون زینه بلا شدن امکان دارد؟ آه کشیده می‌گویم: همین است نقطه‌ای مشترک من و تو، نبض بالا شدن به قلعه‌های سعادت و خوشبختی من و شما. «در جاده‌ی هموار دویدن هنرش چیست؟ مردانه دویدن هنرش در خم و پیچ است.» من آن سلسله را ترک نکردم، درحالی که کتاب‌هایم به شعله‌های سرکش تنور سپرده شد، هرگز کتابم را زمین نگذاشتم، قلمم را بی‌رنگ نماندم، هر ورق و رساله‌ای که حسب اتفاق به دستم رسید با حرص و ولع از سر تا پا خواندم، معنای لغات مشکل‌اش را به کمک این و آن دریافتم و با دل و جان تعقیب‌اش کردم. خاطراتم را نوشتم و ضمیمه‌های داستان‌های کوتاهی ساختم که در طول عمرم دیده و مشاهده کرده بودم. به جرات در رساله‌ها برای نشر و پخش فرستادم. از اولادهایم الگو برداری نموده و هر یک را به جاهای که خودم از آن محروم شده بودم رساندم. به شاگردانم مانند یک مادر سر زدم و آن‌ها را به سوی سوق دادم که مرام تحصیلی خودم بود، در رژیم اول همین کورده‌نان، کورس آموزشی در تهکوی منزل خودم بنا کرده از البت‌های سوخته و یک پارچه چوب بیکاره تخته‌ای سیاه ساختم و از سنگ سفید منحنی تباشیر استفاده نمودم. به پشت‌شانه‌های شلاق خوردم و به تعدادی زیادی از دختران را در مکاتب (دختران خارج از مکتب) ثبت نام نموده و تدریس کردم. شما هم می‌توانید، مطمئن باشید که می‌توانید. شما هم مانند من هستید. بدوید و خستگی را کنار بگذارید.

می‌بینم دختران بعد از افتیدن از جا بر می‌خیزند و با شهامت و استقامت به پا می‌ایستند. می‌دوند و خستگی حس نمی‌کنند. خوشحال می‌شوم و دیگر به گذشته‌های خودم افسوس نمی‌خورم.

SOROOR SADR

سرور صدر

خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES  
WITH APPOINTMENT  
Gestion Financière Loyale  
5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com

VANTAGE

آتوسا تنگستانی فر

همراه با شما در خرید آگاهانه

همگام با شما در فروش موفقیت آمیز



سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041

atosa.tfar@gmail.com

8250 boul. De'carie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5



خاطره تحویل داری یکتا

مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران  
Commissioner for Oaths

در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها  
گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت  
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694

khaterehyekta@yahoo.ca



الهام گرامی

دکترای روانشناسی

از رشته روانشناسی



- مشاور در زمینه مشکلات فردی، کودک و نوجوان
- مشاوره خانواده و زوج
- مدرس مهارت‌های زندگی، مهارت‌های فرزند پروری
- مدرس مهارت‌های زناشویی

(514) 431 2826

Consultant & Life Coach

عضو انجمن مشاورین و روانشناسان کانادا  
طیای مجوز رسمی از سازمان نظام روانشناسی ایران  
(تعداد نظام روانشناسی ۳۳۳۷)

حسابداری و مالیات

XL-ON TAX SERVICES INC

SERVICE D'IMPÔT XL-ON INC

Income Tax Services For:

- Employees, Students
- Self-employed, Professionals
- Corporations
- Non-Residents
- Foreign Income
- Capital Gains
- Business Income / Rental Income
- Separation
- Deceased & more...

خدمات مالیات برای:

- کارکنان، دانشجویان، بازنشستگان
- افراد خود اشتغال، افراد حرفه ای
- شرکتها
- ساکنین خارجی (غیر مقیم)
- ساکنین کانادا با درآمد خارجی
- سود سرمایه
- درآمد تجاری، درآمد اجاره
- جدایی از همسر
- افراد مرحوم و ...



با مدیریت عباس شفیعی

لیسانس بازرگانی از دانشگاه مک گیل

(ارشد حسابداری و مالیات)

عضو سابق انجمن حسابداران قسم خورده کانادا

با بیش از ۲۶ سال تجربه حرفه ای در کانادا

2545 BOUL. CAVENDISH SUITE 134,  
Montreal, QC, H4B2Y9

email: INFO@XLONTAX.COM

(514) 806 0060

هر روز هر روز

مونترال <> تورنتو <> مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخهای باور نکردنی

Montreal: 514-887-0432

Toronto: 647-822-2529

Spa Illusion

ESTHETIQUE | ÉLECTROLYSE | LASER



514 694-3735

6600 Trans-Canada Hwy, Suite 511  
Pointe-Claire, Qc H9R 4S2

سرگرمی

آرشیپی

خانواده



						9	1	
9		4	8			2	7	3
3			4		9		5	
4	9	5	3			1		
			5		6			
		1			4	5	3	7
	8		1		7			2
1	7	6			3	8		9
2	4							

▲ نرمال

		9	8	6	7			
			3				9	
2					4			3
	9	3	6					
	8	2		4		7	6	
					5	8	9	
	6		2					9
		7			6			
			5	7	8	6		

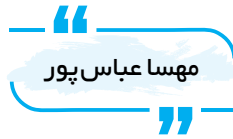
▲ متوسط

			3	1				2
1	8							5
7					2			4
2				5				8
9	3						5	6
	5			6				2
	9		6					4
8							6	3
	1				4	5		

▲ سخت

		8				5	1	
			6	5				
					3	9	4	
	6		1					3
3				6				8
7					5		6	
	1	3	9					
				8	4			
5	9						2	

▲ خیلی سخت



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

## سالاد سیب زمینی



«سالاد» غذایی است که گاهی پیش از غذا به عنوان پیش غذا، در بعضی مواقع همراه غذا و حتی پس از وعده اصلی غذا نیز سرو می شود. واژه سالاد در زبان فرانسوی از کلمه لاتین «سالاتا» به معنی شور و نمک اندود شده ریشه می گیرد. «سالاد سیب زمینی» می تواند به عنوان یک وعده غذایی کامل سرو شود چرا که کربوهیدرات دارد و سبزی های مقوی در آن استفاده شده است.



### طرز تهیه:

سیب زمینی ها را نگینی خرد کرده و بشویید و اجازه دهید تا آب آن برود.  
در یک تابه کمی روغن ریخته و سیب زمینی را سرخ کنید.  
پیازچه، جعفری و فلفل دلمه را خرد کنید. هویج را رنده درشت بزنید. تمام مواد را به اضافه ذرت، با هم در ظرفی بریزید و مخلوط کنید.  
مواد سس را باهم مخلوط کرده و در ظرف ریخته و با مواد دیگر مخلوط کنید. اجازه دهید سالاد شما نیم ساعت در یخچال استراحت کند تا مزه ها با هم تلفیق شوند. نوش جان



### مواد لازم:

۱. سیب زمینی ۴ عدد
۲. پیازچه ۴ ساقه
۳. جعفری به مقدار دلخواه
۴. هویج ۱ عدد
۵. ذرت ۱ لیوان
۶. فلفل دلمه قرمز ۱ عدد

### مواد لازم سس:

۱. روغن زیتون ۴ قاشق غذاخوری
۲. آبلیمو ۲ قاشق غذاخوری
۳. نمک و فلفل به میزان لازم
۴. نعنا خشک ۱ قاشق غذاخوری
۵. سماق ۱ قاشق چایخوری

توضیح: خانه های جداول روبه رو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

## جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

## سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۲۱ تا ۲۷ آوریل / ۱ تا ۷ اردیبهشت

ترجمه:  
خاطره تحویل‌داری یکتا

### متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)



در چهار هفته آینده خورشید در بالای موقعیت شما در حرکت است. این حرکت باعث می‌شود حتی اگر کار خاصی انجام ندهید، در نظر دیگران مطرح بوده و مورد ستایش آنان قرار بگیرید. گویی برای شما جادو اتفاق می‌افتد. این تأثیر واقعی است و می‌توانید از آن به نفع خود استفاده کنید. قطعاً اکنون زمان آن است که به دنبال هر چه می‌خواهید بروید. هر آنچه می‌توانید انجام دهید تا تأیید افراد مقام‌دار را بگیرید.

### متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)



در چهار هفته آینده هر چه می‌توانید برای گسترش افق‌های خود انجام دهید. به مطالعه مطالب جدید بپردازید؛ تجربیات جدید داشته باشید؛ با افراد جدید ملاقات کرده و از هر فرصتی برای سفر و تغییر محیط اطراف استفاده کنید. اساساً در این ماه روتین‌ها را کنار گذاشته و به دنبال یادگیری مطالب جدید هستید. برخی از شما بیشتر درگیر مسائل حقوقی بوده و برخی دیگر برای کشف نظام‌های اعتقادی امروزی یا قدیمی هیجان‌زده هستید.

### متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)



در چهار هفته آینده روی احساسات جدی خود نسبت به جنبه‌های مختلف زندگی حساب کنید. شاید حتی متوجه اجبارهایی که به ناگهان سر باز می‌کنند شوید. شاید در این زمان با کسی ملاقات کنید که شما را به جستجو در عمق روح خود تشویق کند. ممکن است این فرد حتی شما را در مورد ارزش‌های خود به چالش کشیده و بر آن دارد مجدداً به آنچه برایتان مهم است بیندیشید. آرام باشید. ژوپیتر حمایت الهی را برای شما با خود به همراه می‌آورد.

### متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)



دوباره زمان آن رسیده که خورشید به مدت چهار هفته در موقعیت شما باشد و این بهترین فرصت برای دوباره جوان شدن و شارژ باتری‌هایتان برای بقیه سال است. طبیعتاً توجه شما به مسائل شخصی معطوف می‌شود. با افتخاری بیش از همیشه برنامه‌ریزی می‌کنید و به همین دلیل تأثیر بسیار خوبی بر دیگران می‌گذارید. به دلیل قدرت شخصی که دارید بهتر است تنها کار کنید. البته با چالش‌هایی در رابطه با دوستان، پول و یا دارایی مواجه می‌شوید.

### متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)



در حال حاضر سال شخصی شما پایان یافته و تولد شما نزدیک است؛ بنابراین چهار هفته آینده بهترین زمان برای آن است که آرام بوده و آنچه را که در سال آینده می‌خواهید، برنامه‌ریزی کنید. اهداف در حال حاضر بسیار مهم هستند، زیرا اکنون زمان برداشت در زندگی شماست. بسیاری از رؤیاهای محبوب شما به حقیقت می‌پیوندند. علاوه بر آن اکنون متوجه می‌شوید چه چیزهایی در زندگی به کار شما می‌آیند و چه چیزهایی خیر.

### متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)



به چهار هفته‌ای وارد می‌شوید که هم محبوبیت شما و هم علاقه‌تان به فعالیت‌های گروهی بیشتر می‌شود. شاید دوستی جدیدی برایتان مهم شود. دوستی‌ها برای سلامت افراد بهتر هستند، اما در عین حال تنهایی بهتر از همنشینی با دوستان بد است. دلایل هم آن است که دوستان بر ذهن و تفکر شما اثر می‌گذارند و این ذهن شماست که تصمیم‌گیرنده است؛ بنابراین می‌توان گفت دوستان بر همه زندگی شما تأثیر دارند. پس بهتر است دوستان خوب انتخاب کنید.



## PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آتلیه مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۰۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



### متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



در چهار هفته آینده توجه شما به خانه، خانواده و زندگی شخصی معطوف می‌شود. برخی از شما بیش از همیشه درگیر یکی از والدین خواهید بود. از هر فرصتی برای بیرون رفتن و اندیشیدن استفاده کنید. شاید خاطرات گذشته و تفکر در مورد ارزیابی خود ذهنتان را مشغول کند. در این مقطع زمانی سخت کار کرده و کسب درآمد می‌کنید تا بتوانید اشیاء زیبایی خریداری کنید. شاید این هفته در خصوص مسائل مالی و تعطیلات بحث و اختلافاتی پیش آید.

### متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



سرعت روزهای شما در چهار هفته آینده بیشتر می‌شود. به ناگهان مشغول انجام کارهای بسیار، رفتن به مکان‌های بسیار و دیدار با افراد بسیار خواهید شد. در همین مقطع زمانی با خواندن، نوشتن و مطالعه بیشتر به یادگیری و کشف مطالب جدید در کوچپس‌کوچه‌های دانش خواهید پرداخت. همچنین خواهر و برادر و اقوام هم شما را مشغول می‌کنند. البته باید بدانید با حضور مریخ در موقعیت شما مقاوم‌تر شده و امکان نزاع با دیگران هم برایتان پیش می‌آید.

### متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



در چهار هفته آینده پول و مسائل مالی ذهن شما را به خود مشغول می‌کنند. شاید به پیشنهاد کار جدید و یا ایده‌های پول‌ساز فکر می‌کنید. از طرفی دارایی‌ها هم در نظر شما خواهند بود. شاید بتوان گفت به نوعی به ارزش‌های خود در زندگی می‌اندیشید. در اوایل هفته ممکن است نوعی وحشت و نگرانی را به دلیل اتفاقات پشت پرده احساس کنید. شاید هم این نگرانی را فقط در تصورات خود می‌پرورانید.

### متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



در چهار هفته آینده خورشید در مقابل موقعیت شما قرار دارد و با توجه به آنکه خورشید منبع انرژی است، بیش از همیشه احساس خستگی می‌کنید. سعی کنید بیشتر استراحت کنید. موقعیت قطبی خورشید، تمام تمرکز شما را بر همسر و دوستان نزدیک معطوف می‌کند. خبر خوب آنکه این موقعیت باعث می‌شود با واقع‌گرایی بیشتر به این روابط نگرسته و فرصت بیشتری برای بهبود آن‌ها داشته باشید.

### متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



در چهار هفته آینده از توانایی و انرژی بیشتری برخوردار بوده و نظم و سازماندهی بهتری خواهید داشت. البته زمان آن بسیار مناسب است، زیرا اکنون وقفه‌هایی در رابطه با خانه و خانواده ایجاد می‌شود و خوشبختانه با این انرژی، توانایی مقابله با همه چیز را خواهید داشت. به عبارتی در این مقطع زمانی سعی می‌کنید تکنیک‌های خود را بهبود بخشیده و با استفاده از راه کارهای جدید، کارآمد، مؤثر و مثمر‌تر باشید.

### متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



چهار هفته آینده برای شما زمان شادی خواهد بود، زیرا خورشید از یکی از بخش‌های شاد موقعیت شما عبور می‌کند. می‌خواهید از خانه بیرون رفته و خوش بگذرانید. می‌خواهید سبک‌بال، شادتر و با کنجکاوی بیشتر به تفریح بپردازید. اکنون زمان خوبی برای تعطیلات و پیک‌نیک است. روابط با بچه‌ها و به طور کلی ارتباطات شما خوب هستند. البته ممکن است این هفته نزاع با خواهر و برادر یا همسایه‌ها پیش آید و بهتر است زیپ لب‌های خود را بکشید.

**نازک سلیمانپور**  
مشاور رسمی املاک مسکونی در استان کبک

ROYAL LEPAGE  
Du QUARTIER  
Agence Immobilière

مشاوره رایگان برای خریداران  
ارزیابی رایگان ملک برای فروشندگان  
همکاری با تیم حرفه‌ای جهت اخذ وام مسکن

Cell: 438.872.7373  
Office: 6971 Ch. Côte-de-Liesse, QC  
Montréal (St-Laurent), QC H4T 1Z3

**Nazak Soleimanpour**  
Courtier immobilier Résidentiel  
Residential Real Estate Broker  
soleimanpournazak@royallepage.ca

**FAMOUS ASTROLOGER,  
PSYCHIC, PALMIST  
AND FORTUNE TELLER**

**514 - 458 - 9599**

**فال گیری و کف پینی**

**PALM READING, FACE READING, HOROSCOPE  
MASTER: GURUNANDHA**

ALL RELIGIONS WELCOME  
If you have any problems, meet me once and get solutions permanent.

WALK-IN WELCOME  
7 Days open  
10am - 6pm

**SOLUTIONS FOR:**

- LOVE, MARRIAGE
- HUSBAND WIFE PROBLEMS
- DEPRESSION PROBLEMS
- ADOLESCENCE
- JOB, MONEY & ANY TYPE OF PERSONAL PROBLEMS

100% guarantee

The Master is an expert in removing of Black Magic, Evil Spirits, Witchcraft, Bhut, Negative Energy, Obeyah & gives 100% lifetime Protection.

PRIVATE & CONFIDENTIAL  
I am Born to Serve People

**4040 ST LAURENT BLVD, MONTREAL, QC H2W1Y8**

## شعر هفته

شاید که تو هم سیب به‌دندان زده باشی

شاید که تو هم سیب به‌دندان زده باشی  
دندان به دو ازگیل پس از آن زده باشی  
بیرون زده از خانه به‌قصد سرِ کوچه  
از کوچه سری هم به خیابان زده باشی  
شاید که پس از پرسه زدن در سه خیابان  
یک‌بار سری نیز به میدان زده باشی  
آن‌گاه سوار پژیوی بڑ شده باشی  
از پشت به یک خودروی پیکان زده باشی  
با پای خودت آمده باشی به سمیه  
دستی به‌در حلقهٔ دندان زده باشی  
شاید، شده وقت سفر از جادهٔ تفرش  
ناچار سری هم به فراهان زده باشی  
حتی شده یک‌مرتبه در خارج از ایران  
زنگی به کسی داخل ایران زده باشی  
در مرکز لبنان که به‌جز سیب ندارد  
یک‌پُرس پر از مرغ و فسنجان زده باشی  
با آنکه تو سر رشته‌ای از توپ نداری  
صد بار گلی را به سپاهان زده باشی  
اینها همه سهل است و محال است که یک‌بار  
مثل همه مسواک به‌دندان زده باشی!  
منبع: (فیض‌بوک، ناصر فیض. تهران: شرکت  
انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۲)

## پوشک

## حکایت هفته

بابا یک پوشک خیلی خوب برایم خریده و بعد از اینکه کلی سرم منت می‌گذارد، می‌گوید پوشکی که خریده هم ظریف و لایه‌دار است و هم اصلاً نم پس نمی‌دهد. البته، چون می‌گوید گران خریده، دلم نمی‌آید نم پس بدهم و خرابش کنم. پوشک اگر خوب نباشد، چنان بین پاهای نی‌نی‌ها فاصله می‌اندازد که به‌جای پوشک بهتر است اسمش را بگذارند توشک. امیدوارم وقتی خودم بچه‌دار شدم، علم تولید پوشک آن‌قدر پیشرفت کند که قیمت بهترین جنس آن، حسابی ارزان شود یا اینکه با پیشرفت علم تولید بچه، بچه‌هایی تولید شوند که دیگر نیازی به پوشک نداشته باشند!

مامان از اشتهایم می‌نالند و بابا هم داغ دلش تازه شده، می‌گوید آن‌قدر برایم شیر خشک خریده که با پولش می‌توانست یک ماشین بخرد. مامان به بابا می‌گوید به‌جای خرید این همه شیر خشک، می‌توانسته یک گاو بخرد و بعد از بزرگ شدن من هم آن را بفروشد تا خرجش دربیاید. بابا هم می‌گوید این بچه که من دیدم، اگر بزرگ‌تر شود همان گاو را هم می‌خورد!

فکر کنم یا قحطی آمده یا قیمت گوشت بالا رفته یا اقوام ما از نسل آدم‌خوارها هستند؛ چون هر کس که مرا می‌بیند، فوری می‌گوید: «بخورمت»!

پشه با پرویی روی بازویم نشسته و تکان نمی‌خورد. اگر نوزاد قورباغه بودم فوراً با زبانم پشه پررو را به ته حلق یا انتهای روده‌ام وصله می‌زدم تا حالش جا بیاید. مامان و بابا با دیدن جای نیش پشه‌ها ابتدا فکر می‌کنند آبله‌مرغان گرفته‌ام؛ اما با دیدن پشه، فوراً ماجرا را می‌فهمند. بابای باغیرتم که خورش به جوش آمده، فوراً مثل یک شوالیه قهرمان شمشیر به دست، با مگس کش به جنگ پشه‌ها می‌رود. متأسفانه، سرعت عملش در برابر پشه‌ها مثل سرعت اینترنت در بعضی روزهاست. بابا می‌خواهد او را بکشد؛ اما پشه با خنده از دستش درمی‌رود. فکر کنم این دفعه سرعت عمل بابا مثل روزهایی شده که اینترنت کلاً قطع است. بابا به‌جای شمشیربازی با مگس کش می‌رود برایم پشه‌بند می‌آورد. شب، من راحت خوابیدم؛ اما صبح که شد انگار خود مامان و بابا آبله‌مرغان گرفته‌اند.

منبع: (مغز نوشته‌های یک نوزاد، مهرداد صدقی. تهران: کتاب چرخ و فلک، ۱۳۹۴)

## نکته هفته

با شناختن درختان، معنای صبر را درک می‌کنم و با فهمیدن چمن می‌توانم استقامت را درک کنم.

## نقل قول هفته

مهاتما گاندی: انسان خوب دوست همه موجودات زنده است.

## ضرب‌المثل هفته

پارسی: روزه شک‌دار نگیر...  
آمریکایی: اولین همیشه سخت‌ترین قدمه...

## لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

- 👉 آقا حداقل چهارنفرتون روزه بگیرید خدا همین‌جوریش هم زیاد از ایران خوش نمیداد...
- 👉 دکتوره توی تلوزیون میگه: ترکیب گردو و عسل برای از بین بردن غم و رکود روحی بسیار مناسبه ... نمی‌دونه ما حتی به قیمتشونم فکر می‌کنیم دچار رکود روحی می‌شیم!
- 👉 به آبادانیه میگن چرا روزه نمی‌گیری؟ ... میگه ولک اینجا دما ۵۸ درجه‌ست، جهنم ۶۰ درجه! ... برای ۲ درجه روزه بگیرم؟
- 👉 یهو یاد مأمور آبخوری مدرسه افتادم که تا صدای زنگ رو می‌شنوید دیگه اجازه نمی‌داد کسی آب بخوره ... شمر الان کجایی؟ خدا ازت نگذره!
- 👉 هیچ‌وقت نفهمیدم چجوری تشخیص میدن یه هندونه خوبه یا بد ... طرف تپ می‌زنه به هندونه میگه این خوب نیست ... میره تپ می‌زنه رو یه هندونه دیگه دقیقاً همون صدا رو میده، میگه این یکی عالیه!
- 👉 وقتی دهه شصتی‌ها نسل سوخته‌ان ... تعجبی نداره دهه نودی‌هام پدرسوخته باشن!



SHARIF EXCHANGE  
**صرافی شریف**  
 توجه: انتقال ارز به ایران و برعکس نداریم  
 www.sharifexchange.ca  
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

★★★★★  
**Five Star I.P.M Inc.**  
**صرافی پنج ستاره**  
 متوجه تر با نهان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و  
 بالعکس با کمترین هزینه

514 585 2345 | 514 846 0221

4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

Artistic Men Haircut  
 by Sirous  
 متخصص  
 مدل‌های هنری  
 برای آقایان  
 514-240 1493

کلیه خدمات عکاسی و  
 فیلمبرداری حرفه‌ای در استودیو  
 فقط با وقت قبلی  
**STUDIO PHOTOBOOK**  
 (514) 984-8944  
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

**فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران**  
 هر روز به جز دوشنبه ما مرغوب‌ترین گوشت و مرغ و ماهی،  
 انواع برنج، چای، عرق‌ها، سبزی خشک و ....  
 (514) 369-3474  
 Marché de poisson et viande 5700 Steeles West, Montreal QC, H4A 1K1

ترجمه رسمی و دعوت‌نامه توسط شهریار بخشی

514-624-5609 - 514-655-5609

bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت

حسین ترکپور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com 514-846-8872

آموزش محاوره با استاد فرانسوی زبان

پیش‌نیاز: آشنایی پایه‌ای با زبان فرانسه

هدف: بهبود مهارت محاوره، بویژه برای محیط کاری.

با هزینه مناسب

514-739-8844

جای آگهی شما

استخدام

تکنیسین و داروساز در

داروخانه دکتر گل‌نسیم ریاحی

- داشتن سابقه کار در داروخانه

- دانستن زبان انگلیسی، فرانسه و فارسی

ارسال رزومه به:

info@riahipharma.com

استخدام پرستار

به یک خانم نیازمندیم تا شب‌ها در کنار مادر سالخورده ما بماند.

۵۱۴-۹۲۴-۵۰۵۵

**Deal Properties**

## شبنم نبی‌پور

مشاور املاک

کم استوار و ارزانی رایگان به صورت تلفنی و حضوری  
 خدمات ۲۴ ساعته رایگان برای خریداران تا پایان پروژه خرید  
 اخذ وام بانکی با بهترین نرخ و کمترین پیش پرداخت حتی برای تازه واردان

**613-709-9070**

OFFICE: 613-366-1713  
 WWW.SHABBYNABIPOUR.COM  
 E-MAIL: SHABBY@IDEALPROPERTIESREALTY.COM

Shabby Nabipour  
 Sales Representative

**MEHDI FALLAHI**  
 REALTOR

تمام مشتریان من  
 تبدیل به دوستان  
 صمیمی من شده اند.

اجازه بدهید به شما  
 نیز خدمت کنم.  
 ۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

yes@RealOttawa.ca

محل های پخش  
**هفته در اتاوا**

سوپرمارکت آریا  
 ۶۱۳-۵۹۴-۳۶۳۶  
 508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز  
 ۶۱۳-۵۶۳-۱۲۰۷  
 725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل  
 ۶۱۳-۸۹۷-۶۶۶۶  
 355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

رستوران دونرما  
 ۶۱۳-۶۹۵-۲۲۲۱  
 129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

**محل جدید پخش هفته در اتاوا**

افغان کباب اکسپرس  
 ۶۱۳-۵۹۳-۸۸۸۰  
 249 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2

( 5 1 4 ) 8 3 4 - 7 2 5 4  
 ■ www.hafteh.ca ■ info@hafteh.ca

**www.ravadid.ca**  
**info@ravadid.ca**

**موسسه مهاجرتی روادید:**

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب  
 اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی  
 سرمایه گذاری و کار آفرینی  
 خرید بیزینس و دریافت مجوز کار  
 اکسپرس انتری  
 ویزای توریستی  
 تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا  
 اسپانسرشیپ همسر والدین  
 خدمات اسکان اولیه  
 و...

**تماس رایگان در آمریکای شمالی:**  
 Free Tell & fax:  
 1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی  
 +1(514) 797-6850 (Ottawa head office)  
 +1(514) 638-8258 (Montreal office)

**ALIREZA MANSOURI**  
**RCIC, R533715**

# نیازمندی‌ها با حداقل هزینه نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

مد و لباس HPadar ۸۴۲-۵۶۰۸	فریدون هرنیدیان ۹۳۳-۶۸۰۰	بیمه عمر و سرمایه‌گذاری ۹۹۳-۷۹۷۶	اتومبیل (فروش) Auto Highlander ۹۹۰-۲۵۰۰ www.autohighlander.com 1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7 اتو کاسپین ۵۷۵-۷۹۴۰ www.autocaspien.com
مراکز مذهبی انجمن بهایی موسسه خوبی کلیسای ایرانی کلیسای فارسی-کشیش ۸۴۹-۰۷۵۳ ۳۴۱-۲۲۳۵ ۲۶۱-۶۸۸۶ ۹۹۹-۵۱۶۸	رسانه های گروهی بازار پوشه هفته پرنیان پیوند ۸۴۸-۹۵۹۹ ۵۷۵-۸۴۵۱ ۷۸۷-۸۸۴۸ ۹۰۳-۴۷۲۶ ۹۹۶-۹۶۹۲	مریم طالبی علی پاکنژاد عبدالله صفوی مهدی امانی پس انداز تحصیلی مروارید معماریان ۲۹۶-۹۰۷۱ ۴۶۷-۸۴۹۱ ۵۵۳-۰۹۷۸ ۷۷۸-۷۳۷۷	اطلس ۴۸۴-۴۴۸۱ 6000 saint jaque H4A 2E9 شمیران ۴۸۷-۶۲۶۲
مشاور املاک مهدی انصاری آتوسا تنگستانی فر مینو اسلامی نادر خاکسار شهره شهریان سحر صمدایی فیروز همتیان آرزو کتمیری کاظم پرتو تهرانی آرش شکور محمد اجزای شاهین سجادی ۵۸۸-۰۶۰۹ ۹۹۵-۳۰۴۱ ۹۶۷-۵۷۳۳ ۹۶۹-۲۴۹۲ ۲۹۰-۲۲۱۰ ۶۲۵-۲۵۲۵ ۸۲۷-۶۳۶۴ ۵۶۱-۳۵۶۱ ۹۷۱-۷۴۰۷ ۷۳۰-۳۹۰۹ ۹۲۴-۵۰۵۵ ۴۶۴-۸۲۲۰	رستوران-پیتزا - کترینگ فارسوس بناب کباب ترنج پوشاپ (هندی) آریا کباب سرا 755 Ave. Atwater / 514-933-0933 ساخت و ساز Builders علی خاقانی سی.دی - ویدئو تیش دیجیتال ۲۷۰-۸۴۳۷ ۴۸۲-۴۰۳۵ ۹۰۷-۸۷۸۸ ۷۳۷-۴۵۲۷ ۴۵۰-۸۱۲-۷۳۶۹	بیمه (خودرو و خانه و سفر) مشاور فارسی زبان بیمه مهرداد ملکچمشیدی بیمه ویزیتوری و دانشجویی مریم طالبی فریده شرفی ترجمه و دعوتنامه رسمی رضا داودی فیروزه مسیحا شهریار بخشی خاطره تحویل‌داری یکتا سارا کیانی ۶۵۲-۷۶۷۷ ۹۹۳-۷۹۷۶ ۷۱۵-۲۴۹۴ ۶۹۱-۴۳۸۳ ۴۳۸-۹۲۰-۹۳۰۵ ۶۲۴-۵۶۰۹ ۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴ ۸۸۴-۱۰۱۶	آرایشگاه - زیبایی - اسپا آمنه 3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1 www.Amybeautysalon.com سوزان ۹۱۳-۴۹۴۷ رویا ۹۳۴-۳۳۷۴ فریبا ۴۸۷-۰۸۰۰
بازرس ساختمان علیرضا شریف زاده محمودرضا اسکندری ۶۶۳-۷۲۱۵ ۹۷۱-۱۳۵۹	فروش و موکت قالی شویی و رفو ۷۳۹-۴۸۸۸	چاپ و کپی فتوکپی ان دی جی حسابداری اردشیر معین افشاری حسین خردبین حجت رستمی سرور صدر مهديه سلیمی ۴۸۸-۵۳۳۳ ۴۵۸-۷۵۹۹ ۲۴۲-۶۰۳۴ ۵۴۹-۱۳۴۴ ۷۷۷-۳۶۰۴ ۸۸۶-۷۴۷۱	آز آیادانا ۷۳۱۸-۸۳۹ پرسپولیس ۴۳۸-۳۵۷-۷۰۰۰ پنج ستاره ۸۴۶-۰۲۲۱ صرافی الیت ۹۸۹-۲۲۲۹ شریف ۲۲۳-۶۴۰۸ صرافی رویال ۸۳۶-۷۰۹۰ پاسیفیک ۲۸۹-۹۰۱۱ ExpertFX ۸۴۴-۴۴۹۲
مشاور خانواده لاله رهبین ۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴	عکاسی و فیلمبرداری استودیو فتوبوک فتو شاپ ۹۸۴-۸۹۴۴ ۸۴۶-۰۲۲۱	حمل و نقل المپیک قریان Loadex Transport ۹۳۵-۳۳۰۰ ۸۸۷-۰۳۲۲ ۲۳۴-۳۳۹۹	الکترونیک - برق کار آراز الکترونیک ۳۵۲-۶۸۸۳
مشاور مهاجرت معصومه علی محمدی علی مختاری سهیل ملاحمدی ۲۸۹-۹۰۴۴ ۹۰۳-۴۷۲۶ ۷۴۸-۰۹۴۹	فروشگاه ها المانه سن لوران بازار EXO Fruits فروشگاه ایرانی A Plus Quality Nuts / 514-691-0002 کامپیوتر و خدمات بیژن جلالی EvoWeb کتاب فروشی / کتابخانه کتابخانه نیما نوروززمین طراحی و گرافیک ۴۸۸-۸۳۸۳ ۳۶۹-۳۴۷۴ ۴۸۶-۱۶۱۷ ۷۳۸-۱۳۸۴ فروشگاه ایرانی A Plus Quality Nuts / 514-691-0002 کامپیوتر و خدمات بیژن جلالی EvoWeb کتاب فروشی / کتابخانه کتابخانه نیما نوروززمین طراحی و گرافیک ۴۸۸-۸۳۸۳ ۳۶۹-۳۴۷۴ ۴۸۶-۱۶۱۷ ۷۳۸-۱۳۸۴	خدمات ویزای توریستی خدمات در ایران دارالترجمه فرهنگ ۶۹۱-۴۳۸۳	آژانس های مسافرتی سلطان تراول فرناز معتمدی مهری صدوقی سعید هاشمی ۴۸۴-۴۰۰۰ ۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶ ۹۴۰-۱۶۴۲/۴۳ ۲۷۲-۹۹۹۹
نان و شیرینی کندم نان سنگک آذر ۸۳۶-۵۵۵۳ ۶۳۴-۶۳۶۳	نوسازی و تعمیرات ساختمان شرکت بن شرکت آماج لوله کشی پتانسیل لوله کشی پارس ۴۴۱-۴۲۹۵ ۹۴۲-۹۹۶۹ ۴۶۳-۳۰۱۴ ۲۹۰-۲۹۵۹	خیاطی Tailleur Bijan 2121 Rue Crescent #102, H3G 2C1 خدمات در ایران دارالترجمه فرهنگ ۴۱۹-۱۰۳۹ ۲۱۲۱ Rue Crescent #102, H3G 2C1 ۶۹۱-۴۳۸۳	آموزش پروین عبائی - فارسی مدرسه فردوسی مدرسه وست آیلند مدرسه دهخدا ۶۷۵-۴۴۰۵ ۵۰۲-۴۳۷۸ ۶۲۶-۵۵۲۰ ۲۵۸-۸۱۸۶
وام مسکن بهرز باباخانی آتوسا تنگستانی فر شیرین تیموری مهرداد مرادخانی ۶۰۶-۵۶۲۶ ۹۹۵-۳۰۴۱ ۹۷۹-۹۸۰۹ ۸۳۴-۸۰۵۳	مهد کودک سیما (دولتی) وکیل/مهاجرت دیوید برگر ۶۹۹-۸۳۷۳ ۹۶۱-۸۷۴۶	دارو خانه کلنسیم ریاحی فارماپری لاوال فارماپری لاوال ۵۱۹-۳۰۶۰ ۴۵۰-۶۲۸-۸۱۰۰ ۴۵۰-۶۲۸-۴۰۰۷	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان استاد بیانست فرچه داغی آموزش (زبان) آکادمی آریا دکتر رضا یاوریان ۹۹۶-۱۶۲۰ ۴۸۴-۸۷۴۸ ۸۳۹۴۴۴۴ ۶۵۳-۳۰۵۰



Cover  
NO.677

## 16. Histoire de couverture

Une interview exclusive avec Hooshang Tozie, le réalisateur de «Silver Poet»:

**C'est une pièce dédiée au sol solitaire d'un poète**

■ Aref Mohammadi

### 43 Interview:

Arash Mohebi

Entrevue avec Jessica Giunta, membre du YRDSB :  
Nos programmes permettent aux nouveaux arrivants de s'intégrer mieux et plus rapidement

### 25 Immigration:

M. Alimohammadi

**Nouveau programme d'immigration permettant aux travailleurs qualifiés d'entrer au Canada sans offre d'emploi**

### 32 Littérature:

Karim Zayyani

**Petite histoire : un fouineur est fouineur et vous ne pouvez pas le changer**

### 52 Economie:

Armin Aryanpour

**Une forte hausse des taux d'intérêt préférentiels au Canada**  
Quelles sont les conséquences de cette décision ?

### 63 Afghanistan:

Nargis Hashimi

Analystes afghans à propos de la saisie par les États-Unis d'actifs afghans :  
**c'est un acte irresponsable qui fait chanter les pauvres d'Afghanistan**



43



25



32



52



63

Publication: Journal Hafteh / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal

21 avr 2022, numéro 677

Hafteh will not be published on the following dates during 2022:

January 6th March 24th  
July 7th October 13th

(514) 834-7254  
• www.hafteh.ca  
• info@hafteh.ca  
• news@hafteh.ca  
• ad@hafteh.ca  
• ISSN 1918-4379 Hafteh

Siège social:  
1980 Rue sherbrooke O  
Suite#: 900  
Montreal H3H 1E8

**Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie**

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Littérature: Farangis Shakiba

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Zahra Salehi



le prix: \$2.50

Les frais de l'abonnement annuel: 120 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.  
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada



استخدام

استخدام

کارخانه ذوب فلزات و تولید کننده فروتیتانیوم  
به نیروی کار زیر نیازمند است:

۱. اپراتور ساده جهت کار در خط تولید

۲. اپراتور کوره‌های ذوب  
(ترجیحا با سابقه کار ریخته‌گری)

۳. الکترومکانیک

لطفا رزومه کاری خود را به ایمیل زیر ارسال فرمائید:

carriers@metalliage.ca

Metalliage INC.  
5335 Rue Ramsay  
Saint-Hubert, QC J3Y 2S3

آدرس محل کار:

## آنچه رویای شماست، تلاش من خواهد بود



### مشاور املاک مسکونی و تجاری

- خرید، فروش، پیش فروش و اجاره کلیه املاک مسکونی، تجاری و صنعتی
- خرید و فروش بیزنس ها
- کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ بهره
- همراهی در کلیه امور مربوط به محضر

GRUPE IMMOBILIER  
LONDONO  
REALTY GROUP INC

هلیا عارفنی دوست

(514) 996-1065

✉ helia@londonogroup.com

📱 helia\_realtor\_mtl

صرافی  
بستی  
مونترال



Montreal  
BISTI  
EXCHANGE

ارسال حواله



خرید و فروش ارز



خرید و فروش ارزهای دیجیتال



وسترن یونیون



Competitive rates - Fast transfers - FINTRAC-regulated



+1(514) 806 0020 | [www.bisti.ca](http://www.bisti.ca) | [bisti@bisti.ca](mailto:bisti@bisti.ca) | [instagram.com/bistifx](https://www.instagram.com/bistifx)

# شاعر نقره ای

با نگاهی به زندگی فریدون فرخزاد  
کاری از هوشنگ توزیع



هوشنگ توزیع در نقش فریدون فرخزاد



کوثر عباسی

شهراد فردوسی

علی عزیزیان

ناکتا پهلوان

**MONTREAL** Theatre Le Gesù  
**FRIDAY APRIL 29** 1200 rue de Bleury  
SHOW 8:30PM

Tickets

**Legesu.com**  
(514) 861-4378

**Tapesh Digital**  
(514) 223-3336



**INSTITUT TECHNIQUE**  
**AVIRON**  
**TECHNICAL INSTITUTE**  
**DE MONTRÉAL**

80 années écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس  
• مشاوره برای کارایی ارائه می‌شود

**Service de Placement Disponible**




## روایهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais  
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

**Programmes D.E.P 1800 heures:**

**دوره های حضوری**

- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Électricité
- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- برق کاری

**دوره های آنلاین**

- Dessin industriel
- طراحی صنعتی

**امتحانات: حضوری، در محل، و آنلاین**



5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane      www.avirontech.com      514-739-3010

## مهندس مهدی انصاری

### مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکوردیا

- خرید و فروش تخصصی ملک، دسترسی ویژه به پیش خرید
- در سراسر مونترال
- دسترسی تضمینی به بهترین مبلغ وام با کمترین سود بانکی

**بسته خرید ویژه، مخصوص پرستاران و پزشکان عزیز**

## Mahdi Ansari

Courtier immobilier résidentiel  
Residential Real estate Broker



GROUP IMMOBILIER  
**LONDONO**  
REALTY GROUP INC

www.mahdiansari.com      514-588-0609  
medi.ans.mtlbroker      CANADA AWARDED BROKER 2020 - 2021